

سه گزارشی از:

کارخانه ذوب آهن آریامهر

شرکت سهامی زراعی آریامهر

گوشه ارز کارنامه ۶۰ ساله شرکتها  
غازنگر نعت در مسجد سلیمان

مجاهدین خلق ایران



جلد ۱ : کارخانه ذوب آهن آRAMهر

شرکت سهامی زراعی آRAMهر

خرداد ۵۲

جلد ۲ : گوشه ای از کارنامه ۶۰ ساله شرکتهای خارتگر

نفت در مسجد سلیمان

شهریور ۵۲

مجاهدین خلق ایران

نوشته های حاضر از آثار تحقیقی "سازمان مجاهدین خلق ایران" میباشد .  
کتاب راسمین جهانی برای کار کسینوهای فرهنگی و اطلاع توده های دانشجویی  
خارج از کشور از این گونه تحقیقات به تاخیر این دو جلد دست می زند .  
امید داریم چاپ این دو اثر در شناخت ایرانیان خارج از کشور از کوشش های  
خستگی ناپذیر انقلابیون درون کشور در همه زمینه ها موثر واقع شود .

هیئت دبیران موقت کتبخ راسمین جهانی

پائیز ۵۳

## بنام خدا و نام خلق قهرمان ایران

رژیم ضد خلقی ایران با دنیائیه روی از سیاست امپریالیسم جهانی و با  
اتکا به عوامل سرکوب و تبلیغات گمراه کننده، شدیدترین فشارهای  
دیپلماتی و ابرتوده های خلق ما وارد میآورد. مبارزه فعال و بیگنا  
این عوامل اصلی قدرت دشمن و وظیفه همروزنده صادق و صمیم  
پرست انقلابی است. افشاکری چهره مزورانه و روشن دشمن  
همان اندازه دارای اهمیت است که بکاربردن قهر انقلابی در برابر  
خمشونت ضد انقلابی وی.

برنامه های تبلیغاتی سراسر فریبکارانه رژیم پهلوی و اگرچه ضحصر  
بموارد معدودی نبوده و نیستند ولی از میان آنها در برنامه " رشد صنعتی"  
و اصلاحات ارضی" در ایران در طول دهساله اخیر همواره در صدر  
تبلیغات دشمن قرار داشته و با ارائه طرحها و نمونه هایی در این  
دو زمینه سعی کرده چهره ضد خلقی خود را بپوشاند.

کارخانه ذوب آهن آریامهر و شرکت سهامی زراعی آریامهر دو نمونه برجسته  
در زمینه های " رشد صنعتی" و اصلاحات ارضی" انقلاب سفید آریامهر  
است. نوشته حاضر شامل دو گزارش از دو طرح نمونه فوق الذکر است.  
این نوشته گرچه بدلیل حاکمیت شرایط پلمسی و اختتامی تاحدودی ناقص است  
اما میتواند در بالا بردن دید هموطنان عزیز نسبت به فریبکارهای  
رژیم موثر باشد.

سازمان مجاهدین خلق ایران

اردیبهشت ماه ۵۳

تاریخ تحقیق زمستان سال ۱۳۵۲

مقدمه

نتیجه ارزیابی سال رژیم به تبلیغات فریب آمیزی درباره اهمیت احداث ذوب آهن در ایران پرداخت. برترین تبلیغات ایجاد کارخانه ذوب آهن که تنها برای توده های مردم بلکه برای بسیاری از روشنفکران بصورت یک آرزوی ملی در آمد. همه تصور میکردند که برای رهائی از ورطه عقب ماندگی کنونی و گرایش بسوی صنعتی شدن تنها راه علاج تاسیس کارخانه ذوب آهن است. هنوز افکار عمومی بر این تصور است که بهره برداری از کارخانه ذوب آهن به عقب افتادگیهای صنعتی حل میشود و نیازمندیهای داخلی از سوزن خیاطی گرفته تا ماشین سواری در داخل ایران بوقیست ارزان ساخته خواهد شد.

پس از گذشت ماهها از آغاز بهره برداری کارخانه ذوب آهن آریامهر، سازمان مجاهدین خلق بر آن شد که گزارشی از چگونگی تاسیس، نحوه ساختمان کارخانه و شرایط بهره برداری آن تهیه کند و آنرا در معرض افکار عمومی قرار دهد. تا معلوم شود که آیا این پروژه بر سر عهد او با اصطلاح انقلابی رژیم، با توجه به هزینه هنگفتی که برای آن شده، تا چه اندازه با نیازها و آرزوهای ملی مردم ما منطبق است. آیا این صنعت مادر تولید صنایع نوین دیگری را که بر اساس آرزوهای ملی مردم باشد تولید میدهد یا اینکه هنوز فرزندی متولد نشده که گسترش سرطان نژاد بیگانگان و اختلاسهای مزدوران

داخلی آنها، مادر را باستانه مرگ میکشاند .  
گزارش زیر کوشش است تا این ارزیابی را بدست دهد . اما باید اذعان کرد  
که گزارش کامل و جامع نیست چه در شرایط سخت پلیس حاکم تهیه شده  
است .

از لحاظ اهمیتی که افشای حقایق کارخانه ذوب آهن آریامهر همچون دیگر  
تاسیسات آریامهری برای مردم مادر از همه خواهران و برادران که دسترسی  
عینی دارند میخواهیم که با تحقیقات خود به تکمیل و اصلاح این گزارش که  
میتواند مفیده ای برای کار آنها باشد بپردازند .

### سابقه تاریخی

بدینال سیاست نزدیکی رضاشاه به حکومت هیئتری آلمان اولین قدم برای  
تاسیس کارخانه ذوب آهن برداشته شد و کمپانی کروب آلمان عهده دار  
پیاده کردن این طرح گردید . ناحیه کرج برای احداث کارخانه بحالت  
نزدیکی به معادن البیرواستفاده از رودخانه کرج برای تامین آب مورد  
نیاز انتخاب گردید . مقداری از آهن آلات و تجهیزات مربوط به کارخانه به  
صحل تاسیس کارخانه حمل گردید . اما ادامه حمل وسائل مورد نیاز و کار  
ساختن کارخانه از طرف نیروهای متفقین ( امریکا ، انگلستان ، شوروی )  
که ایران را با آغاز جنگ جهانی دوم اشغال کرده و آلمان در حال جنگ بود  
متوقف گردید .

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ هجری تاسیس کارخانه ذوب آهن برای فریب

انتظامی و تبلیغات رزم قرار گرفت. بودجه های کلانی برای مطالعه و اطراف تاسیس کارخانه و تعیین مناسب ترین محل و میزان ظرفیت کارخانه در اختیار کارشناسان و شرکتهای مشاور خارجی قرار گرفت تا آنجا که بگفته میشود مسئولین رزم بودجه ای که در طول آن مدت صرف مطالعه تاسیس کارخانه شده از هزینه اهدات یک کارخانه ذوب آهن تجاوز کرد.

در انجام در سال ۱۳۴۴ در زمان حکومت حسنعلی منصور نخست وزیر انقلاب سفید در همدان رودخانه نوظهور ایران نوین، قرارداد تاسیس کارخانه پاروسها امضاء شد و با مطالعاتی که آنها در این زمینه بعمل آوردند محل تاسیس کارخانه در ۴ کیلومتری اصفهان و در کار رودخانه زاینده رود انتخاب شد. در این هنگام عوامل زبردت تاسیس کارخانه نقش اساسی را بازی کردند:

انتخاب دکترین سیاست مسالمت آمیز و سبیل شوروی

پیشرفت تکنیک سلاح های ضدین اتمی، بمیدان آمدن موشکهای قاره پهنا و توسعه زیر دریائی های اتمی شوروی، تمایل تسلیحاتی را بین دو قدرت بزرگ آمریکا و شوروی بوجود آورد. و هم زمان با آن از اهمیت پایگاههای نظامی دو این قدرت در کشورهای بیگانه کاست. اینک هر دو قدرت باین حقیقت پی برده بودند که آغاز جنگ از هر سو موجب نابودی هر دو طرف و اتمام آنها خواهد شد. بخصوص اتحاد جماهیر شوروی که از لحاظ تسلیحات غیر اتمی با آمریکا اختلاف زیادی داشت، سیاست توسعه طلبی آمریکا را با مقابله اتمی تهدید میکرد. رشد تکنیک سلاحهای اتمی و دکترین سیاست مسالمت آمیز خرو و نجف را می بینی کرد و سرانجام اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده در اوایل دهه

۱۹۶۰ در باره مناطق نفوذ جهانی بایکدیگر توافق کردند. تئوریستین های اتحاد جماهیر شوروی استدلال میکردند که امپریالیسم جهانی را باید در عرصه رقابت های اقتصادی بهارزه با قدرتهای سوسیالیستی فراخواند و زمینه فراهم ساختن انقلاب اجتماعی کشورهای توسعه نیافته را با ایجاد صنایع و در نتیجه گسترش طبقه پرولتاریا فراهم نمود. تحت این پوشش انسانی، دکترین همزیستی مسالمت آمیز جنگهای سرد شوروی با آمریکا و اقمارش خاتمه داد.

امکان جنگ محدود دانی برای آمریکا از میان رفته بود. درگیری نیروهای آمریکا با پیشرفته ترین سلاحهای غیراتمی خود در ویتنام، آمریکا - نه مردم ویتنام - را بزانودر آورد. با آغاز مامداری کندی فضا پر خرداری از این تجربیات، حکومت کندی دست با قیامات وسیعی زد تا برای حفظ کشورهای زیر سلطه، طرحهای وسیع "سیمای ملی" دادن به برنامه های آمریکائی "تپه و اجرا شود هدف از طرح جدید این بود که اولاً صنایع انسانی و اقتصادی آمریکا همچون در ویتنام، در گرداب ناپودی نیفتد و ثانیاً حتی الامکان قبل از بروز انقلابات ملی با اجرای طرحهای ضد انگیزه ای از آنها جلو گیری و در عین حال با گسترش یک قشر مزدور تریبیت نیروهای بومی برای سرکوب انقلابات ملی بپردازد. در اجرای این طرح، آمریکا در ایران با مشکلات زیادی روبرو بود. چه کشور مادر سال ۱۹۶۰ بر اثر استشارشده پدیدگانگان و اختلاسهای افسانه ای مزدوران فاسد آنها بوزش کمتری کشیده شده بود. فساد مزدوران داخلی مرحله ای رسیده بود که سنای آمریکا میکوشید با انتقاد از آنها در مردم ایران واکنش عمومی جهان و جبهه سیاسی پیدا کند و خاطره تحمل این رژیم فاسد را از یاد مردم ایران ببرد. از طرف دیگر فساد رژیم بطور اجتناب ناپذیری به



ضعفان منجر شده و نهضت ملی ایران دوباره پا گرفته و همزمان با اجرای طرحهای "سرمای ملی دادن" باوج قدرت خود رسیده بود و میرفت تا مخاطراتی جدی برای ادامه نفوذ بیگانه و مزدوران داخلی آنها ایجاد کند. در این هنگام سرکوبی نهضت ملی و سرکردن کشور بهمان مزدوران فاسد اما این بار با اعمال کنترل بیشتر امری ناگزیر بنظر میرسید. برای اینکار سرکوت و قیاض همسایه شمالی ایران لازم بود که آنها هم خوشبختانه برای غرب قبال فراهم شده بود. در تقارن زمانی اتخاذ سیاست مسالمت آمیز اتحاد جماهیر شوروی با رفع بحران سیاسی ایران از طریق سرکوبی مجدد نهضت ملی صورت مناسبی با آمریکا داد و تیرگی روابط و جنگ تبلیغاتی که بین ایران و شوروی از دهه ۳۰ همچنان ادامه داشت، به سرعت جایش را به حسن روابط و تمجید از سیاست های تدبیرانه طرفین داد. و بلافاصله قرارداد هایی بین دو کشور تراضیاً رسید. شوروی یک اعتبار ۳۶ میلیون دلاری برای ساختن بندر رودخانه مرزی ارس با ایران داد و ایران در قبال امتیازات کلان و وسیعی حسابی که به کمپانیهای نفتی بزرگ آمریکائی، انگلیسی و فرانسوی عضو کرسی سوم و نیزه خورده کمپانیهای نفتی آمریکائی و ژاپنی و ایتالیائی در اراضی فلات فارس، ناحیه زاگرس و سایر مناطق جنوبی که احتمال وجود ذخایر نفتی در آن مناطق میرفت و اکتان میگرد، قرارداد کار با شوروی در قبال ساختن نوب آهن اصفهان کرد. شاه در مصاحبه هایش از هدفهای تجدید روابط با شوروی پرده برداشت. از جمله یکی از سفرای یک کشور آسیائی گفت: "روسها قرنیه است که میخواهند راهی به خلیج فارس پیدا کنند اما اکنون که ما بطرفی - بوسیله جاده هامراه آهن و بوله های نفت - با بهبارت دیگر بوسیله تجارت و

ضافع دوجانبه / آرزوهای آنها را برآورده ایم آنها نیز آرزوهای تخریبی خود دست برداشته اند" (۱)

باین ترتیب اتحاد جماهیر شوروی عهده دار ساختن کارخانه نوب آهن آریامهر شد .

۲ - نیاز رژیم به معامله با شوروی برای داعیه سیاست مستقل ملی

تاسیس کارخانه نوب آهن چون دیگر اعتبارات اقتصادی و بهتراز همه فروش سلاحهای نظامی از طرف شوروی، بهترین برگه بود که رژیم برای پوشاندن موقتی ماهیت واقعی اقدامات با اصطلاح انقلابی خود بکاربرد . مماثلات جدید با شوروی بهترین جایگاه را در تبلیغات رژیم اشغال کرد . جملاتی از قبیل " ایران اکنون با استفاده از قدرت خود و بر اساس سیاست مستقل ملی قادر است با هر کشوری صرف نظر از تعلق بهریک از بلوکهای شرق و غرب دست به برگزیده معامله ای که منافع ملی اش اقتضا کند بزند " صفحات مطبوعات و برنامه فرستنده های رادیویی کشور را پر کرده بود . نیاز رژیم به نزدیکی با شوروی و علت کوششهای تبلیغاتی اش که فراهم شدن این فرصت را از پرتو انقلاب شاه و مردم و اصول انقلاب سفید میخواند آنگاه بخوبی آشکار میشود که رسوائی و شکست طرحهای امریکائی همسانی را در کشورهای دیگر مورد ملاحظه قرار دهیم .

اجرای طرح کاپوت (۲) در شهری که بطور کلی شامل مطالعات حضوری

(۱) گاردین - لووند دیپلماتیک ۱۱ مارس ۱۹۷۲

متخصصین و مشاورین وزارت دفاع و سیا\* با همکاری متخصصین محلی در همه زمینه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور برای ارائه طرح اجرایی "سیمای ملی دادن ببرنامجها" (که در کشورمانقلاب سفیدش خواندند) بود با مخالفت شدید مردم شیلی روبرو شد (۱).

افشاگرهای مردم شیلی از هدفهای این طرح که برای تضمین و تعمیق تسلط امریکادر کلیه شئون زندگی مردم اجرا میشد ضربه شکست آن در شیلی شد. فشار افکار عمومی مردم شیلی پارلمان آن کشور را واداشت تا طرح را بعنوان دخالت مستقیم امریکادر امور داخلی شیلی محکوم کند.

بدنهای آن متخصصین امریکائی طرح کاملوت از شیلی رانده شدند و موج افشاگریها به دیگر کشورهای امریکای لاتین سرازیر شد. اعتراضات برخی از دانشگاههای امریکا و استادان بانفوذ آنها که آنها را در کشورهاییکه مشغول تحقیق درباره طرح بودند مامورین سیا و در خدمت آن خوانده بودند و نیز ترس پزیدنت جانسون از اینکه به حیثیت امریکابیش از این لطمه وارد شود منجر شد که رئیس جمهور بلافاصله رسماً بوزارت دفاع دستور دهد که اجرای طرح را یکی در تمام کشورهای تعطیل کند و وزارت دفاع دیگر مستقیماً از انجام چنین طرحهایی که امریکاراهبهم بعداخله در امور داخلی کشورها میکند خودداری نماید

۱ - شیلی یکی از ۹ کشور بود که طرح میباید طبق اسناد وزارت دفاع در آنها انجام مییافت. بقیه کشورهای عبارت بودند از: بولیوی، اکوادور، پاراگوئه، پرو و ونزئلا، ایران و تایلند. برای اطلاع بیشتر از هدفهای طرح بصفحات ۱۱۶-۱۲ کتاب زیر مراجعه کنید:

Michael T. Klare, War without end, American planning for the next Vietnam (1972)

در این هنگام طرح اجایل (۱) که به جنبه علمی "سیمای ملی دادن  
 به برنامه های امریکائی" پرداخته بود در چهار کشور جهان که موقعیت خاصی  
 از لحاظ امریکاداشتند یعنی ویتنام، کره، تایلند و ایران در حال پیاده شدن  
 بود (۲) ضرورت پنهان کردن طرح در ایران امری بسیار حیاتی برای  
 امریکامزدوران داخلی آن بود. باید بشمار انقلاب شاه و مردم و انقلاب  
 سفید که بقول شاه برنامه ای ضد مردمی است جان داده میشد.  
 ماطی<sup>۳</sup> که میتوانست بدون شک با آن جان بدد پیوستن اتحاد جماهیر شوروی<sup>۴</sup>  
 این بزرگترین قدرت کشورهای سوسیالیستی جهان در برنامه های انقلاب  
 سفید بود. این آرزوی واضمین طرح تحقق یافت و با همکاری شوروی  
 در این زمینه دستگاه تبلیغاتی کوشید ماهیت اصلی برنامه ها و وابستگی  
 و از نظر انظار داخلی و خارجی پیچیده سازد و اطمینان آنرا بطور موقت پنهان  
 کند و اجرای برنامه ها را از شکست فوری بازدارد. از این رو تاسیس کارخانه  
 ذوب آهن از طرف شوروی، از لحاظ سیاسی امری بسیاری ضروری بود و  
 همانطور که معامله عدم مایلین دلاری سلاحهای نظامی و گسترش روابط  
 سیاسی و اقتصادی با سایر کشورهای سوسیالیستی بلوک شرق، چه اینها  
 همه نه تنها هیچگونه آسیبی به اجرای طرح نمیرساند بلکه به چهره پنهان  
 نیز طرح، لباس سیاست مستقل ملی ایرانی نیز می پوشاند.

---

(۱) Project Agile برای اطلاع بیشتر صفحات ۴۱۱ - ۴۱۱ کتاب ذکر

شده مراجعه کنید.

(۲) ص ۴۱۸ همان کتاب

دولت شوروی برای تأسیس کارخانه ذوب آهن با ظرفیت تولیدی ۲۰۶۰۰۰ تن در سال مبلغی اعتبار را در اختیار دولت ایران گذاشت. دولت ایران از محل این اعتبار و از طریق بانک دولتی شوروی اقدام به خرید کتبه و وسائل و تجهیزات لازم برای احداث کارخانه ذوب آهن نمود. این وسائل و تجهیزات شامل کتبه ماشین آلات مختلف جهت استخراج معادن آهن و ذغال سنگ و همچنین مصالح ساختمانی از قبیل آهن، چوب، آجرهای نسوز و مواد لازم دیگری که تهیه آن در ایران مقدور نبود، میگردد. به موازات انجام کارهای ساختمانی کارخانه ذوب آهن و تأسیسات وابسته بآن، دولت ایران موظف شد بساختن لوله سراسری حمل گاز از ناحیه آغاچاری تا مرز ایران و شوروی بپردازد. طول این لوله تقریباً ۱۰۰ کیلومتر ظرفیت آن ۱ میلیارد متر مکعب در سال است. مخارج احداث لوله بالغ بر ۲۲ میلیون دلار میگردد که دولت ایران آنرا از طریق وام ۲۰ ساله از کسر سپهر بانکهای اروپائی با بهره ۵٪ کل ۵۰ میلیون دلار تا استهلاك قرض تأمین کرد.

طبق قرارداد احداث کارخانه ذوب آهن، اعتبار واگذاری شوروی میباید از طریق صدور گاز یا اتحاد شوروی مستهلك شود. مطابق قرارداد شوروی بابت هر يك میلیون بی. تی. بی. (واحد ارزش حرارتی گاز) گاز ایران ۱/۵ سنت بایران میپردازد (۱)

(۱) همین مقدار گاز شوروی بقیمت ۴۲ سنت به چکسلواکی و آلمان میفرشود. قابل توجه اینکه الجزایر همین مقدار گاز خود را به ۱۲ سنت و لبنان به ۳۳ سنت بقیه در صفحه بعد

از لحاظ اجرایی دولت ایران قبول کرده ساختمان کارگاههایی را که  
برای ایجاد و ساختمان کارخانه ضروری است و بنام پایگاه صنعتی نامیده  
میشود خود بعهده بگیرد. علاوه بر آن انجام کلیه امور زیر بعهده ایران  
و اگر در آینده دولت ایران موظف شد هزینه آنها را بپردازد.

— استخدام کادرفنی و نیروی انسانی لازم و پرداخت حقوق و دستمزد آنها  
فراهم ساختن تسهیلات لازم از قبیل مسکن و وسیله ایاب و ذهاب برای کار  
کنان  
— پرداخت حقوق کلیه کارشناسان روسی و تامین وسائل زندگی آنها  
اعم از مسکن و وسیله ایاب و ذهاب.

— تامین کلیه مصالح ساختمانی و مصرفی و ابزار کار نظیر سیمان، آجر، کچ،  
مواد سوختی و روشنایی.

— تامین هزینه ساخت چهار هزار تن از ۸۰ هزار تن کب اسکت و تجهیزات  
ظرفی کارخانه که تهیه و ساخت آنها در داخل ایران میسر بود.  
ظرفیت و مشخصات فنی کارخانه

همانطوریکه گفته شد از آنجا که ایجاد این کارخانه در درجه اول دارای هدف  
سیاسی و تبلیغاتی بود، جنبه اقتصادی و بازدهی ملی آن بفراموشی سپرده  
شد. لذا ظرفیت اولیه کارخانه در حد کوچکترین اندازه ممکن یک کارخانه  
نوب آهن بایک کوره بلند با ظرفیت بیش از ۱۰۶۰ متر مکعب و تولید سالانه ۶۰۰٫۰۰۰  
تن چدن تعیین گردید. در حالیکه در همان زمان مصرف داخلی سالانه

بقیه از صفحه قبل) میفروشد یعنی ۳ تا ۴ برابر قیمت گاز ایران\* مقدار گازی که شوروی  
در سال ۱۳۵۰ از ایران خارج کرده است ۶۰۰ میلیون فوت مکعب میباشد و تا سال  
۱۳۵۶ به ۱۰۵۰ میلیون فوت مکعب خواهد رسید یک محاسبه ساده روشن میکند که  
شوروی از طریق خرید و فروش گاز ایران سالانه بالغ بر ۶۰ میلیون دلار سود خالص دریافت میکند

آهن آلات ستنه بصورت آهن آلات ساختمانی و پروفیل های آهنی (تیر آهن منادانی ، ورق آهن ، نبشی و میلگرد و...) حدود ۲۰۶۰۰۰ تن بود. یعنی ظرفیت کارخانه معادل نصف احتیاجات داخلی در هنگام بهاختتام آن در نظر گرفته شده بود ، تا به بازار فروش آهن آلات کشورهای غربی در کشور لطمه وارد نشود و کسری نیاز از تولیدات آهنی آنها نگردد .

کارخانجات ذوب آهن را اصولاً از لحاظ رعایت بازدهی اقتصادی سرمایه و نیز حفظ استقلال و بی نیازی اقتصادی این رشته صنعت از کشورهای دیگر ، با توجه با امکانات ملی و محلی ، حتی المقدور با ظرفیت و اندازه هر چه بزرگتر میسازند . ظرفیت معمولی کارخانجات ذوب آهن در کشورهای صنعتی از سه میلیون تن تا بیشتر از ده میلیون تن در سال است . چون در تاسیس کارخانه ذوب آهن ایران جنبه اقتصادی مورد نظر نبوده ، با اینکه کشور از امکانات مالی و معدنی فراوانی برخوردار است معذالک ظرفیت اولیه کارخانه حتی نسبت به کارخانجات ساخته شده در کشورهای عقب مانده دیگر که دارای امکانات معدنی و مالی کمتری نیز هستند در سطح پائین تری گرفته شده است . جدول زیر بعنوان نمونه میتواند همین این حقیقت باشد .

مقایسه ظرفیت تولید کارخانه آریامهر با چند کارخانه از کشورهای توسعه نیافته

نام کشور	نام کارخانه	ظرفیت در سال	نسبت برابری با کارخانه آریامهر
هندوستان (۱)	بهیلالی	۳ میلیون تن	۵ برابر
"	بوخادو	۲ / ۵ میلیون تن	۱۶ / ۴ - ۲۰ برابر
صرب	حلوان	۱ / ۵ میلیون تن	۵ / ۲ برابر
ترکیه		۱ / ۵ میلیون تن	۵ / ۲ برابر
الجزایر		۷۵ هزار تن	بیش از ۱۰ برابر

(۱) هندوستان دارای دو کارخانه ذوب آهن دیگری است که (بقیه در صفحه بعد)

همانطوریکه جدول بالا نشان میدهد ظرفیت تولید فعلی کارخانه ذوب آهن ایران و زتمام کشورهای نامبرده در بالا کمتری کماشتر نصف ظرفیت کارخانه ذوب آهن ترکیه است. اما از این جهت جای نگرانی نیست زیرا به موازات کارخانه ذوب آهن آرمهره کارخانه نورد امسواز تاسیس یافتت تا جبران مافات کند. این کارخانه با سرمایه گزاری سرمایه داران امریکائی و آلمانی و ایرانی تاسیس شد. مواد اولیه این کارخانه، شمشهای آهنی از آلمان و امریکا وارد میشود و کارخانه آتراه آهن آلات ساختمانی (تیر آهن و میلگرد و...) برای رفع احتیاجات عمده داخلی تبدیل میکند. ظرفیت این کارخانه نزدیک به دو برابر ظرفیت کارخانه ذوب آهن آرمهره است. (۱) باید یادآوری کرد که توسعه کارخانه در طرح کارشناسان روسی تا میزان ۴ میلیون تن در سال پیش بینی گردید و نوع ماشین آلات بر اساس متدها<sup>ی</sup> پیشرفته ای از جانب طراحان روسی تعیین گردید و بیشتر مکانیزمها بدون و از نوع اتوماتیک و خود کار انتخاب شده است. و بخاطر جنبه های تبلیغاتی در وضعیت ظاهری کارگاهها و دستگاهها بدون رعایت صرفه جوئی های اقتصادی تجمل و زیباسازی زیادی مورد توجه قرار گرفته است. در طرح اولیه کارخانه بهمت کوچکی ظرفیت کارخانه ۴ کارگاه نورد ورق در نظر گرفته نشده است و حال آنکه صرف آهن ورق ۴۵٪ صرف داخلی

(بقیه پاروقی از صفحه قبل) بوسیله انگلیس و آلمان ساخته شده و تولید فولاد آنها در پیشرفته حدود ۸ میلیون تن در سال است.

۱- انعقاد قرارداد تاسیس کارخانه نورد ورق در نزدیکی کارخانه ذوب آهن آرمهره با سرمایه داران انگلیسی در بهمن ماه ۲۵ نشان میدهد که از همان ابتدای تاسیس کارخانه ذوب آهن سهم منافع دولت انگلیس هم در بازار صرف ایران منظور شده است و طراحان روسی مسلماً در تعیین میزان ظرفیت کارخانه آزادی نداشته اند. ظرفیت این کارخانه انگلیسی یک میلیون تن در سال است.



آهن آلات کشور تشکیل میدهد .

### موقعیت محلی کارخانه

محل کارخانه نوب آهن دره ۴ کیلومتری جاده اصفهان به شهرکرد در جنوب غربی اصفهان و در کنار زاینده رود به جهت زیرتعمین گردید :

۱ - قرار داشتن منابع سنگ آهن باقی در جنوب و معادن ذغال سنگ البرز در شمال ( معادن زیرآب شاهی و شاهرود )

۲ - وجود منابع معدنی سنگ آهنک و سیلیس در ناحیه پیریکران اصفهان

۳ - استفاده از زاینده رود برای تامین آب مورد نیاز کارخانه و امکان ازدیاد حجم آب رودخانه زاینده رود از طریق انحراف سرچشمه آب رودخانه کارون از ناحیه کوهزنگ چهارمحال بختیاری ، در محلی که کارخانه برائسر افزایش ظرفیت تولید آب بیشتری احتیاج دارد .

۴ - نزدیکی کارخانه به شهر اصفهان تسهیلات زیادی را برای استخدام و تامین نیروی انسانی و کادرفنی لازم جهت ساختمان کارخانه فراهم میکند و سکونت آنها در شهر امکان میدهد .

۵ - مرکزیت جغرافیائی اصفهان امکانات مساعدی برای توزیع محصولات آن بنقاط مختلف کشور فراهم میکند در حالیکه فاصله زیاد اصفهان از نادر کشور علت عدم صدور محصولات کارخانه بخارج اشکالی ایجاد نمینمود .

۶ - ساختمان کارخانه در سال ۱۳۴۶ آغاز شد و بر اساس پروژه پیش بینی شده میبایست در ظرف مدت چهار سال بپایان رسد و در اوایل سال ۵۰ شروع به بهره برداری گردد . اما معلی که خواهیم گفت ساختمان کارخانه دو سال تأخیر شد و در اسفند سال ۵۱ رسماً افتتاح گردید .

## تشکيلات شرکت ملی ذوب آهن

سازمان شرکت ملی ذوب آهن از واحدهای زیر که بنا بر احتیاجات کارخانه در نواحی مختلف بوجود آمده است تشکیل شده است :

— اداره مرکزی در تهران

— کارخانه ذوب آهن دره ۴ کیلومتری جاده اصفهان - شهرکرد .

— واحد تهیه مواد غیر فلزی در مین کران ( حدود ۳۰ کیلومتری کارخانه ) که

با استخراج و تهیه مواد اولیه غیر فلزی مورد نیاز کارخانه نظیر آهن و سیلیس مورد نیاز

— واحد کرمان مسئول استخراج و تهیه زغال سنگ از معادن پایه انارباب جنوب

و هجدک کرمان میباشد .

— واحد بافق مسئول استخراج و تهیه سنگ آهن از معادن بافق .

سنگ آهن که در این ناحیه با معیار مناسب در حدود ۶۰٪ وجود دارد استخراج

و وسیله سنگ شکمپا و آسیابهایی که در نزدیکی معادن ساخته شده باندازه ها

مورد نیاز کارخانه خرید میشود و از طریق راه آهن به محل کارخانه حمل میگردد .

— واحد طرح زغال سنگ البرز در شاهرود: این واحد که مرکز اداری آن در شاهرود است

مسئول تهیه زغال سنگ از ناحیه البرز و معادن زغال سنگ زیر آب و شاهرود میباشد .

— واحد ناحیه جلفا ( مرز ایران و شوروی ) : اداره کوچکی در جلفا برای تحویل

تجهیزات مختلف ذوب آهن که از شوروی وارد میشود و رسیدگی بازرسی و ط

بآن تشکیل یافته است .

— واحد انبارداری : در ناحیه کرج در محل سابق کارخانه ذوب آهنی که

از طرف آلمان در دست ساختمان بود انباری جهت نگهداری تجهیزات واصله

از شوروی بوجود آمده است. هم اکنون در این محل محصولات و آهن آلات ساخته

شعبه کارخانه انبار میگردد .

برای اداره کلبه این واحدها و عطیات مربوط به ذوب آهن یک شرکت دولتی تحت عنوان شرکت ملی ذوب آهن ایران تشکیل گردیده است .  
 دکتر امریطی شیمیائی ، فرزند مازور حبیب اله خان شیبانی یکی از همدستان نوابک رضاشاه در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ بعنوان مدیر عامل این شرکت منصوب شده است . برای شروع عطیات ساختمانی کارخانه عده ای از کارمندان با سابقه و آزمایش داده وزارت اقتصاد و تعدادی از سازمانها ی دولتی دیگر برای اداره واحدهای مختلف تعیین و بکارگماشته شدند .  
 اداره عطیات ساختمانی خود کارخانه ، که بعنوان واحد ساختمانی کارخانه آریامهر نامیده میشد بیک مهندس پیرویی واگذار گردید . این شخص که خود یکی از مهندسان با سابقه وزارت اقتصاد بود ، با توافقی بانند اداری خود و افراد دیگری که به علت وابستگیهای مختلف با توصیه شده بودند اداره کارهای ساختمانی ذوب آهن را بعهده گرفت .  
 در طول انجام عطیات ساختمانی مقدماتی ، نظیر کار ساختمانی خانه های موقت جهت کارشناسان روسی و ایرانی و کارهای ساختمانی ادارات و کارگاههای کبکی ، در میان رؤسای قسمتها که هر کدام بطرقی پشتشان به جایی گرم بود به علت بانند بازی ها و دسته بندیهای مختلف ، اختلاف شروع شد این اختلافات بطور روزمره بکارشکنی و جدال میکشید ، بطوریکه عده ای از مهندسان مسئولین با سواد و با تجربه که بعهده خدمت و خوش بینانه بنا ر مشغول شده بودند از همان ابتدا با روبرو شدن با اینیات موجود صحنه را خالی کردند .

مشکل عمده ای که در این مرحله از کار وجود آمد عدم همکاری و هماهنگی میان رئیس بهبودی کارخانه روسای قصبهای پائین تراز یکطرف و باکارشناسان ارتد روسی از طرف دیگر بود. اختلاف باکارشناسان روسی از این ناشی شد که سرکارشناس روسی که فردی بود با تجربیات وسیع و سرپرستی ساختن چندین کارخانه نوب آهن در شوروی و کشورهای دیگر نظیر اندونزی ( زمان سوکارنو) راقبلا بهمهده داشت از رئیس و سایر مسئولین ایرانی که هیچگونه اطلاع و تجربه از ساختمان کارخانه نوب آهن نداشتند انتظار داشت از نظرات او پیروی نمایند. اما چون روسها از نظر سیاسی قدرت و متوانه محکمی در رژیم ایران نداشتند تا از دستورات آنها نظیر دستورات مشاورین پاروسای امریکائی وانگلیسی دستاویزات نفتی و سایر کارخانجات بدون چون و چرا اطاعت شود، لذا به نظرات آنها در مورد نحوه انجام کار توجه جدی نمینشد. عدم همکاری بجائی کشید که بناچار سرانجام مشکلات در سطح مسئولین کشوری مطرح شد. در نتیجه آقای سرپرست وده ای دیگر از مسئولین نزدیک ایشان تغییر سمت دادند (۱) و آقای عبد الحمید شیبانی، برادر آقای دکتر امیرعلی شیبانی مدیر عامل شرکت طی نوب آهن بجای نامبرده منصوب شدند. ایشان دارای هیچگونه تخصص و اطلاع فنی نیستند (۲) اما بهیچ وجه دوست ندارند کسی ایشان را بدون عنوان مهندس بخواند. این آقای "مهندس" اگرچه فاقد هرگونه اطلاعات در اموری و امر دست

- ۱- آقای سرپرست سابق هم اکنون بعنوان مشاور عالی مدیر عامل شرکت طی نوب آهن در مرکز انجام وظیفه مینمایند. در واقع سرمنخ اصلی بهبودیان سهامیونیستی هستند که در نوب آهن مشغول کارند.
- ۲- نمونه های زیادی از بی اطلاعی سرپرست کارخانه از اموری در بین کارگران بعنوان تصخرف نقل میشود. ماهرای اینکه از صلاحیت فنی او تصویری داده باشیم تنها (بقیه در صفحه بعد)

هستند اما يك عددك زبان انگلیسی از كسور انگلستان دارند . اتفاقاً همین  
 عدم صلاحیت قضی ایشان در امرورفتی و مدیریت مشكل را بهتر حل کرد و برای  
 اجرای نظریات كارشناسان روسی تسهیلات زیادی فراهم شد و تقریباً دست  
 كارشناسان روسی در كیفه امورورفتی بازگذاشته شد و كارها بوسیله سركارشناس  
 روسی و با كمك مهندسين ارشد روسی اداره و نظارت میگردید . اما برای  
 کنترل روسها و درك نظریات آنها يك فرمهندس ایرانی كه تحصیلات خود را  
 در امریکا پایان رسانیده بود بسمت دستیار و معاون آقای « مهندس شیبا  
 در امورورفتی تعیین گردید . با انتصاب این شخص در راس امورورفتی كوشش  
 بعضی آداب مهندسين و كارمندان تحصیلكرده در امریكائیدان بیشتری  
 داده شود . این امر همچنان تحقق می یابد و افرادی كه واجد چنین  
 شرایطی هستند برای اداره قسمتهای مختلف كارخانه استخدام می گردی  
 ترفیع مییابند .

معاونت مالی و اداری كارخانه بیک از مالکین ناحیه خراسان كه از مسوولان  
 ویژه بانك اسداله علم و امیرعلی شیباست است سپرده شد . این شخص  
 علاوه بر عهده دار بودن مقام معاونت امور اداری ، ریاست آموزشگاه نوپ  
 آهن را عهده دار . اطلاعاً در انجام کارهای اداری ، محلی از اعراب  
 ندارد و هیچ گونه كسار مثبتی انجام نمی دهند . وی كه اساساً

مالك زمین های کشاورزی است بیشتر وقت و كارتش را صرف خرید و فروش  
 بقیه پاورقی از صفحه قبل ) يك مورد عینی آنرا در كرمیكیم . بیکار ایشان از یکی از كارگاهها  
 ساختمانی دیدن میگردند . كارگران مشغول قیركونی کردن بین های ساختمان برای  
 عایق کاری بودند . آقای رئیس از سرپرست آنها میپرسند : چرا اینجار از رنگسیاه میزنید ،  
 مگرونك دیگری ندانند ؟ سرپرست كارگران كه بنای ساده و معمولی بوده جواب میدهد :  
 « قهرمان این رنگ نیست فیراست . برای اینکه بین ساختمان بعد هانم نكند روی آن يك  
 لایه ای قیركونی میكسیم و تیری پاشیم .

زمین دراصفهان ، خراسان و خصوصاً شمال میکند . در ناحیه کرج و شمال  
 دارای باغ های پرورش گ و نهال است و هر سال در موسم جشن درختکاری  
 تعداد زیادی از نهال ها کاویدوب آهن فروخته میشود تا ایجاد فضای سبز  
 کمک کند . وقتی که سال بعد بسیاری از این نهال ها بر اثر عدم مراقبتی  
 خشک و دوباره این معامله ، بنا به تقاضای مسئول فضای سبز کارخانه که  
 یکی از عوامل و اعضا<sup>۱</sup> باندوست ، تکرار میشود . همچنین مقدار زیادی از  
 گلهای گلخانه های ایشان که باقیمت گزافی فروخته شد زینت بخش جشن  
 های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در واحدهای نوب آهن گردید . از برکات  
 دیگر ایشان ایجاد باشگاه سوارکاران در جوار کارخانه نوب آهن است ،  
 چه نمیتوانند از ورزش مورد علاقه شان یعنی اسب سواری در همان اوقات  
 کنی هم که در نوب آهن میکنند غافل باشند . با تمام این احوال حقوقی  
 ظاهری ایشان رقی بین ده تا دوازده هزار تومان در ماه است .  
 یکی دیگر از شخصیت های موثر کارخانه نوب آهن ، رئیس کارگزینی آن است  
 که با معاون اداری کارخانه با اصطلاح هم گامه هستند . ایشان قبلاً  
 در تشکیلات کارگزینی راه آهن دولتی ایران کار کرده و امتحان خوش خشنی  
 و ضد انسانی بودن خود را داده است . اکنون او یکی از موثرترین چهره های  
 ضد کارگری تشکیلات نوب آهن است . در مواردی که بعضی از مسئولین و  
 سرپرستان قسمتهای پائین تر ملاحظاتی و یا از روی اجبار و ضرورتی برای  
 عده ای یا کارگران قسمتی از کارخانه اضافه دستمزدهای اضافی کار بها  
 پاداش تقاضا می نمودند . ایشان با پشت گری معاون امور اداری با  
 بکار بردن انواع حیل و با و قائلتانی بازی های مخصوص بخودش با این تقاضا

تعداد زیادی ماشین آلات راهسازی نظیر بولدوزر، گریدر و بولدوزر است. بیشتر این ماشین آلات در ناحیه خوزستان مشغول بکار هستند و تعدادی از آنها را هم در اصفهان به نوب آهن اجاره داده است. این دستگاهها که در دوره ساختمان کارخانه در شبانه روز هیچگاه بیش از ۱۲ ساعت کار نمیکردند همیشه در این استثناء برای گدازه آنها ۲۴ ساعت کار منظور میشود. اجاره آنها بر مبنای ۲۴ ساعت کار از طرف نوب آهن بایشان پرداخت میگردد. حقوق ایشان را با وجود آنکه اغلب بعنوان مأموریت اداری نظیر استخدام پرسنل لازم و غیره بدنبال سرکشی ماشینهای راهسازی خود و سایر موارد میباشند شخصی است، رقمی در حدود ۱۲ هزار تومان است. البته حق ایمن مأموریتها معلوم نیست؟

از ارکان اداری دیگر نوب آهن یکی سرپرست گروه ایمنی فنی و مشاور عالی سرپرست واحد و دیگری رئیس انتظامات نوب آهن است. درباره این دو نفر در قسمتهای مربوط بایشان کارگران و قسمت انتظامات نوب آهن سخن خواهیم گفت.

### کارشناسان روسی

آنچه در مورد کارشناسان روسی در نظر اول جلب توجه میکرد، بخصوص در دوره ساختمان کارخانه، زیادی تعداد آنها بود تراکم این کارشناسان را میتوان معلول عوامل زیر دانست.

۱ - تصور افراد تحصیل کرده و بخصوص مهندس در شوروی، بطوریکه از گفته های روسها برمیآید، تعداد مهندسين در شوروی از میزان احتیاجات صنایع آن کشور

انزایش یافته است. اگر این گفته درست باشد میتوان گفت که شوروی

بافرستان تعداد زیادی مهندس و تکنیسین پایران اولا آنها را بکار گماشته تا نیاز آنجا که کار در یک دوره کامل مراحل ساختمانی کارخانه ذوب آهن برای یک مهندس یا تکنسین دوره آموزشی پر تجربه نیست، مهندسین و تکنسین های جوان شوروی میتوانند در این میدان عمل کار آزموده شوند. ثالثاً دولت شوروی نگرانی از حقوق، تهیه مسکن و دیگر تسهیلات لازم برای آنهانداشت چه طبق قرارداد اینها همه معیده دولت ایران بود.

۲ - محکم کاری و محافظه کاری روسها؛ علت دیگر اعزام کارشناسان به تعداد زیاد از طرف شوروی میتوان معلول جنبه محکم کاری و عبارت دیگر محافظه کاری روسها دانست. چه با کنترل گار دسته ای از مهندسین و تکنسینها بوسیله دسته دیگر امکان اشتباه و خطای فنی آنها از بین میرفت و برستی و حیثیت خارجی آنها که بآن اهمیت میدهند محفوظ میماند.

در اواخر دوره ساختمانی و اوائل دوره بهره برداری با ورود تعدادی کارشناسان دیگر در امور بهره برداری و آزمایش قسمتهای ساخته شده، تعداد کارشناسان بعد از آنکه خود رسید. این تعداد تنها در خود کارخانه ذوب آهن از هزار نفر تجاوز میکرد.

بهترین کارشناسان و خصوصاً تکنسین ها و مهندسین جزء، داوطلبانه به ایران آمده بودند در حالیکه سرکارشناسان و مهندسین متخصص وارد بطور انتخابی و بصورت ماموریت از طرف دولت شوروی اعزام شده بودند. طبق قرارداد های فی مابین دولت ایران موظف بود برای کارشناسان روسی مسکن با لوازم زندگی ( مبله مان منزل ) تهیه کند. لذا با ورود کارشناسان



در دهه ای از آنجا که رنگی از هفتای اصفهان که برای این منظور  
 اجاره شده بود سکونت دارند و برای بقیه از طرف اداره روابط عمومی ذوب  
 آهن خانه های شخصی در شهر اصفهان اجاره شد. میزان اجاره بها این  
 منازل بسیار پائین است که مسئولین روابط عمومی با مالکین محلی مینمودند به  
 مراتب پایین از نرخ اجاره بها محصل در اصفهان بود و متعاقب آن از یک طرف  
 سطح اجاره بها در اصفهان بالا رفت و از طرف دیگر مسئولین در وفاسد  
 با گرفتن حق انحصاری از مبلغ این اجاره بها های کلان از مالکان  
 پولهای هنگفتی به دست آوردند.

بعد ها با ساخته شدن آریا شهر هتل چندین طبقه کارآن کمی کارشناسان  
 از اصفهان بمنزل آریا شهر منتقل شدند هدف این بود که آنها را در منطقه  
 صنعتی سکونت دهند تا تماس با سایر کارکنان ایرانی نداشته باشند از  
 لحاظ ایاب و ذهاب آنها از زمان ابتدا بهاتمین سرویس مخصوصی از ایران آنها  
 جدا کردند علاوه بر کنترل هایی که در محل کار نسبت به تماس ایرانیها با  
 روسها بعمل میآید بعد از ساعات کار چنانچه افراد ایرانی نداشته در اصفهان  
 با آریا شهر آنها رفت و آمد میکردند چند روز بعد کتبا از طرف سازمان امنیت باز  
 خواست یا مورد اخطار قرار میگرفتند.

از جهت مسافرت روسها هیچگونه آزادی نداشتند و مسافرت آنها به شهرهای  
 اطراف شخصاً از بیرون روابط عمومی و از طریق سرویس دسته جمعی و گروهی  
 صورت میگرفت و از آنجا که بسیاری از آنها مخصوصاً در دوره ساختمان کارخانه  
 که تراکم کارهایی زیاد بود حتی روزهای جمعه و تعطیلات مهم کار میکردند،  
 خود به خود فرصت و امکان مسافرتهای دسته جمعی برای آنها کمتر وجود داشت.  
 محلت صد و بیست که در کنترل آزادی بیشتر آنها بر وجود آمد بود و محلت اینک

خانمهایشان که همه دارای تخصص بوده و در شوروی کار میکردند در ایران خانه نشین شده بودند، این نوع شرایط کار برای آنها در ایران خسته کننده و طاقت فرسا بود و اغلب بعد از خاتمه قراردادشان تمایلی به تمدید آن نداشتند. مدت قرارداد آنها نسبت به ارزش و نوع کار هر کس متفاوت بود و اغلب ۱ تا ۲ سال بود. این مدت برای عده ای از متخصصین فنی روزی در پایان قرارداد دوباره بعلمت احتیاج تمدید میشد.

میزان حقوق کارشناسان روسی

تنها ۶۰٪ از حقوقی که بین دولت ایران و دولت شوروی توافق شده بود که بکارشناسان پرداخت شود بخود آنها پرداخت میشد و ۴۰٪ بقیه را دولت شوروی باز خارجی در ریافت میداشت و باز آن میزان ۶۰٪ حقوقی که کارشناسان در شوروی دریافت میداشتند بحساب آنها در آنجا واریز میشدند. میزان دریافتی کونی آنها که بر مبنای ۶۰٪ حقوق اصلی آنهاست ماهی ۱۷۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان متغیر است، باین معنی که کمترین حقوق یعنی ۱۷۰۰ تومان با فردی پرداخت میشود که کارهای اداری و دفتری نظیر ماشین نویسی یا ترجمی دارند و حداکثر مبلغ فوق، بر مبنای آنها یعنی به سرکارشناسی یا مشاورین روسی تعلق میگرفت. معمولاً بین آنها حتی که کارشاهه و تخصص یکسانی داشتند حقوق یکسان پرداخت میشد (۱).

۱ - مقایسه میزان حقوق کارشناسان متخصص روسی با حقوقی که یک تکسین امریکائی، انگلیسی و یا آلمانی در هر موسسه دولتی یا خصوصی ایرانی میکنند که حداقل بین ۱۰ تا ۴۰ هزار تومان است نشان میدهد چگونه روابط استعمار گرانه و ظالمانه این دول با ایران است و همچنین شدت وابستگی سیاسی و اقتصادی نظام ایران را بدول استعماری مذکور نشان میدهد.

اوضاع مشترك كيه كارشناسان روسی كار كردن شد بهر اشخاص معلولت  
 نسبت به پیشرفت کار و حسن انجام کار است و در دوره ساختمان کارخانه  
 این خصوصیت بقدری بارز بود که تمام روزها در آفتاب و گرمای شدید تابستان  
 بیابان کارخانه در حالیکه عموماً باین گرماعادت نداشتند ، با جوشش و حرار  
 مانند يك کارگر ایرانی کار میکردند و بسیاری از روزهای جمعه و تعطیل را برای  
 پیش بردن کار تعطیل نمیکردند؛ انگیزه این کار کردن سخت برخلاف تصورده  
 ظیلی ، ترس از بازخواست مقامات بالاتر شان نبود بلکه چنین بر میآید که اصولاً  
 تحت نظام شوروی و تربیت و شرایط کار در آنجا سخته کار کردن بصورت چیزی  
 از وجود و سرشت آنها درآمده بود و آنها را کاملاً بیک ماشین خود کار برای تولید  
 تبدیل کرده بود بطوریکه بسیاری از آنها سخته کم کاری غالب کارگران و  
 تکسین های ایرانی را که بعلمت عدم ایمان برزیم خاکه ایران و شرایط  
 مطو از تبعیض و زدنی و فساد گردانندگان کارخانه تجلی کرده بودند نمیتوانستند  
 درک کنند و از این جهت از کارگران و تکسین های ایرانی ناراحت و دلخور  
 بودند . ناگفته نمانده که ظیلی از آنها سخت تاثیر محیط قرار گرفته و بعد از  
 مدتی ایرانیزه شده بودند و آنهایی که روز اول اهل چای نوشیدن و نشستن  
 داخل دفتر و اطاق سرد نبودند و تمام اوقات روزها در آفتاب داغ کار نمیکردند بعد  
 از مدتی کم کم از جای خوردن و استراحت بدشان نیامد . شاید هم همین  
 طرز رفتار بعد از درک محیط و شرایط بی ایمانی حاکم بر افراد بوجود میآید .  
 از نظر رفتار و برخورد اجتماعی ، کارشناسان روسی عموماً دارای خصلت تواضع و  
 صمیمیت نسبت بکيه ایرانیها از کارگره مهندس یا تکسین بودند ، مثلاً هر  
 کدام از آنها نام از کارشناس یا تکسین هنگامیکه با طای ، دفتر یا کارگاهی که

همه ای مشغول کار هستند و اردو می‌شوند بیلا استثناء و در هر صورت در هر حال  
 سلام نموده و بکلیه افراد از کارگرساده گرفته تا مهندس دست می‌دهند .  
 عموماً بکلیه تجربیات یا اطلاعات خود را در مسائل فنی بدون ریا و تکبر و غرور و در  
 اختیار مهندسان و تکمیلین های ایرانی می‌گذارند اگر در موارد نادر و ناگشت  
 شماری از عده معدودی از آنها اندک غرور یا تکبری مشاهده میشود در مقام  
 مقایسه با رفتار آقا مناشانه و تحقیر کننده یک کارشناس غربی امریکائی و انگلیسی  
 یا آلمانی . . . و اتمانان چیز و صرف نظر کردنی است و میتوان گفت در جریان کار  
 تا این میزان امری طبیعی است . بهمین دلیل در ظرف این چندین  
 سال تاکنون برخورد یکدوروشی بین ایرانیها و روسها بوجود نیامده است و در  
 مواردی هم که مسائل جزئی بوجود آمده ولو اینکه عملاً از ناحیه فرد ایرانی  
 ایجاد شده باز همیشه روسها در معرفت خواهی پیش قدم بوده اند . بطور  
 کلی عامل ولت برخورد های جزئی بیشتر در دوره ساختمان و آنهم به علت قصور  
 یا کم کاری مسئولین ایرانی قسمتها یا سایر افراد بوده است در آن دوره روسها  
 در مقابل عدم لیاقت یا ضعف مدیریت روسای قسمتها و تنبلی و کم کاری کارگرا  
 تکمیلین ها و مهندسان ایرانی شدیداً احساسیت داشته و ناراحت میشدند و  
 چون علت همیشه این مسائل را نمیتوانستند درک کنند و بیستیم خارج خود را  
 درک نمی‌انجام کار و بی‌توجهی بهره برداری از کارخانه در خطر میدیدند حرص می  
 خوردند و عصبانی میشدند و چون عملاً چاره کار را در مطلع ساختن مسئولین  
 بالاتر بود بعضی موارد مطلع ساختن رئیس کارخانه میدیدند این طرز رفتار که  
 خود یک نوع شکایت و خبرچینی یا با اصطلاح معروف چغلی افراد در مقابل روسای  
 بالاتر بود به علت ماهیت زشتی که از نظر ایرانیها داشت باعث ایجاد انزجار و  
 تنفر در میان کارکنان و همکاران ایرانی نسبت به عده ای از آنها میگردد . البته

هم اکنون در قسمتهای مختلفه بهره برداری بعلت آشنائی روسها به شرایط تبعیض واجحاف در باره تنکسین ها و کارگران کارخانه و نارضایتی عمومی آنها از این بابت کمتر مثل اوایل کار دوره های ساختمانی انتظار کارشدید از کارگران و تنکسین های ایرانی را دارند. ضمناً سهولت کار در دوره بهره برداری نسبت به دوره ساختمانی و شناخت متقابل طرفین از روحیات یکدیگر عامل دیگری بر تفاهم و صمیمیت کونی بین کارکنان ایرانی و کارشناسان روسی است.

### مسئولین و کادر فنی ایرانی

حدود مسئولیتها و اختیارات مسئولین ایرانی و کارشناسان روسی چه در دوره ساختمان کارخانه چه در دوره بهره برداری کارخانه بر این اساس مشخص و تفکیک شده است که مسئولین ایرانی در کلیه امور مالی و اداری استقلال و اختیارات تام داشته تا مسئولیت خود را نسبت بفرام کردن احتیاجات و نیازهای دوره ساختمانی ایفا نمایند و کارشناسان روسی هیچگونه دخالتی در امور اداری و مالی نداشته باشند. در باره امور فنی کارشناسان روسی در حکم مشاور فنی مسئول حسن اجرای کار و کیفیت فنی کار میباشند و مسئولین و مهندسین و تنکسین های ایرانی دارای مسئولیت اجرایی میباشند و موظف هستند توصیه های فنی کارشناسان روسی را در باره نحوه اجرای کار و انجام مشخصات فنی بپذیرند و اجرا کنند و شرایط استفاده صحیح و نگهداری از دستگاههای مختلفه را رعایت نمایند.

کلیه موارد فوق بر این اساس تنظیم شده است که روسها در اداره امور دارای قدرت زیادی نباشند و حدود اختیارات و میزان دخالت آنها بکمترین میزان تقلیل یابد. اما با توجه به بزرگی و تنازگی کار مسئولین و کادر فنی ایرانی

در صورتی میتوانستند از عهدہ این کار بزرگ و تازه برآیند و مانع اختیارات وسیع روسها شوند که از میان مدیران لایبی و مهندسین و تکنسین های مجرب و شایسته انتخاب میشدند. اما چون عامل اجرا و ساختمان کارخانه روسها فاسد و ضد ملی گزینی بود، ملاک لیاقت و شایستگی و تجربه جایگزین را بهیچان بی شخصیتی و سرسپردگی و خیانت داد و آنچه مورد نظر قرار نگرفت صلاحیت فنی و شایستگی مدیریت بود. افرادی که از همان ابتدا بعنوان مدیران طراز اول انتخاب شدند تنها صلاحیتشان علاوه بر آزمایشهای خیانتی که داده بودند و وابستگی به هزار قایل بود. طبیعی بود که سایر مدیران و کارمندان روس و روسوف دوم و سوم از میان افراد پارتی در استخدام میشدند از میان افرادی که سرنخهای کار از ادارات مرکزی و از اطافهای کلردار و تهمویه دار به عنوان دهن هرکن بدست داشتند. باین ترتیب کار و شروع مراحل اجرایی در معادن در وقتاده کویرهای بافق و کرمان از یک طرف و بیابان محل ساختمان کارخانه از طرف دیگر الزاماً احتیاج به مهندسین و تکنسینهایی بود که در گرمای تابستان و گردبادهای این مناطق همراه با گرد و خاک های کارهای خاکبرداری و خاک ریزی و ساختمانی قادر بر کار باشند و در مقابل کارشناسان روسی از سواد و شغور فنی لازم برخوردار باشند و چون چنین افرادی در میان طبقات وابسته و پارتی در اختیار نداشتند از رژیم ناچار شد تعدادی کادر فنی را صرف نظر از داشتن پارتی بر حسب لیاقت استخدام نماید. تا بوسیله آنها بتواند کارها را راحت طلبی های پارتی داران را جبران نماید. همین افراد ایرانی هم از کارگرو تکنسین و مهندس در ضمن کار تأیید و تحسین کارشناسان روسی و نسبت به پیش و صلاحیت و پشتکار خود برانگیختند. اما برعکس آنچه که

موجب تعویق و تاخیر کار و ناراحتی و نگرانی روسها بود و وجود مدیران و مسئولینی  
 بود که بخاطر داشتن پارتی و عدم تخصص فنی یا قدرت مدیریت لازم کارهای  
 حساس و بزرگی پانهاوا گزارش شده بود و در جریان کارحتی از درک کار و توصیه ها  
 فنی مشاورین روسی عاجز بودند. همین عامل سهم مهمی در طولانی شدن  
 دوره ساختمانی کارخانه داشت. بعد از اتمام دوره ساختمانی و ساختن  
 شدن کارخانه که گرد و خاک های ساختمانی و ساعات طولانی کار در کارگاهها  
 و دفاتر چوبی و موقت به پایان رسید و جاده ها اسفالت شد و ادارات و دفاتر  
 جدید با سیستم های تهیه مطبوع و بیلمان های راحت و دیگر اتیو آماده و  
 تزئین شد کلبه افرادی را که فاقد پارتی یا وابستگی بودند و در جریان کلر  
 ساختمانی، چندین سال خاک و خون دل خورده بودند در رستها و مقامات  
 دوره بهره برداری کارخانه ابد آبهایی گرفته نشدند و کلبه مقامات سرپرستی  
 میان نورچشمی هائی که از کشورهای امریکا و اروپا و اداره مرکزی نوب آهن در  
 تهران برای ریاست های مختلف بانتظار نشسته بودند تقسیم شد. عده  
 معدودی از خوش خیالهایی را که در دوره ساختمانی برای پیشبرد کارست  
 های درجه دوم و سوم پیدا کرده بودند و ساده اندیشانه بطمع اشغال  
 مقامهای دوره بهره برداری کارخانه شایسته کار میکردند و از کرده کارگران  
 مثل برده ها کار می کشیدند، بعلت نداشتن پشتوانه هزار فامیلی و وابستگی  
 و به پاداش خوش خدمتی و تعلق پرافوقها با بورسهای تحصیلی برای اروپا و  
 امریکا جهت حفظ ظاهر و فریب سایرین کارگذاشته شدند. سایر تکمیلین ها و  
 مهندسیان و درست های پائین و تحت ریاست همان نورچشمی ها و چاپلوسان  
 در کارهای بهره برداری جا دادند از نظر تعداد کار فنی اداری از همان ابتدا

در استخدام پرسنل دست بالا گرفته شد بطوریکه در اواخر دوره ساختمانی در واحد ساختمانی کارخانه وناحیه پیریکران ظاعرا نزدیک به بیست هزار نفر مشغول بکار بودند اما در واقع در موسم این افراد سیاهی لشکر و غیر فعال بود. در اواخر دوره ساختمانی و مقارن بهره برداری کارخانه در تمام واحدهای تابعه ذوب آهن آمار حقوق بگیران به ۳۰ هزار نفر رسید. در مورد استخدام افراد دانشگاه دیده مخصوصا مهندسین، بیش از کادریهای دیگر دست و دل بازی بخرج داده میشد. بطوریکه در تمام دوره ساختمان کارخانه وحتى تا با امروزه بیش از یکسال از بهره برداری کارخانه میگذرد همچنان با استخدام مهندسین ادامه میدهند و همیشه آگهی استخدامهای ذوب آهن زینت بخش روزنامه هاست.

عوامل زیر را میتوان انگیزه استخدام این تعداد عظیم پرسنل فنی و اداری خصوصا افراد دانشگاه دیده و مهندسین در شرکت ملی ذوب آهن دانست.

- ۱- اختصاص عده بودجه عمرانی برنامه چهارم (حاصل از تقوید نفت) برای ساختمان ذوب آهن بخاطر جنبه تبلیغاتی آن. باید یاد آوری کرد که اعتبارات استخدامی سایر وزارتخانه ها بنفع اعتبارات کلان استخدامی شرکت ملی ذوب آهن نیز محذود گردید.

- ۲ - کاهش در جذب حد اکثر فارغ التحصیلان دانشگاهی در کارخانه ذوب آهن و واحدهای تابعه بدنبال اجرای سیاست رشوه و حتی السکوت از طریق ایجاد کارکاذب و حقوقهای کلان به قسم دانشگاه دیده کشور.

- ۳ - نظر تاخیر آمیز روسها نسبت با استخدام کادر نیروی انسانی کافی و خصوصا استخدام مهندسین و کادرفنی دانشگاه دیده. این طرف فکر روسها از اینجهت



ناشی می‌شد که برای پرستیز و حیثیت خارجی خود در ایران و سایر کشورها  
 به سرعت ساختمان کارخانه و اتمام آن در اس وقت پیش بینی شده در بستگی  
 فوی العاده داشتند و تصور می‌کردند با افراد زیاد تر آنچه که مورد نظر آنهاست  
 عطا می‌شود غافل از اینکه آنچه در پیشرفت کار تاثیر قطعی دارد به بی‌توجهی  
 صحیح و کاردانی، ایمان و پاک و دلسوزی مسئولین و سرپرستان امور بود که  
 کار در نظر گرفته شده کمتر از آن بهره مند بود. برای تعداد زیادی از این  
 انبوه کار در پرسنل و بدون اینکه کار معینی در نظر گرفته شده باشد (چه  
 استخدام آنها بدون در نظر گرفتن نیاز شرکت صورت گرفته بود) - حقوقهای  
 کلانی در نظر گرفته شده بود. تازه با وجود آنکه اکثریت قریب باتفاق کارکنان  
 خصوصاً مهندسان و مسئولین و سرپرستان جزء در حالیکه در ساعات اداری و  
 رسمی کارچندان مثبتی انجام ندادند و در پایان ساعات اداری محل کار  
 را ترک می‌کردند ماهیانه علاوه بر ۳ ساعت اضافه کار ثابت و همگانی تا ۶۰  
 ساعت اضافه کار غیر ثابت پرداخت می‌شد. با در نظر گرفتن اینکه تعداد مهندسان  
 در حدود ۶۰۰ نفر و تعداد کل کارمندان در حدود ۲۰۰۰ نفر در نوسان بود تا  
 حدودی میتوان تصور نمود که چه هزینه کم‌شکلی بر کرده دهقانان، کارگران  
 و سایر قشرهای مردم محروم اجتماع مانع حاصل گردید. گویا اینکه در دوره بهره  
 برداری بعثت اتمام مرحله اول ساختمانی و قطع شدن اعتبار اضافه کار  
 کارگران و تکسین ها و عده زیادی از کارمندان حذف و یا محدود و کاهش یافت،  
 اما کارمندان مهندسان و مسئولین مورد توجه همچنان از این گونه اضافه  
 کاریهای با آورده برخوردارند. تازه آنچه که گفته شد در سطح کارمندان  
 معمولی بود در سطح بالاتر اداری بهمان نسبت که پست و مقام افراد بالاتر

میرود میزان مزایا و سو<sup>۱</sup> استفاده هانیز شدید افزایش مییابد بطوریکه برای مسئولین و سرپرستان کارگاهها پاداش ها و اضافه کارهای ماهانه شخصی و غیرطبی و عیدی های محرمانه سالانه و حق ماموریت های گوناگون وجود دارد .

علاوه بر موارد فوقی برای مسئولین و سرپرستان قسمتها که آهل سو<sup>۱</sup> استفاده و چاییدن هستند راهها و امکانات زیادی برای سو<sup>۱</sup> استفاده فراهم شده است که از آنجمله ماموریت های مکرر و طولانی در زیر پوشش و بهانه انجام کار و وظیفه اداری و دراصل برای رسیدگی و انجام امور شخصی یا تفریح بتهران و سایر شهرهای ایران و حتی این اواخر خارج از کشور میباشد بطور قاطع میتوان ادعا نمود که تمامی این ماموریتها ساختگی و با مدت آنها چندین برابر زمان انجام کار لازم است . برای نمونه مشاهده شده است که عده ای از روسا<sup>۱</sup> قسمتها بمنوان انجام ماموریت اداری، مرخصی و یا حتی ماه عمل رفته اند . یکی از روسای فنی که بشکار علاقه خیلی زیادی دارد تحت عنوان ماموریت اداری و با استفاده از ماشین و بنزین زوب آهن بکرات در نواحی مختلف خصوصاً به کوههای البرز بمنوان ماموریت به زیر آب شاهی و منطقه شاهرود بشکار میرود و بمبالغ هنگفتی نازتست بمنوان حق ماموریت دریافت میکند . (۱) در این اواخر عده ای تحت عناوین خرید یا مطالعه در اطراف خرید فلان دستگاه یا آشنائی به پیشترفت صنایع زوب آهن برای گردش و تفریح به کشورهای اروپائی یا امریکان و شوروی بصورت ماموریت رفته اند و دست آخر علاوه بر حقوق، بمبالغ هنگفتی هزینه سفر و فوق العاده ماموریت دریافت کرده اند .

آخرین و تازه ترین مورد سو<sup>۱</sup> استفاده با سیاست پاداش خوش خدمتی و دادن

پاره‌ی از صفحه قبل:

این شخص که دارای عنوان دکتر است مهندس گل انژی کارخانه  
رادار امیانت پس از مراجعت از خارج ابتدا در دانشگاه صنعتی استفه  
گردید و آنقدر پیوسته بود که بقاصله کوتاهی از کار تدریس بر کار ویست و رئیس  
کتابخانه دانشگاه مزبور تعیین گردید.

از هنگامیکه وی دانشگاه صنعتی راترک و در نوب آهن مشغول کار شده  
به خاطر کارهای خاتمانه و امنیتی اش در خدمت ساواک درآمده و بعلمت  
فعالتهای شدیدی که در جشن ۲۵۰۰ ساله از طرف نوب آهن  
و برای تزئین خیابانهای اصفهان و اقدامات منوط بایجاد تاسیسات  
برنامه نورپردای میدان دروازه شیراز عمل آورد از طرف ساواک بدریسا  
یک گت مفتخر گردید.

ساواکی بودن وی آنچنان آشکار شده که خودش برای بستن دهان  
دیگران و بعنوان حالت دفاعی باطرافیان خود گفته است " اینک برای  
من درآورده اند که من ساواکی هستم بخاطر اینستکه من بهائی هستم"  
باین ترتیب به تب رضایت داده تا بمرگ تن ندهد. این فرد در جریان  
کار با مهندسی و کارمندان خود ظاهر خیلی خوش برخورد و دوستانه ای بخود  
میگیرد اما با کارگران شدید اخشن و رفتارش توهین آمیز است و برای احراز مقام  
معاونت قتی بهره برداری کارخانه فعالیت زیادی میکند.

بورسهای تحصیلی به نورچشمی هاروسای جزو وگراست . این بورسها بعنوان دیدن دوره مدیریت یا کسب معلومات تخصصی با افراد برای رفتن بکشورهای اروپائی یا امریکاداره میشود . اخیرا به تعداد این بورسهاک با شرایط و مزایای پولی خیلی هنگفتی است، افزوده شده است، بطوریکه اینها مجموعه رشوه هائی است که کارگردانان امور برای جذب و رضای قشر تحصیل کرده و دانشگاهی اختصاص داده اند و از این طریق موفق شده اند تعدادی کادر دست پرورده، مطیع و وفادار خود بر طبق پرسنل پائین دست نظیر کارگران و تکسین ها بوجود آورند .

برای اینکه در اجرای این سیاست رشوه و تمهیز دست گردانندگان کارخانه بازتر باشد بعد از چندین سال که از تشکیل شرکت ملی نوب آهن میگردد از تدوین ضوابط و مقررات مصیبتی برای تعیین حقوق افراد طرفه رفته اند . ادامه این روش اختلاف طبقاتی را از نظر حقوق و مزایا و سایر امکانات بین کارگران و تکسین ها از یک طرف و مسئولین قسمت ها و کارگاهها و مهندسی و کارمندان عالی مرتبه اداری از طرف دیگر روز بروز شدید تر مینماید . برای نمونه در حالیکه کارگران را، لقمه از فنی و غیر فنی مرتبا به بهانه نداشتن کاریا بودجه گروه بیرون میکنند ، بحقوق روساء مهندسی و کارمندان فنی و اداری تحت عنوان طبقه بندی مشاغل و تعیین و ترمیم حقوق کارمندان بر اساس ضابطه جدید ، بمقدار زیادی میافزایند . علاوه بر تمهیزاتی که بین کارگران و کارمندان وجود دارد در بین کارمندان فنی و اداری که دارای شرا مشابه کار و مدرک تحصیلی هستند ، از نظر حقوقی و اضافه کاریا پاداشی و سایر مزایا نیز تفاوت هائی وجود دارد و ریشه این تمهیزات از وابستگی با اولیا

امور و نظرسرپرست در مورد شخصیت و رفتار کارمندان و کارگران زیر دست آب  
 میخورد. مثلا اگر فرد حاضر به احترام تملق آمیز و چاپلوسی سرپرست و  
 انجام کلیه خواسته های ناشروع او باشد در این صورت هم از نظر حقوقی و  
 فزایا هم از نظر شغل و مقام وضعیت و شرایط بهتری نسبت بسایر همکارانش  
 پیدا خواهد کرد، و مزایای جدید نظیر اضافه حقوق، اضافه کار، حق  
 مسکن، حق ماموریت، بورس تحصیلی، پاداش، وام، تشویقهای کمی  
 و امثال اینها شامل اینگونه افراد میشود. اینها هستند که استحقاق آن را  
 پیدا میکنند و در صدر لیست مربوطه قرار میگیرند. بهمین جهت روز بروز کار  
 قضی و اداری نوب آهن در کلیه واحدهای تابعه بعلت حاکمیت این  
 سیاست اداری از افراد با شخصیت و صدیق و صالح و باسواد تصفیه میشود  
 و کم سوادترین و سواد جوتنیر و رندترین افراد در سلسله مراتب اداری ترفیع  
 نمی یابند. و این همان چیزی است که گردانندگان و مقامات امنیتی نوب  
 آهن در جهت اجرای آن کوشش فراوان دارند. برای نمونه کلیه مسئولین  
 و کارکنان کارگاهها و قسمتهای مختلف بهره برداری کارخانه را از میان افرادی  
 که در دوره ساختن کارخانه امتحان خود را از هر جهت داده بودند  
 انتخاب نمودند و با اینکه مثلا کوشش دارند بجای مهندسين تحصیل کرده  
 ایرانی حتی الامکان از مهندسين و افرادی که از یکی از دانشگاههای اروپا  
 خصوصا امریکائی فارغ التحصیل شده اند و در آنجا از نظر سیاسی امتحان خود  
 را داده اند و یاد در درونج توده ملت کمتر تماس بوده اند برای تسدی و سر  
 پرستی کارگاهها و قسمتها استفاده نمایند. استفاده دیگر این کار اینست که  
 افراد مزبور چون غالباً تحت تاثیر فرهنگ و تکنیک کسری هستند که تحصیلات

خود را در آنجا بیابان رسانیده: «بناظر سیاسی و تکنیکی در مقابل تاثیر و نفوذ روسها خود بخود مقاوم و عایق هستند از آنجا که نسبت به تحصیل کرده های دانشگاههای آمریکائی در تمام دستگاها و موسسات دولتی و خصوصی و خصوصاً در نوب آهمن به علت وجود روسها تکیه و تمایل حقیقی تقدم زیادتری وجود دارد تا کون کوششهای زیادی برای دعوت و استخدام فارغ التحصیلان ایرانی مقیم آمریکا و اشتغال آنها در نوب آهمن بعمل آمده است و یکباره میتی از نوب آهمن برای استخدام آنها با آمریکا مسافرت نمود و با تعیین حقوقهای کلان و وعده و وعیدهای دیگری پرداخت مبلغ پنجاه هزار تومان به لحاظ هواپیمائی بودجه نوب آهمن عده ای از آنها را استخدام نمودند.

هم اکنون بورسهای تحصیلی که بمده ای از مسئولین قسماً داده میشود عمدتاً برای تحصیل مدیریت در آمریکا است. یکی از نمونه های بارز آمریکائی کردن مدیریت و مدیران سازمان اداری نوب آهمن وجود فردی بنام موسی نسل باچندین شغل و منصب علمی و غیر علمی است. این فرد که فارغ التحصیل آمریکا در رشته الکترونیک میباشد همان کسی است که کتاب انقلاب سفید را برای اولین بار با انگلیسی ترجمه نموده و در زمان دانشجویی سردستگسی عده ظلم دانشجویان جیره خوار سفارت و طرفدار رژیم را برای استقبال از مقامات ملکی در آمریکا و مبارزه علیه دانشجویان ملی و ضد رژیم بهمهده داشته است. مشاغل علمی این فرد عبارتند از رئیس شبکه مخابراتی نوب آهمن. مشاور و برعالم شرکت. نماینده پارلمانی نوب آهمن و مشاغل و وظایف غیر علمی او آمریکا نیزه کردن نوب آهمن بوسیله گماردن هندستان و ایران زمان دانشجویی اش در آمریکا و کلاً خدمت به نفع و اجرای سیاست

نقشه های آمریکادریکی از واحدهای بزرگ صنعتی کشور است . نمونه دیگر آمریکائیزه کردن ذوب آهن همانطوریکه در ابتدا اشاره شد وجود یک مهندس در بیگفارغ التحصیل آمریکادریست مقاومت فنی کارخانه میباشد و ایشان نیز به نوبه خود بکنیه دوستان تحصیل کرده آمریکائی خود مشاغل مهمی در داخل کارخانه واگذار نموده است .

بعلت وجود همین فساد اداری ، محیط پراز تبعیض و فقدان مدیریت صحیح در امور کارخانه است که بسیاری از مهندسين و کارمندان اداری بانجرسه و ورزیده که زمینه مساعدی برای کار و کوشش خود نمی بینند و قادر بر مشاهده و تحمل این نابسامانیها در کارخانه نیستند بعد از مدتی کار علی رغم حقوق و مزایای نسبتا بالایی ذوب آهن ، اینجار اترک مینمایند . به همین دلیل از یک در مرتبا مهندسين تازه استخدام وارد میکنند و از در دیگر مرتبا مهندسين ، استعفا داده و خارج میشوند . این موضوع نه تنها برای مهندسين بلکه برای سایر کارکنان های فنی و متخصص نظیر تکنسین ها ، کارگران و استادکاران فنی و ورزیده نیز صادق است . چه این دسته از کارکنان ذوب آهن برخلاف مهندسين و کارمندان عالیرتبه اداری از لحاظ حقوق و مزایا مورد ظلم و اجحاف نیز قرار دارند و از آنجا که به پشتوانه تخصص فنی دارای شخصیت و عزت نفس بیشتری میباشد بسیاری از آنها بعد از مدت کوتاهی بواسطه تبعیضات و رفتار ظالمانه مسئولین بیسواد و بی شخصیت استعفا میدهند . همین امر موجب شده است که کار فنی کونی ذوب آهن چه در قسمت ساختمانی و چه در قسمت بهره برداری کارخانه علی رغم پیچیدگی و اهمیت کار از داشتن یک کارکنان متخصص و ورزیده محروم باشد .

با وجود آنکه طبق قرارداد تاسیس کارخانه با شورویها مشاجره از هزار نفر مهندس و تکسین جوان برای طی دوره های تخصصی ششماهه و یکساله بکشور شوروی و هندوستان اعزام شده اند اما اکنون اکثر این افراد شخص به ملت فساد اداری و هر دمیبیلی اوضاع بعد از پایان تعهد دو ساله یا پشماله خود از ذوب آهن استفاداده اند. شدت این ناراضیاتی هابعدی است که حتی عده ای قبل از پایان دوره تعهد خود بواسطه گوناگون از ادامه آن خودداری نموده و از ذوب آهن بیرون رفته اند.

شدت استعفای کادر تخصصی مشاورین و مهندسان روسی از مسئولین ایرانی نگران و ناراحت نموده است و بارها مشاورین روسی به مسئولین ایرانی گوشزد و اخطار کرده اند که اگر این موضوع همچنان ادامه یابد و چاره اساسی برای آن پیدا نشود هیچوقت کارخانه دارای یک کادر تخصصی اداره کننده ایرانی نخواهد شد و این موجب میشود که شما همچنان بوجود ما برای اداره کارخانه نیاز داشته باشید. لذا به نفع خود شماست که برای این مسئله چاره ای بیابید. اخطار روسها از این جهت است که هم اکنون در قضایای بهره برداری کبک کارگاهها و دستگاهها بوسیله روسها تحت سرپرستی فنی مستقیم آنها اداره میشود و با کم و راهنمائی آنها بکارگران و تکسین های ایرانی عملاً کارها میچرخد و روسای کارگاهها که عده زیادی از آنها صرفاً از روی وابستگیها مختلف به رژیم با اطاعت مطلق و چاپلوسی از روسای بالاتر تعیین شده اند و هیچگونه اطلاع و تجربه و تخصص در کار خود ندارند در حکم آدمکهای هسته که بفرمان مدیران ناصالح کارخانه برای امور اداری و کنترل زیردستان و زیرکوشی بکارگران و تکسین ها بهره کسی از آنها ب حرکت در میآیند.



باید یادآوری کرد که از آن تعداد اندکی از مهندسين و تكتسين هائي كه در شوروي ياهندوستان دوره ديده و در زوب آهن باقي مانده اند هيچكدام در رشته اي كه تخصص ديده اند كار نميكنند. مثلا كمپكه در قسمت كوره بلند دوره ديده ممكن است در كارخانه نورد كار كند و كمپكه در رشته فولادسازي دوره ديده در كارخانه كك سازي - شكفت انگيز تر اينكه عده اي از اين تخصص ديده ها اصلاً بكارهاي فني گماشته نشده اند و طبعاً تمايل شخصي شان آنها را بكارهاي اداري گمارده اند. براي طي دوره هاي تخصصي ۶ ماهه يا يكساله براي هر نفر بطور تقريب هزينه متجاوز از ۱۰۰ هزار تومان از طرف زوب آهن ، در واقع از جيب مردم فقير و محروم ما برداشت ميشود يك حساب مختصر نشان ميدهد كه علاوه بر وقت و انرژی اين جوانان پراميد چه مبلغ هنگفتي بعلت فساد و جهالت اوليا، امرد و عوامل شيات حاكاه استحصاري به ندرسي رود .

### وضعیت تکسین هاود بیلمه های فنی در نوب آهن

اسولا عنوان تکسین به گنیه کسانی. اطلاق مینود که علاوه بر سواد مدرک علمی در حدود دیلم دارای معلومات و تخصص فنی یا تکنیکی هستند تکسین کسی است که با طرز کار دستگاههای پیچیده فنی آشنائی پیدا نموده عمل مستقیماً آنها را بکار انداخته و کار آنها را کنترل و در صورت لزوم تعمیر مینماید و در بسیاری موارد کار کارگران فنی را در گروههای کوچک مستقیماً نظارت و هدایت مینماید.

بنابراین در یک کارخانه ای نظیر نوب آهن که دارای تکنولوژی پیچیده و پیشرفته ای است کار تکسین و دیلمه های فنی نقش بسیار مهمی ایفا مینماید. اما از آنجا که در بدو تاسیس کارخانه، کسور مافادیک چنین کار در مشخص در صنایع نوب آهن و فولاد سازی بود لذا در طرح ساختمان کارخانه نوب آهن تاسیس یک آموزشگاه فنی حرفه ای در اصفهان و یک آموزشگاه متالورژی در کار کارخانه پیش بینی گردید. وظیفه آموزشگاه فنی و حرفه ای نوب آهن در اصفهان تربیت تکسین و کارگرفنی برای دوره ساختمانی کارخانه بود و وظیفه آموزشگاه متالورژی تربیت تکسین و کارگر متخصص برای دوره بهره برداری و اداره امور فنی کارگاه های مختلف کارخانه گنیه و سائل و تجهیزات فنی این آموزشگاهها که بر اساس آخرین روشهای تعلیم و تربیت فنی در شوروی پیش بینی و انتخاب شده است طبق قرارداد از طرف دولت شوروی تامین و تحویل گردید همچنین از نظر روس آموزش فنی کار در ایران و استازان روسی عملاً شرکت و نظارت داشته و با تفاق عده ای

از مهندسين ايران، كارگاههاي فني و كلاسهاي درس را اداره و در آموزش افراد شركت دارند. انتخاب كارآموزان اين آموزشگاهها بر اساس كشور و از ميان ديپلمه هاي رياضي و طبيعي بعمل ميآيد و طي اين كشورها كه دانشهزارنفر شركت كنده داشته تعدادي از افراد پارتی دار و يابسته، بناحق همراه افراد شايسته مستعدنيز انتخاب ميشوند. اين گروه كاملا در ضمن كار بعلت كودنهني و بي شخصيتي قابل تميز و تشخيص هستند.

### آموزشگاه فني اصفهان

دوره هاي آموزش در آموزشگاه فني اصفهان يكساله يادوساله است با پايان دوره ساختماني و انتال آموزشگاه متالورژي از تهران بمحل كارخانه نوب آهن، آموزشگاه اصفهان از طرف نوب آهن با كميه وسائل و تجهيزات بصندوق كارآموزي وابسته بسازمان تعليمات فني و حرفه اي وزارت آموزش و پرورش واگذار گرديد. اكون به بررسي نتايج و بيلاي كارآموزشگاه فني اصفهان كه تحت رياست عاليه و مستقيم معاون اداري كارخانه نوب آهن در ظرفي اين مدت اداره ميشده است ميپردازيم. اين آموزشگاه ظرف چهارسال كار خود جمعا ۷۰۰ نفر ديپلمه رياضي و طبيعي رابسا طي دوره هاي يكساله يادوساله تربيت نموده و بازا<sup>۱</sup> اين كار مبلغ ۷۰ ميليون تومان بعنوان بودجه مجموعا براي مدت چهارسال صرف نموده است. يعني اين دوره آموزش فني براي هزينه ۱۰۰ هزار تومان تمام شده است. با مقايسه اين رقم با بودجه دانشكده هاي مهندسي و محاسبه كل هزينه تربيت يك مهندس در ظرف چهارسال ميتوان دریافت كه هزينه

تربیت یکساله یاد رساله يك ديبلمه درآموزشگاه نوب آهن از عزیزنه  
 تربیت چهارساله يك مهندس بهراتب زياد تر بوده و تقریباً اندازه مخارج  
 تربیت يك پزشك درطول هفت سال است. این نشان میدهد که در زمینه  
 وزارت گریه های اداره کنندگان دستگاه نوب آهن گوی سبقت را از  
 دیگر دستگاه های رژیم ربوده اند. بنابراین نوشته روزنامه اطلاعات مورخ ۱۶  
 دیماه ۵۲ بنقل از اظهارات یکی از نمایندگان مجلس در مورد بزبان  
 موسسات دولتی، زبان شرکت طی نوب آهن برای آموزش تنها در سال  
 ۵۱ مبلغ ۳۷۰۰۰۰۰۰ تومان بوده است.

تازه بعد از آنکه این افراد از آموزشگاه فارغ التحصیل و جهت کار وارد نوب  
 آهن میشوند مشکلاتشان آغاز میگردد که اهم این مشکلات زیلا و مختصر  
 بیان میشود:

۱ - عدم احتیاج قسمتهای تکسین هنگامیکه يك گروه از فارغ التحصیلان  
 آموزشگاه برای شروع کار در نوب آهن اعزام میشوند مثل توپ فوتیال بهمن  
 قسمتهای پاس داده میشوند و بعلت نبودن محل کار و زیادى و بیگاری تکسین  
 های دوره های قبل، سرپرستان قسمتها از پذیرفتن آنها امتناع مینمایند  
 علت این امر از اینجاست میشود که به موازات کار آموزشگاه در مورد انتخاب  
 و تربیت تکسین، اولیاء فاسد کارگزینی تعداد زیادى دیپلم طبیعى، ریاضی  
 یاد بیلم حرفه ای و حتی غیر دیپلم را با گرفتن حق حساب بابتوصیه بهستگان  
 و دارو دسته شیانی و سایر ارکان اداری و رجال نوب آهن و غیر نوب آهن  
 در طی دوره ساختمانی، استخدام نموده اند و حال آنکه هدف از  
 تاسیس آموزشگاه در طرح روسها این بود که کار تکسین و متخصص نوب آهن

از طریق آموزشگاههای فنی نوب آهن با از طریق کارآموزی در شوری و هندوستان تامین گردد.

۲ - تضاد و عدم هماهنگی های آموزشگاه با واقعیت محیط کار در نوب آهن

---

در طول دوران آموزش از طرف اولیا، امور آموزشگاه بکارآموزان چنین تفهیم یا وعده داده میشود که آنها پس از پایان دوره آموزش تکسین خواهند شد و با این سمت در کارخانه کار خواهند کرد و حال آنکه در بدو ورود بکارخانه با آنها گفته میشود شما کارکنانی هستید و باید مثل یک کارگر تعمیرکاری رفتار کنید با دستگاهها کار کنید این برخورد که خارج از انتظاراتی بود که در طی دوران آموزش بوسیله اولیا، امور در آنها ایجاد شده بود، مشخصیت و فرور آنها را از همان آغاز شروع بکار سرکوب میکرد و در آنها ایجاد ناراضی مینمود.

۳ - گماشتن تکسین های بکارهای غیر تخصصی

---

دستگاه بوهرکراتیک فاسد به علت بدخالیهای افراد با نفوذ قادر نبود هماهنگی احتیاجات و در فنی کارخانه را با آموزش فنی حفظ نماید. لذا آموزشگاهها با توجه به برنامه روسپاتریت متخصصین میرد اختند و دستگاه بوهرکراتیک فاسد بدون توجه به صلاحیت فنی افراد، گمانیرا که میباید بکار خاصی بکار استفاده میگردد. در نتیجه چنین سیستمی در بسیاری از موارد ایستهای تخصصی افراد تعلیمات دیده بوسیله کسانی که در آن زمینه تخصصی نداشته اند قبلا اشغال شده بود. کارخانه، بناچار افراد تخصصی دیده را بقمسطها و نثار کاههایی تحمیل میکرد که به تخصص آنها نیازی نبود و فرستایید در کار جدید، مجددا در عمل بیادگیری میرد اخت.

اکنون بسادگی میتوان متخصصینی را که مثلا دوره های ماشین افزار دیده اند در کار دیگری مثلا قسمت مواد نسوز و آجرچینی کوره هایدرواکسانیرا که در قسمتهای رانندگی و تعمیر ماشینهای راه سازی تخصص دیده اند در کار کوره بلند یانپروگاه بوی جستجو کردن مشاهده این وضع عملا نشان میدهد که بودجه ۷۰ میلیونی آموزشگاه و مرکز آموزان در دوران آموزش که از آن بهیچ وجه در عمل استفاده نمیشود بیهوده تلف میشود. از این بدتر اینکه بسیاری از افراد دوره دیده آموزشگاه برخلاف تعالیاتشان بکارهای اداری و غیر فنی نظیر، حسابداری، امور پرسنلی، انبارداری و کارهای دفتری گماشته میشوند. همزمان با آن کسان دیگری که در این کارها مشغول بوده اند با توسل به پارتی بازی و توصیه مسئولین امور کارشان را برای اشغال کارهای فنی و تخصصی ترک میکنند. در شرایط پیچیده و قارانس میش چنین سیستمی است که استعدادها گمته میشوند و انرژی و امید جوانان تحصیل کرده به یاس و رکود تبدیل میگردد. بودجه های کلان تلف میشود و احتیاج به مهندسين و تکنسین های روسی برای اداره کارخانه همچنان باقی میماند.

این تکنسین ها بعلت آنچه بر آنها گذشته از فساد و تبعیضات حاکم در ذوب آهن بخوبی آگاه و شدت ناراضی هستند و ناراضی و خشم خود را در مواقع مقتضی بصورتهای مختلف نشان میدهند علاوه بر تبعیضاتی که نسبت باین گروه اعمار شده، از نظر میزان حقوق و مزایای مالی نیز مورد اجحاف قرار گرفته اند. بهمین علت دسته جمعی و یک پارچه در مورد شرایط غیر عادلانه کارمیزان حقوق خود اعتراض کرده اند. اما هیچگاه وعده و وعیدهای

رئیس آموزشگاه و معاون اداری ذوب آهن نتوانسته است در مقابل خواسته های منطق و عادلانه آنها قانع کننده باشد. حتی یکبار وقتی که در جواب به خواستهای آنها معاون اداری آنها را تهدید کرد در پاسخ دست جمعی هتک کردند. همین هو کشیدن باعث شد که به شدت غضب و کینه توی اولیا کارخانه نسبت به فارغ التحصیلان آموزشگاه بطور اخص و کادر تکمیل ذوب آهن بطور اعم افزوده گردد. حقوق آنها با استثناء عده اندکی که دارای وابستگی هستند پس از چندین سال کادر ذوب آهن هنوز همان میزان حقوقی است که شروع به کار کرده اند. ترمیمهای ناچیز حقوقی تاکنون شامل عده قطیعی از آنها نبوده است انتخاب آنها برای ترمیم حقوق با روسای کارگاهها و کمپلکس هاست. از اینرو بیشتر افرادی برای ترمیم حقوق توصیه میشوند که در کادر ذوب آهن یا خارج از آن دارای آشنایان یا وابستگی بوده و یا اینکه توانسته باشند در ظرف این مدت رضایت روسای خود را که اغلب بنظر احترام بیش از کارورز محنت و تخصص توجه دارند فراهم سازند. وجود این شرایط موجب شده که بسیاری از تکمیل ها که برای کارورز محنت، اثرونهیجه ای نمی بینند و از طرفی در مقابل ه سال تبعید خدمت در ذوب آهن راه گزینی ندارند راه حل کم کاری و از زیر کار بردن را پیش گیرند.

## کارگران ذوب آهن

اولین قشر کارگری که با استخدام ذوب آهن درآمد کارگران خرده زمین دارانی بودند که زمینها و مزارع برنج کاری آنها در کارزاینده رود و در مجاورت کارخانه از طرف ذوب آهن تصرف گردید. این زمینها از نظر آبیاری و دسترسی بآب رودخانه و بارده محصول زمینهای بسیار مرغوب بودند و اهالی دهات مجاور باکست بروی آنها اموال میگردند. سرانجام بوسیله بلندوزر ماشینهای حفاری ذوب آهن برای تامین شن و ماسه کارخانه زیرور شدند و در جواب اعتراض زنانه وزارت اهالی تنها مالی در حدود دو هزار تومان که مبلغ ناچیزی از قیمت زمین بود، به پرخانواده خرده مالک پرداخت شد. متساقبا برای خاموش کردن و خواباندن اعتراضات این خرده مالکین جزه آنها را بعنوان کارگزار ساخته ساختمانی بطور روزمره روزی ۶ تومان استخدام کردند. (گفته میشود که در ابتدا هر کارگر را با ۱۱ لاشتر، روزی ۶ تومان میدادند اما بعد از مدتی بدون الاغ بهر کارگر این مبلغ را میبرد اختند) عرضه نیروی کارگری، بعلت بیکاری کارگران کشاورزی دهات گنجانان که شامل ۳۵۰ پارچه آبدی در مسیر رودخانه زاینده رود و نزدیک محل ساختمان کارخانه بود، در مراکز اولیه ساختمان کارخانه تا مدتها پیش از احتیاجات شرکت بود. باین دلیل میزان دستمزدها تنها در همان سطح روزی ۶ تومان ثابت ماند. این کارگران که از دهات مجاور برای کار جمع آورده بودند هر روز با قچه ای از نان خالی و پایای پیاده یا باد و چرخه در هوای گرم تابستان و سرمای زمستان فواصل مختلفی را تا چندین کیلومتر با عجله بسوی کارخانه طی میکردند. چه اگر



در تراز موقع سرکار میر رسیدند ، کارت حضور آنها در آن روز باطل و برایشان غیبت  
 محسوب میشد . با بالا رفتن میزان احتیاج به نیروی انسانی تصمیم  
 گرفته شد که تعداد زیادی کارگرساده از سایر نقاط ایران استخدام نمایند .  
 این تصمیم بیشتر خاطر جنبه تبلیغاتی مسئله و نیز سرگرم کردن و کار دادن  
 به انسانهای فقیر و بدبختی بود که خشم آنها بیشتر بر علیه رژیم پرافروخته  
 شده بود . باین جهت تعداد زیادی از بلوچها و خرم آبادیها را از  
 شهرهای زاهدان و خرم آباد مستمزد روزی ۸۰ ریال استخدام و  
 دسته جمعی بمحل کارخانه گنج دادند . این هاراد در خوابگاههای یک  
 بسک ساختمانهای اردوی کاراسیران جنگی ، در نزدیکی کارخانه و  
 در جوار یادگان نظامی که برای حفاظت نوب آهن تاسیس کرده اند ،  
 مسکن دادند . تعداد این کارگران مهاجر از سه هزار نفر تجاوز میکرد و اغلب  
 روزانه یک وعده غذای رایگان بآنها داده میشود و در هفته یکبار از حمام  
 مجانی که در محل ساخته شده بود استفاده میکردند . این کارگران  
 مهاجر ، خصوصاً بلوچها از شدت فقر غذایی اسکلت های متحرکی بودند  
 که توان کار در آنها باقی نمانده بود و این موضوع هنگامیکه بیل میزدند یا  
 بادستهای برهنه تیر آهن حمل میکردند کاملاً مشهود بود و عملاً برایشان  
 فاجعه ببار میآورد . چندین بار تیر آهن یا قطعه آهن بواسطه این ناتوانی  
 ویی از دست آنها رها شد و یا بدست آنها را شکست بهمین جهت  
 مسئولینی که وجدانی آگاه و با احساس داشتند برخلاف عده معدودی که  
 تصور میکردند باز ۸ تومان باید شیره جان این کارگران آواره را کشید  
 از دادن کار سخت و شدید بآنها خودداری میکردند . یک عمر بیکاری ویی غذا

در منطقه ای که هیچ نوع کار تولیدی کشاورزی و غیر کشاورزی وجود ندارد نیرو  
و آگاهی و مهارت ساده ترین کارگران آنها از بین برده بود.

کارگران بلوچ خصلت های اجتماعی جالبی داشتند: اولاً همیشه بصورت  
دسته جمعی و گروهی بودند: افراد آنها در هر کارگاه یا قسمتی، همیشه  
با هم بودند. خواسته هایشان بوسیله یک نماینده که از طرف همگی  
صحبت میکرد برای مسئولین مافوق مطرح میشد در حالیکه بقیه پشت  
سرنماینده بطور دسته جمعی مایستادند. ثانیاً افرادی خشن و استوار  
بودند و اگر احساس میکردند که موضوعی غیر عادلانه و اجحافی در بین است  
زیر بار نمی رفتند. وقتی که تعداد کارگران بلوچ در نوب آهن زیاد بود،  
چندین بار جلوی ( مهندسین ) شیمایی رئیس کارخانه را بمقد کتک زدن  
گرفتند زیرا او خواسته ها و مشکلات آنها توجه نکرده و به نمایندگانشان وقت  
ملاقات نداده بود. ثالثاً به عقاید مذهبی شان تمصب داشته و سخت  
پایبند بودند. بطوریکه یکبار یکی از کارگران خرم آبادی را که به عرضش  
و ناسزاداده بود، چند نفر از بلوچها شبانه سرش را بریده بودند. گاه گاهی  
بعلمت تمصب، جهالت مذهبی یا شوشی و تفریح های بی جای کارگران  
غیر بلوچ با آنها بخصوص توهین به عقاید و عروقی و برخورد های ناخوش  
آیندی اتفاق می افتاد. علاوه بر عقاید مذهبی نسبت به سنتها و آداب و  
رسوم خود سخت پایبند بودند در عین عقب افتادگی اقتصادی و فرهنگی بسیار  
مودب و آگاهی اجتماعی آنها نسبتاً بالا بود. هنگامیکه بواسطه دیربرد اخته  
شدن حقوقها و دستمزدها سخت بی پول میشدند بناچار از مسئولین مستقیم  
قرض میگرفتند و تمامی آنها پس از دریافت چند روز از دستمزدها شان اول قرض خود

وامیرداختند. در رفتار و کردارشان انعکاسی از صداقت و پاک و شعور کارگری  
توده تحت شتم نمایان بود. در حالیکه چهره سوخته و هیجک استخوانی  
آنها نشانی از استثمار و انسانیت در برداشت، بدون شک آگاهی و  
صداقتی که در دل داشتند اگر شد میبایست نیروی عظیم برای مبارزه با  
وزیم میگفت.

مهرجان کارگران مهاجر لاج و خرم آبادی علی‌رغم بیگاری درد یار خود  
اغلب بعد از مدت کوتاهی کار کردن در نوب آهن استعفا میدادند بطوری  
که تنها کار در نسبتاً ثابت کارگران ساده نوب آهن همان کارگران کشاورز  
دهات اطراف بودند که آنها هم در هنگام تابستان و برداشت محصول  
بخاطر تامین گندم سالانه خانواده خود را در ترک میکردند و یا نیز دوباره  
برای کار مراجعه میکردند.

کارگران ضی نوب آهن نظیر تراشکار، جوشکار، مونتاژکار اسکلت فلزی و  
تجهیزات قالب بند و آرماتور بند در ابتدای کار از نیروی کارگری اصفهان و  
دهات اطراف کارخانه تامین گردید. بسیاری از کارگران کارگاهها و  
کارخانه های خصوصی برای نجات از استثمار شدید توسط کارفرما و صاحبان  
کارگاههای خصوصی و یا امید یافتن کار دائم و ثباتی در نوب آهن و تامین  
آینده و دفعه نداشتن از بیگاری که همچون خوره ای مداوم روح هر  
کارگر ایرانی را میخورد برای استخدام به نوب آهن هجوم آوردند. کثرت  
تقاضای کار از طرف کارگران وسیله سبب استفاده ای برای اولیا امور گردید  
تا وسیله دلالت خود در اصفهان افراد را از طریق رشوه و حق حساب استخدام  
نمایند و علاوه بر این مزد کار و نیروی انسانی را با بالاترین نرخ پایین آوردند.

لذا کارگران فنی که در اواش کار استخدام شدند دارای پائین ترین سطح دستمزدها گردیدند اما برای یک کارگر فنی که در کارخانه نساجی شهنواز اصفهان در آن موقع روزانه ۶ تومان میگرفت دستمزد یازده تومان یعنی حداقل دستمزد کارگر فنی در نوب آهن ، برایش کلی گشایش بود .

باین خاطر به وسیله ای برای استخدام شدن متوسل میشدند . البته عده ای کارگر روزیده که در مغازه ها و کارگاهها خصوصی خیابان شاهپور اصفهان از دستمزدها کمتر بود برخوردار بودند با اینکه دستمزدی که نوب آهن برای آنها تعیین کرده بود به مراتب کمتر بود اما باید کار دائم و ثابت دولتی و وامی های ساده لوحانه که بیکروزی برایشان خانه خواهند ساخت و حتی بچه هایشان را بعد ها در نوب آهن استخدام خواهند کرد کار دولتی نوب آهن را بر کار خصوصی ترجیح داده بودند . البته خود این طرز تفکر ناشی از حداقل آگاهی یک کارگر در مورد مزایا و امتیازات اقتصاد دولتی در یک جامعه سوسیالیستی است .

بعد ها و خیلی زود بسیاری از این کارگران فنی ما عر متوجه شدند که کلی آباد دهی نیست و شنیدن صدای دهل نوب آهن تنها از در و درخوش است . آنها دریافتند که درون کارخانه پرازداد ، تبعیض ، تحقیر و عذر سبیلی است و لذا چه آنهاییکه از شهرهای دیگر آمده بودند و ما عانه مقادیر سرکاری اجاره مسکن می برداختند و چه آنهایی که در اصفهان و در کارخانه و خانواده خود بودند فرار را بر قرار ترجیح دادند .

یکی دیگر از منابع نیروی کارگری نوب آهن ، همانطوریکه قبلا اشاره شد ، کارگران فنی دهات اطراف نوب آهن مخصوصا دهات چهارمحال

مختاری است. این کارگران که اغلب از سابقین در تلاش معاش و  
 بهای زندگی و خطرات کوتاهن بکویت رفته بودند در ضمن کار در کارهای  
 ساختمانی و صنایع نفتی به برکت استعداد های سرشار خود در کارهای  
 مصلحتی نظیر جوشکاری و لوله کشی و مونتاژ کاری ساختمانهای نفتی  
 کاتب بکدی نظیره تخصص پیدا کرده بودند. چون بعد از مراجعت به  
 ایران به کار و امکان مسافرت مجدد بکویت برایشان در بکرمیل گذشته  
 آسان نبود به اشروع کار ساختمان زوب آهن برای استخدام شدن  
 در آن هجوم آوردند. و حلت نزدیکی زوب آهن به دهات آنها و بهنگام  
 کشیدن طولانی با عرق و دستمزدی حاضر بکار شدند. جالب توجه  
 اینکه تنها بویکی از دهات بنام هفتده جان متجاوز از ده جوشکار ماهر  
 ساکن بود. طرز کار و مهارت این قبیل کارگران نفتی که سواد خواندن و  
 نوشتن هم نداشتند در ضمن اجرای اموزشی و قدرت یادگیری آنها در  
 کارهای جدید موجب اعجاب رئیسین تکنسین ها و مهندسان روسی شده  
 بود بطوریکه بتأیید و اقرار آنها از نظر کیفیت انجام کار سرعت کار و طرز کار کارگران  
 ایرانی باستانند ارد ها و معیارهای نفتی روسها نزدیک و در بعضی موارد در  
 نصب دستگاهها و اجرای بعضی از کارهای نفتی و کوره های بالانتری  
 بدست میآوردند.

علاوه بر گروههای کارگری فوق چون از نظر تخصص نفتی و آشنائی و سابقه  
 کار با ماشین آلات سنگین و ابزارهای دقیق و ساختمان و نصب تاسیسات  
 شیمیائی و بهداشتی و بسیاری امورد دیگر احتیاج به کارگران متخصص  
 بیشتری بود و بسیاری از این قبیل کارگران در مناطق نفتی و صنعتی خوزستان

در انتظار کار با بنگارهای کم درآمد مشغول بودند (۱) لذا نصف فشار روسها  
 برای تامین پرسنل و نیروی کار، تخصص شرکت تصمیم گرفت در مناطق  
 نفت خیز استفاده کارگرفتنی بپردازد. این کارگران که با هزاران وعده و  
 وعید فریب و گاهی بارشوه در محل استخدام میشدند با تن و سهیلی که از  
 طرف نوب آهن گزیده میشد بکارخانه اعزام میشدند. عده زیادی پس  
 واسطه خلب وعده ها و هر دو میلی اوضاع در طرف همان چند روز اول در  
 میرفتند و آنهایی را هم که بنحوی راضی میکردند یا خودشان میماندند  
 آگاه ترین قشر کارگری نوب آهن را تشکیل میدادند که به علت حضور  
 در یک سیاسی که نسبت با استثمار سرمایه داری و استثمار بیگانه در نظارت  
 منابع ثروت نفتی کشور خود داشتند همیشه مشاغل اعتراضات و اعتصابات  
 کارگری در قسمتهای مختلف نوب آهن بودند.

۴- وجود قشر کارگرفتنی بیکار در جنوب ایران خصوصاً در مناطق نفت خیز و  
 طت است : ۱- اخراج تعداد زیادی از کارگران نفتی شامل در شرکت  
 های عامل نفت از طریق باز خرید آنها (سالی دو ماه حقوقی) ۲- وجود  
 شرکتهای مقاطعه کاری سرمایه داران خارجی و داخلی. باین معنی  
 که این قبیل شرکتهای پیمانکاری برای اجرای یک پروژه نفتی بانظامی  
 برای مدت کوتاهی مثلا یکسال کارگران لازم را استخدام و در پایان پروژه  
 آنها را اخراج میکنند و باین ترتیب گروه کثیری کارگرفتنی بیکار در انتظار پروژه  
 بعدی در بازار کار راه میروند. این هم یکی از ظالمانه ترین مظاهر سیستم  
 استثمار و سرمایه داری نظام حاکم است که بررسی اثرات ظالمانه و  
 ضد انسانی آن بر زندگی اقتصادی و اجتماعی خصوصاً خانوادگی محتا  
 بررسی جداگانه است و از همه فاجعه آمیز تر اینستکه نیروی کار کارگرفتنی  
 بازار کار بصورت یک کالای تابع عرضه تقاضا مورد معامله قرار میدهد. این بازار کار  
 زمانی کارگرفتنی سنگسار و از خانوادها آواره میسازد و زمانی (بقیه در صفحه بعد)

بعد از پایان مرحله ساختمانی کارگرانی را که از جهات مختلف مخصوصاً از جنبه اطاعت ازمانوی وی سروردا بودن آزمایش و تصفیه شده بودند برای قسمتهای بهره برداری جدا نمودند. در این میان طبعاً کارهای واحتروی خطرناکتر کارکنان و آنگاه گردید که از آشنائی پیاپرتی در داخل یا خارج کارخانه برخوردار بودند و از آنجا که بعد از اتمام کارهای ساختمانی مرحله اول، بعلمت بی پولی رژیم و اشکالات سیاسی با روسها، مرحله دوم که شامل توسعه ظرفیت کارخانه بود، مرحله اجراء نریمانده شد. بدینجه گروه گروه کارگران شانظر را اخراج نمودند، و حال آنکه اگر توسعه کارخانه ادامه مییافت هم از بیداری کارگران جلوگیری میشد و عم از آشنائی و تجربه ای که با ساختمان ذوب آهن و طرز کار با ماشینها و وسائ روسی پیدا کرده بودند بلافاصله استفاده میشد و تجارب عینی استاد کارها و کارکنان فنی در ذوب آهن که بقیمت گزافی حاصل شده بود در اجتماع بصورت هر روزی پیوده و رعان میشد و بهمدر نمیرفت.

مطابقت سازمان بندی روسها در سه نوبت از کار و کارخانه ذوب آهن جمعاً ۸ هزار نفر دارگرو تکمین و مهندس و کارمند اداری احتیاج داشت. نظریاتیکه مقارن با بهره برداری از کارخانه و پایان کارهای ساختمانی نزدیک به ۲۰ هزار نفر مشغول کار بودند، لذا با توقف کارهای ساختمانی متجاوز از ۱۰ هزار نفر میباید اخراج میشدند و چون اکثر این افراد شامل کارکنان ساختمانی و کم درآمد بودند، از روزی که سروردا ای اخراج کارکنان اضافی

---

(بقیه پاورقی از صفحه قبل) ماهها و سالها بصورت يك عنصر عاطل و مظلوم و مقروض در کارخانواده اش خانه نشین میسازد.

تقاضا شد تا کمون که اخراج آنها همچنان ادامه دارد این کارگران و خانواده  
شان خواب راحت و آرامش ندارند و بقیل خودشان در محیط کار دست و  
دلشان بکار نمی‌رود و شبها از ترس اینکه مبادا فردا جزایست اخراجی‌ها  
اعلام شوند قرار دارند. در محیط کار بهر کس می‌رسند سؤال میکنند آیا ضم  
جزای اخراجی‌ها هستم؟ زنهای بعضی از این کارگران نذرونیاز میکنند  
که شوهرشان را اخراج نکنند. یکی میگفت زخم سفره ابو الفلفل نذر کرده،  
دیگری میگفت زخم سجاده پهن کرده و مرتب نمازود عام میکند که اخراج نکند  
بعد از دیگری از کارگران میگفتند دیگر برخلاف سابق مغازه دارهای اصفهان  
بکارگرهای نوب آهن نسبه نمیدهند و میگویند همه شماره اخراج میکنند ما  
برای چی بشما جنس نسبه بدهیم؟ کارگرانی که دارای تخصص  
فنی و مهارت فنی بودند میگفتند لاش یک مدتی بهما مهلت بدهند تا کار  
دیگری پیدا کنیم. ماکه پس اندازی نداریم مدت بیکاری از کجا بخریم؟  
بنابین توصیه روسپان تصمیم گرفته شد تعدادی از کارگران ساختمانی را تا آغاز  
مرحله دوم پنحوی سرگرم نگه دارند تا بعد ها برای تامین کارگران فنی  
مورد نیاز اشکالات گذشته تکرار نشود و علاوه بر این از اوج رشد ستارهایی  
و خشم کارگران جلوگیری بعمل آید چه علیرغم محیط امنیتی و خفقان ضد  
کارگری و تهدیدهای گوناگون، عده ای از کارگران با مراجعه به اداره کار  
و استناد بقوانین کار نسبت با اخراج غیرقانونی خود که بدون مهلت قبلی و  
بدون پرداخت سوابق کارشان صورت گرفته بطور دسته جمعی اجتماع و  
اعتراض مینمودند. همراه این اعتراضات دسته جمعی اعلامیه های زیادی  
در کارگاههای بهره برداری و ساختمانی و مخفیانه و بطور رسمی توزیع میگردد



وطنی آن کارگران و گنجه افراد را برای اعتراض و مقاومت در مقابل این برنامه  
 ضد کارگری دعوت به اعتصاب و اعتراض مینمودند در اصفهان يك بعد از نیمه شب  
 دو نفر ضمن پخش و چسباندن اعلامیه هائی در این مورد روسی و سه پل  
 اصفهان بوسیله پلیس گشت همراه با شلیک تیر هوائی دستگیر گردیدند  
 و غیر آن از قزوین و رئیس شوهرانی وقت ( سپهبد صدری ) در روزنامه هس  
 درج گردیدند بنال این وقایع و از ترس گسترش اعتراضات، طی کمیسیونها<sup>ی</sup>  
 که بین استناد اصفهان، رئیس ذوب آهن، روسای ساواک، شهرتانی  
 و سایر ادارات دولتی و در اصفهان تشکیل گردید تصمیم گرفته شد که اخراج  
 کارگران موقتاً توقف سازمانها و کارخانجات دولتی و موسسات خصوصی را  
 ملزم نمایند احتیاجات پرسنلی و کارگری خود را از کارگرانیکه در ذوب آهن  
 مازاد بر احتیاج میباشند تامین نمایند و در ابتدای این برنامه تصمیم گرفتند  
 در درجه اول تعدادی را در اختیار شهرداری اصفهان بعنوان عطسه  
 ساختمانی و ده دیگری را به معاونین و تاسیسات ذوب من سرچشمه معرفی  
 نمایند. اما همه این تصمیمات و اقدامات غیر عطفی که صرفاً برای فریب  
 افکار کارگران اخراجی و دلداری و دلگرمی سایر کارگران شانغل، اتخاذ  
 گردیده بود مسکوت ماند و برنامه اخراج کارگران بتدریج و در گروههای  
 محدود تر مجدداً آغاز گردید. در این ماجرا تعداد زیادی از کارگران فنی  
 و متخصص و زبیده از ترس اینکه مبادا روزی آنها را فاطمگیرانه و غیر مترقبه اخراج  
 نمایند قبل از وقت در جستجوی کار درآمدند و استعفا دادند و این خود فرسوده  
 دیگری بود که گذر فنی ذوب آهن را از نظر کارآئی و مهارت فنی ضعیف تر

در مورد کارگران ساده تا قبل از تصدیق قرارداد بیست ساله با کسر سیوم نفت همگی ۸۰ ریال می‌گرفتند که با اضافه کاره یعنی ۱۲ ساعت کار در روز (از ساعت ۶ صبح تا ۶ شب برای روزکاران و شش شب تا شش صبح برای نوبت‌شعب) به ده تومان یا کمی بیشتر می‌رسید اما بدنبال قرارداد با کسر سیوم نفت که زیر پوشش تبلیغاتی ملی شدن نفت صورت گرفت بعنوان یک فریب تبلیغاتی و در حالیکه همین کارگران ساده را اخراج می‌کردند از طرف رئیس کارخانه اعلام گردید به مناسبت پیروزی ایران در امر نفت و مالکیت ایران بر صنایع نفتی حداقل دستمزد در نوبت آهن به ۱۰۰ ریال افزایش می‌یابد. در مورد سایر کارگران فنی اصولاً برای تعیین میزان دستمزدها هیچ ضابطه صحیح و اصولی وجود ندارد و تازه ضوابط ناقصی هم که وجود دارد بر طبق آن عمل نمی‌شود. تعیین دستمزدها در مورد تابع پارتی یا رشوه و اگر هم بدون رشوه و پارتی و صرفاً بخاطر تخصص فنی و احتیاج کارخانه استخدام شده باشد تابع نظریات نظری و نحوه تشخیص فرد آزمایش‌کننده است. هم اکنون با استفاده از ضوابط نادرست، عدّه‌ای که از استادکارها با فورم و حتی کارگران فنی جزء بخاطر زبستگی و توصیه‌ها یا بمنظور کنترل دیگران و خیرچینی در میان سایرین و تعلق روسا و انجام خواسته‌های غیراداری آنها از دستمزدها گزاف و اضافه کار پاداش‌های استثنائی برخوردارند. البته کوشش کرده‌اند که برای کارگران بهره‌بردار فنی بخاطر شرایط دشوار یا خطرات کار سطح دست‌مزد کارگران جزء را بالاتر ببرند و از شدت تبعیضات و اختلاف دستمزدها بکاهند اما با وجود این که دستمزدها و اختلاف و تبعیض بین افراد یکی از عوامل اصلی

نارضایتی کارگران بهره برداری است. ضمناً برای اینکه مقداری از بول کارگران را در میانکها و موسسات سرمایه داری بالا جبارنگهداری نمایند دستمزدها آنها را از طریق شعبات متعدد بانک ملی کارخانه به دفترچه حساب پس اندازی که اجباراً برایشان تهیه کرده اند واریز میکنند. ضمناً برای اینکه کارگران با دستمزدهای پایین از یک وعده غذای گرم در محیط کارخانه استفاده کنند تصمیم گرفتند که در فضتهای مختلف به نسبت کارگران مبلغ ۱۰ ریال از طرف نوب آهن برای تهیه دیزی پرداخت شود و بقیه قیمت آنرا که بین ۵ تا ۱۰ ریال میشد خود کارگران پرداخت نمایند این تصمیم در عمل و در بعضی از قسمتها وسیله استفاده و دزدی عده ای گردیده است. تازه بیشتر کارگران و استادکارها و سرکارگانی که از حقوق و قدرت زیادتری برخوردار هستند از آن استفاده میکنند تا کارگرانی که روزی ۸ تومان دستمزد میگیرند و این خود نشان دهنده این حقیقت است که رژیمها و سازمانهای فاسد رژیم قادر به کوچکترین اقدام مفید در جهت بهبود زندگی کارگران نمیشاندند.

### تهیه مسکن برای کارگران

در ظرف چندین سالی که از آغاز کار ساختمانی و پیش از یکسالی که از بهره برداری رسمی کارخانه میگذرد کوچکترین اقدامی در جهت مسکن کارگران و کارکنان که بعمل نیامده هیچ تازه با هزینه این نیازمندی اجتماعی را بدوش آنها و سایر قشر کارگری و طبقات کم درآمد مردم اصفهان و حومه چندین برابرگران ترکرده است. برای نمونه کرایه ماهیانه یک اتاقی که در اصفهان قبل از تأسیس نوب آهن حدود بیست تومان بود اکنون بین ۱۰۰ تا ۱۵۰

تومان است و باین ترتیب ثلث و حتی بیش از ثلث حقوق کارگران ذوب آهن و سایر اجاره نشینان اصفهان را می بلعد. بنابراین گفته کارگران، تازه با این مبالغ زیاد با آنها تیکه بچه زیاد داشته باشند اصلاً خانه نمیدهند از این جهت کارگران غیر محلی و مهاجر مجبور هستند همچنان رنج دوری از خانواده های خود را تحمل نمایند. در بخشهای نظیر فلاورجان ( که نیمه راه اصفهان و ذوب آهن قرار دارد ) روزی ( نزدیک کارخانه ) میزان اجاره اطاق اگر پیدا شود از اصفهان کمترینست و در دهات مجاور کارخانه نظیر چمگردان، میزبان اجاره یک اطاق کمی حدود هشتاد تا صد تومان است. کارگران بسیاری از کارکنان بعثت کمبود درآمد ناچارند در دهات اطراف کارخانه بخصوص آنهاست که فاصله دورتری دارند چون ارزانترند سکونت کنند. مسئله ترافیک مشکل جانفرمایی است، زیرا برای نقل و انتقال آنها بجهت سکونتشان سرویسهای منظمی وجود ندارد و اغلب مجبور هستند بعد از پایان ساعت کار طولانی، روزی یکی دو ساعت بانتظار سرویس بنشینند. حمل و نقل کارگران به دهات اطراف عموماً بوسیله کامیونهای باری چادری یا بوسیله اتوبوسهای قراضه ای که از طریق بندر وست با اجاره ذوب آهن درآمد تامین میکردند. این کامیونها و اتوبوسها مخصوصاً در فصل سرما بعثت تصادفات بی دریغ، تاکنون جان کارگران بسیاری را گرفته و خانواده های زیادی را بی سرپرست نموده است. از میان حوادث و تصادفات بیشمار در جاده ذوب آهن با اصفهان و جاده های ذوب آهن به دهات اطراف، دو تصادف از همه وحشتناک تر بوده است یکی از آنها سقوط کامیون حامل ۵۰ نفر کارگر از دامنه کوه بدره بود که جان همه سرنشینان را به هلاکت انداخت. تصادف دوم تکرار همین حادثه پس از بیسک

فاصله زمانی بوسیله آئینوسر بردگی ، نگرارگرراحتل مینمود . هودواز  
 کرده رخ بین کارخانه وشهرکرد که جاده فوق العاده خطرناک وفاسد  
 کمترین اصول ایمنی است از ارتفاع بدانته کوه سقوط کردند . سرنشینان ، کارگران  
 بودند که دردهات اطراف نظیرهفته جان وقهوه رخ سکونت داشتند .  
 تازه پس از حادثه دوم ، اولیا<sup>۱</sup> امورکیسیون کرده وروی کاغذ تصمیماتی برای  
 اصلاح جاده مزبور اتخاذ کردند برای تامین زندگی خانواده کارگران مقول ،  
 ازکیسه خلیفه حاتم بخشی کرده یک روز حقوق ازهمه کارمندان وکارگران  
 برای پرداخت بهازماندگان آنهاکم کردند .

### ایمنی فنی برای کارگران

اولین چیزی که توجه شخص تازه واردی را بمحوطه کارخانه ذوب آهن  
 جلب میکند تابلوهای بزرگی است که روی آنهاشعار<sup>۲</sup> اول ایمنی بهدگار<sup>۳</sup>  
 نوشته شده ودرنقاط حساسی نصب شده است . این تابلوهاکه همزمان  
 باآغاز بهره برداری درمحوطه کارخانه نصب شده مثل تمام کارهای رژیم ،  
 تظاهرورنگ وروشنکاری است . شعاری است که محتوی آن بدست فراموشی  
 سپرده شده و خود آن ازناحیه روسهاحاصل شده است کارشناسان روسی  
 براساس سیستم ایمنی فنی خود ، بسلامت وحفظ جان کارگران درکارخانهها  
 وکارگاهها اهمیت زیادی قائل هستند . آنها ازعلمان ابتدای کار برای تامین  
 ایمنی محیط کار و جلوگیری ازخطرات وحوادث مرگباری که جان کارگران را  
 بمخاطره می اندازد ، بخصوص جان آنهاشی راه از نزدیک مستقیما بسا  
 چنین خطراتی مواجه هستند ، توجه وفشار زیادی بمسئولین ایوانی وارد می  
 ساختند . اما از آنجا که برای گردانندگان کارخانه بی ارزش ترین چیزجان

کارگران بود عملاً از اجرای سیستم ایمنی فنی روسها با نجات مختلف طفره رفته و از خرید کافی اصلی ترین وسائل حفاظتی نظیر کمربند ایمنی، کلاه و دستکش و ماسک و عینک و غیره خودداری کردند و حتی در آموزش و آشنا کردن اصولی کارگران بمسائل ایمنی و حفاظت فنی اعمال نمودند. ریشه این بی اعتنائی بمسائل ایمنی و حفاظت جان کارگران در اینجانبهفته است که تشکیلاتی که طبق طرح روسها برای اجرای اصول ایمنی و بنام " گروه ایمنی و حفاظت " بوجود آمده بوسیله کسی اداره می شود که موی خود را در افکار و احساسات ضد کارگری در وزارت اقتصاد و دیگر سازمانهای دولتی سفید کرده است و وظیفه اصلی اش امور ایمنی است تا ایمنی فنی. این شخص که عنوان مشاور عالی رئیس کارخانه را دارد در واقع مقام امنیتی نوب آهن است که از سرپرستی گروه ایمنی فنی تنها بعنوان ماسکی برای پوشاندن چهره مرکب از ضد انسانی و ضد کارگری خود استفاده میکند. این مامور خائن و متظاهر در حالیکه اغلب کارگران را از ضروری ترین وسائل ایمنی محروم نگه داشته در جلوی اطای خود و در کربد و اداره مرکزی کارخانه نمایشگاهی از بدترین و کاملترین وسائل ایمنی و حفاظتی برای فریب آنهاست که از واقعیت امر بی خبرند ترتیب داده است. حد اکثر کارگروه ایمنی فنی در ظرف این چند سال این بوده است که دستورالعملهای ایمنی فنی روسها را که بوسیله مترجمین قسمت دار ترجمه " ترجمه و توسط چاپخانه نوب آهن چاپ و تکثیر شده بنام خود منتشر ساخته است. زحمت دیگری که سرپرست گروه ایمنی فنی بخود میدهد امضا کردن ترجمه فارسی پخشنامه هائی است که از طرف سر

کارشناس روسی اموریانی فنی در دستنسخه روسی و فارسی تهیه میشود .  
 در یک چنین شرایطی گنیه کارکرانی که باگردسنگ آهن ، آهک ، ذغال  
 سنگ ، کک ، گردسیمان ، سزکاردارند و در قسمتهائی نظیر آگومراسیون ،  
 کوره بلند ، کک سازی ، کارخانه بتن ، سیلوی سیمان ، کارخانه اسفالت  
 سازی ، قسمت مواد نسوزویای کوره های ریخته گری کار میکنند تا قدماسکهای  
 ضدگرد بوده و بایستن دستمالی در جلوی دهن خود اکتفا میکنند تا باین  
 ترتیب شدیداً در معرض خطر بیماریهای ریوی هستند . در حالیکه طبق مقررات  
 اینی کارخانه ، باید برای جلوگیری از امراض ریوی ، علاوه بر ماسک ضدگرد  
 و نبار ، روزانه یک لیتر شیر از طرف کارخانه باین کارگران داده شود  
 بسیاری از قسمتهای مذکور حتی از دادن یک شیشه شیر ریالی بکارگران  
 خودداری میکنند و در بعضی قسمتهای دیگر که این شیشه شیر ریالی  
 در اثرباشاری روسها و مسئولین ایرانی بکارگران داده میشود بیشتر کارگران  
 از خوردن آن صرفنظر میکنند و آنرا برای بچه خردسال خود نگاه داشته و به  
 منزل میبرند و این خود باعث شده است که آنها نیکه نمیتوانند مسائل و  
 مشکلات اقتصادی زندگی کارگران و علاقه شدید آنها را بفروندان خود درک  
 نمایند استدلال کنند که دادن شیر باین قبیل کارگران بیبوده است .  
 در طی دوره ساختمانی بعلت بی توجهی مسئولین و سرپرستان کارخانه  
 در خرید و تامین وسائل ایمنی و آموزش کارگران حوادث بسیاری از نوع سقوط  
 از ارتفاع ، ببری گرفتگی ، انفجار کپسول استیلین ، تصادف ماشین در  
 جاده های داخلی کارخانه ، سقوط ظرف بتن ( بونکر بتن ) یا تیر آهن  
 بر سر کارکنانای افتاد و تلفات زیادی را موجب گردید .

### تاسیسات تفریحات سالم نوب آهن

چهارباشگاه مجلل همراه باپلاژ جداگانه در کنار دریاچه مصنوعی زیبای برای نوب آهن ساخته شده است. این دریاچه در مجاورت مسیر رودخانه زاینده رود واقع شده و بواسطه عطیات شن برداری برای تهیه بتن آرمه کارخانه در طول پنج سال عطیات ساختمانی ایجاد شده است. از این چهارباشگاه یکی با نام کارگران نام گذاری شده اما در واقع تکسین ها و استادکاران مورد توجه از آن استفاده میکنند. باشگاه دوم مخصوص روسپاست و در ساحل مقابل باشگاه کارگران ساخته شده است. باشگاه سوم باشگاه کارمندان است که کارمندان عالیرتبه اداری و مهندسی از آن استفاده میکنند. باشگاه چهارم که بمفاصله زیادی از سه باشگاه دیگر ساخته شده است اختصاصی پرسنل طراز اول دارد و محفل اختصاصی آنها و افراد محرم آنهاست. از این باشگاه بران پذیرائی از مهمانان عالی مقام و تشکین شب نشینی و سماع عیاشی برای آنها استفاده میشود. اخیراً استخر خیلی بزرگی با تجهیزات و وسائل قایقرانی در باشگاه کارمندان عالیرتبه و مهندسی و نیز در باشگاه اختصاصی پرسنل طراز اول ساخته شده است.

علاوه بر این ها بر فراز یک تپه ی مشرف بر زاینده رود و مزارع و درختکاریها کارآن یک "کاباره دانسینگ" با طرح و سبک زیبا و گرانیقیتهی ساخته شده است. این باشگاه ها و کاباره دانسینگ که بناهای آن یکی دیگر از مظاهر سیاست ریخت و پاشی گردانندگان امور نوب آهن است وسیله ایستکه برای ترویج فساد هر چه بیشتر و سرگرم کردن کارمندان و کارگران نوب آهن ساخته شده است.



### شبهه امنیتی در نوب آهمن

شبهه امنیتی در نوب آهمن شامل تشکیلات عریض و طولی بنام "قسمت حفاظت و انتظامات" است. این تشکیلات دارای يك جزه "علنی بنام انتظامات و جزه" نیمه مخفی و نیمه علنی بنام حفاظت میباشد و هر دو جزه تحت ریاست تیمسار بازنشسته ای که گویا برادرش دبیرکل حزب ایران نوین است قرار دارد. افراد علنی قسمت انتظامات بیشتر از میان جوانان روستایی و بر اساس شرایط استخدامی مشابه نیروهای نظامی انتخاب و استخدام شده اند و در مرکز توپخانه اصفهان حدود یک ماه و نیم دوره تیراندازی و فنون جوی و کاراته دیده اند و از این افراد بعد ها با یونیفرم قهوه ای رنگ چند نفر در جلوس رهبر گارگاه یا ساختمان اداری و کلبه درغای خروجی ورودی کارخانه گماشته اند. اینها رفت و آمد افراد را از روی کارت شناسایی کنترل میکنند. ساک کارگران را بازرسی میکنند. سر و بسهای کارگری و کارمندی را در ورودی و خروجی کارخانه بوسیله کارت شناسایی کنترل میکنند.

ببازرسی و کنترل ماشینهای شخصی در هنگام ورود بکارخانه می پردازند و از جان مسئولین طراز اول کارخانه حفاظت میکنند. بدنبال شروع عطیات سلحانه در ایران و ارتباط و دستگیری عده ای از کارکنان نوب آهمن (تکسین و مهندس) در ظرف این مدت بجرم رابطه با همکاری با چریکها، برداشته فعالیت ها و کنترلهای قسمت حفاظت و انتظامات افزوده شد. اکنون تعداد زیادی از ماورین انتظامی بطور شبانه روزی در اطراف منازل کارمندان نوب آهمن در اطراف منازل موقت واقع در چمرگان و منازل مسکونی آریاشهر رفت و آمد ساکنین و تازه واردین را مرتباً زیر نظر دارند.

در بعضی موارد کارت شناسائی مطالبه میکنند . نظر وانتقال وسائلی یا رفت وآمد اتومبیلهای شخصی ساکنین راز بر نظر میگیرند . مهمانان ساکنین منازل آریاشهر و چمگردان اغلب نادر منزل مقصدشان از طرف همین مامورین انتظامات تعقیب و تا آخرین لحظه نظاره میشوند . این مسئله خصوصاً برای کارکان متهل نوب آهن که زن ودختر آنها شبانه روز مورد تعقیب چشمها و نگاههای خیره و کجکاوانه مامورین قرار دارد فوق العاده آزار دهنده است .

قبل از شروع بهره برداری کارخانه ، خصوصاً قبل از آغاز مبارزه مسلحانه در ایران ، تعداد این مامورین غنی انتظامات دقیقاً ۵۰۰ نفر بود . اما با شروع دوره بهره برداری و اوج یافتن مبارزه تعداد زیادی تری به آنها افزوده شد بطوریکه اکنون میتوان گفت بایرمنل اداری حدود ۱۰۰۰ نفرند . حقوق و مزایای این مامورین که از شدت احتیاج و بیگاری به چنین کاری تن داده اند با اضافه کارها در حدود ۷۰۰ تومان در ماه میشود . عده ای از آنها بعد از زندگی از این کار ، که بقول خودشان وسایر کارگران مردم آزاری و بی هنری است منزجر میشوند و تقاضای انتقال بقسمتهای فنی میکنند یا استعفا میدهند این جریان که در اوائل زیاد تر بود در این اواخر روسای مربوطه در مقابل این تقاضاها شدیداً با مخالفت و تهدید عکس العمل نشان میدهند افراد شهری آنها زود تر از زشتی این کار مطلع و منزجر میشوند . اخیراً آنها را از خرابکاری و خرابکاری ترسانده اند و متقابلاً بآنها اختیار و اجازه هرگونه اعلان قدرت و رفتار نوعین آیز نسبت بکمی کارکان از کار گرفته ناروسائی که ماشین های مارک نوب آهن

در اختیار دارند، داده اند. تاکنون چندین برخورد خشن و توهین  
 آمیز بین سرپرستان کارگاهها و قسمت‌های ذوب آهن با مأمورین انتظامات  
 به وقوع پیوسته و کار بها را ترکیده است، اما همیشه حتی با مأمورین  
 انتظامات داده اند. این امر موجب شده است که علاوه بر کارگران  
 معمولی، روسای طراز دوم و سوم هم نسبت به قسمت انتظامات و حفاظت  
 و شخص تیمسار رئیس آنها، شدیداً خشم و کینه پیدا نمایند. در بعضی  
 موارد این مأمورین مغرور برای ابراز قدرت و در ظاهر برای اجرای دستور  
 برای روسایی که حتی کاروست آنها را میشناسند بازی در می‌آوردند و عملاً  
 به بهانه ای مامورین آنها را شوق و خود آنها را پیاپی می‌نمایند.  
 مأمورین انتظامات، این جوانان روستایی که مظهریک عمر رنج و  
 بدبختی طبقه محروم خود هستند، اکنون که با واقعیت‌های طبقات  
 بالا روبرو شده و اعضای رادماشینهای سواری و درگاه در کارزن و  
 فرزندان خود در جولان می بینند و خود را در لباس مأمور با قدرت، فرصت  
 یافته تا ناخود آگاه عقده محرومیت خود را در مواجهه با آنها بکنایند. نظراً  
 در یک تئوری ویایی که عقب هر فرصتی برای اعمال خود نمایی خویش است  
 یا تشویق مأمورین با اعمال قدرت بیشتر نشان میدهند که در نظام او انسانها  
 باندازه پیشیزی شخصیت و ارزش ندارند. دستگاه انتظامات مأمورین  
 را به خصوص با اعمال خشونت بیشتر در برابر کارگران و کارکنان تشویق میکند و مأمورین  
 با اینها شدیداً توهین آمیز و تلویحاً تجاوزکارانه ای رفتار میکنند. تاکنون  
 بکرات با سبب وی سبب کارگران، حتی تکسین ها و کارمندان رازید  
 حشمت و لگد گرفته اند. اخیراً قدرت و اختیارات قسمت انتظامات با زهم

افزوده اند تا جاییکه وظیفه حضور رضایاب کارمندان و کارکنان از کارگزینی  
 بآنها محول شده است .

قسمت حفاظت وظیفه انس جمع آوری اطلاعات و کارهای پلیسی از  
 طریق عناصر و عوامل مخفی است و مستقیماً با سازمان امنیت اصغیان  
 در تماس است . وظیفه اصلی این قسمت ایجاد رعب و وحشت پلیسی در  
 میان کارکنان و کارکنان و ایجاد سوء ظن و شک و تردید عمومی نسبت به  
 همه چیز و همه کس است . برای وصول باین هدف با دریافت کوچکتر  
 اطلاعاتی از اظهار ناراضی از طرف کارگری او را با ارسال نامه محرمانه  
 اداری و با اطلاع مستقیم فوری احضار و استیصال و جواب میدهد از آن .

اخطار و استنطاق کارکنان از دریافت خبر از گفتگوها و اظهارنگرانی آنها در  
 باره اخراج کارکنان احتمال کم شدن اضافه کارند داشتن وسائل  
 حفاظتی باکی دستمزد شروع و اخیراً با موارد جزئی تری حتی از قبیل در  
 یافت گزارش غیبت یا در رفتن یکی دو ساعتی از زیر کارگسترش یافته است .  
 این داده نفوذ تا این حد توقف نکرده بلکه بمسائل روزمره و زندگی  
 شخصی و خانوادگی کارکنان در خارج از محیط کار نیز گسترش یافته است .  
 این امر موجب شده است که کارکنان برای حل و فصل نزاعهای محلی  
 یابده بستنهای مال دست بدامن قسمت حفاظت و انتظامات بزنند و  
 مسائل شخصی بین خود را در آنجا مطرح و حل و فصل نمایند تا مسئولین  
 امر با اطلاع از ریزه کاریها و وضع اخلاقی و رفتار خانوادگی کارکنان دانشه  
 کنترل و نفوذ خود را بیشتر بگردانند . رواج این سیاست موجب  
 شده است که عده کمی از کارکنان برای تسویه حسابها و انتقامهای

شخصی، نقاط ضعف یکدیگر را نیز قسمت حفاظت گوارش دهند و خود از روی سادگی و جهالت به پیشبرد مقاصد شبکه پلیسی دستگاه کمک نمایند. اخیراً تعدادی از مأمورین مخفی را برای طی دوره کشف و خنثی کردن بمب پتهران فرستاده اند.

شبکه امنیتی قسمت حفاظت و کارشناسان امنیتی که بلافاصله با اتفاق حوادث از پتهران خواسته شده اند، حوادثی را که تاکنون بعلمت نفس و سائنس فنی اتفاق افتاده است از دریچه خرابکاری و مقاصد سیاسی

و جرمی دیده و مورد بررسی قرار داده اند. از اینجهت گمبیه افرادی را که در این قسمتها کار می‌کنند بسیار جوئی و استنتاجهای شدیدی کشانده اند.

از اینرو اکثر افراد یک در قسمتها و کارگاههای حساس، کار و مسئولیتی بعهده دارند و ائمه در حال اضطراب و تشویش سر می‌برند. علت حوادث کوچک و بزرگی که تاکنون اتفاق افتاده، از قبیل انفجار و آتش سوزی غنوزیدر معلوم نیست. اما ظاهراً بعلمت عدم مراقبت، ندانم کار بهایان نفس

دستگاهها بوده است. مهمترین این حوادث عبارت بودند از: - ساز کارافتادن کوره بلند بواسطه قطع ناکهانی و غیر مترقبه برقی. (که اگر در لحظه یادداشتن کوره اتفاق افتاده بود خسارت و آسیب کوره بعیزانی میرسید که دست کم تعمیر و راه اندازی مجدد آن ۶ ماه وقت لازم داشت).

- ساز افتادن نیروگاه مرکزی - انفجاریکی از کوره های ریخته گری - آتش سوزی یکی از موتورهای برقی دیزل خانه و چند حادثه آتش سوزی دیگر.

قسمت انتظامات گمبیه برای مسلح کردن کاروانتظامی خود تقاضای اسلحه

تعداد مقامات نظامی با مسلح کردن کاروانتظامی موافقت نمودند در  
 ششصد  
 عوض در حدود يك گروهان نیروی نظامی مسلح برای مراقبت اعزام دادند.  
 سربازان مسلح اکنون از درهای اصلی و مراکز حساس کارخانه مراقبت  
 میکنند. اکنون تصمیم دارند برای حفاظت از تاسیسات نوپ آهن  
 و ایستگاه کپرسورخانه خطوط گاز سراسری، يك پادگان بزرگ و مجهز  
 در نزدیکی کارخانه ایجاد نمایند.

### نحوه انجام و اجرای کارهای ساختمانی

فازتگیری پیمانکاران و در زمینه های کلان روساوند ایران کارخانه سازه :  
 مطابق نصیحت اولیه ، ساختمان کارخانه نوب آهن میبایست از طریق  
 امانی ، یعنی بدون واگذاری شرکتهای متعلقه کاری را با وسیله  
 شرکت ملی نوب آهن ایران و با استفاده پرسنل فنی و نیروی انسانی  
 لازم و مشاوره و کمک فنی کارشناسان روسی صورت گیرد و این جهت  
 ساختمان قسمتهای اصلی کارخانه یعنی کوره بلند ، کک سازی ،  
 و آلومراسیون ( ۱ ) بطور امانی آغاز گردید اما به علت عدم صلاحیت اداره  
 کنندگان شرکت و فساد وضعف تشکیلات اداری آنها ، آهنگ پیشرفت  
 خیلی کند و بطئی بود . بطوریکه حجم کارهای انجام شده در پایان هر  
 سال در حد هشت ماه کار تعیین میشد و پیش بینی شده قلی بود .  
 به عبارت دیگر در هر سال باندازه چهار ماه کار تاخیر افتاد این موضوع  
 روسها را که نسبت به پایان ساختمان کارخانه در اس موعده مقر اعمیست  
 میدادند نگران کرده و مطالبات بالاتری بعلت تاخیر و کندی کار فشار آوردند .  
 کندن پیشرفت کار و فشار روسها بهانه و وسیله ای شد تا ساختمان کارخانه  
 را به شرکتهای مقاطعه کاری واگذار نمایند و موافقت و رضایت روسها را برای  
 مقاطعه دادن کارها به شرکتهای خصوصی ، بمنظور تسریع کارها جلب  
 نمودند . بدنیال آن ساختمان قسمتهای مختلف کارخانه بین شرکتهای

---

۱ - آلومراسیون قسمتی از کارخانه نوب آهن است که وظیفه اش  
 انجام عطیات روی سنگ آهن و ذغال کک و آمیخته ساختن مواد دیگری  
 با آنهاست بطوریکه این مواد را قبل از ورود بکوره بلند نوب آهن آماده  
 نموده و این ترتیب کار کوره بلند را تسهیل و بهره دهی آنها را بالا ببرند .

صاحب نفوذ تقسیم گردید. از کارهای ساختمانی و نصب ماشین آلات گرفته تا جزئی ترین امور نظیر نقاشی داخلی ساختمانها، عایق پیچی و رنگ آمیزی لوله ها و تاسیسات کارخانه هر یک بطور جداگانه و باقیمتها کلان بیک شرکت مقاطعه کاری واگذار گردید.

این اقدامات در حالی صورت میگرفت که کلیه وسائل انجام کار از کار شناسان فنی روسی و مهندسان فراوان و تکنسین و کارگران فنیسی ایرانی گرفته تا افزایش وسائل و ماشینهای مختلف روسی جهت اجرای عطیات ساختمانی تماما براندازه کافی در اختیار مسئولین امر بود. تنها چیزی که وجود نداشت صلاحیت فنی و لیاقت و صداقت آنها بود.

واگذاری کارها بمقاطع کاران امری بود که از آن استقبال گردید زیرا بدان وسیله مجال هنگفتی بعنوان حق و حساب بجهیب زدند و

سودهای کلانی عاید صاحبان زمینفون این شرکتهای نمودند. برای نمونه، زیرسازی خطوط آهن معادن کرمان بکارخانه و با شرکت گسن متعلق به شریف امامی رئیس مجلس سنا و نخست وزیر سابق، آن

هم بانرخهای کلان برای خاکبرداری و خاکریزی واگذار نمودند. نصب

نیروگاه کارخانه بشرکت پاکو متعلق به لاجوردی سرمایه دار داده شده

ساختمان بیست و پنج کیلومتر ااتویان زوب آهن به اصقبان بمبلغ

۷۵ میلیون تومان بیک شرکت متعلق به خزیمه علم سناتور انتصابی

وازمسرایه داران و خالکان معروف ناحیه قاتقات و دارودسته علم

تقدیم گردید و همین ترتیب شرکتهای مقاطعه کاری دیگری نظیر شرکت

تهران جنوب، شرکت صنیگاف، ملایری و... از این خوان پشمها



سهی بردند .

نحوه سو استفاده این شرکها بسیار جالب توجه بود اما در زیر بطور مختصر  
بشرح آنها میگردانیم :

۱ - استفاده مقاطعه کاران از مهندسان و تکنسینهای روسی - مقاطعه  
کاران بعلمت وجود کارشناسان فنی روسی ، آنها را بتعداد زیاد و تمایل  
ببدریغ آنان برای دادن کمکهای فنی ، از استخدام مهندس و تکنسین  
ورزیده خودداری کردند و عملاً برای اجرای کار خود از مهندسان و  
تکنسینهای روسی استفاده کردند . در حالیکه اصولاً میبایست شرکها  
مقاطعهای کاری ، بوسیله مهندسان و تکنسین های ورزیده خود ، که  
قطعاً باید بآنها حقوقهای گزافی میدادند کار را اجرا میکردند و کارشناسان  
روسی در نقش ناظر در صورت وجود ایرادات فنی ، آنها را گوشزد یا تصحیح  
میکردند . اما عدم اطلاع روسها بامور بیمان کاری از یک طرف ، و بزرگ  
مقاطعهای کاران و کمک مسئولین اموری آنها ، سبب شد که متخصصین روسی  
که حقوق آنها را دولت میبرد اخت رایگان در خدمت مقاطعهکاران در آیند  
و مقاطعه کاران که باین ترتیب نیازی با استخدام مهندس و تکنسین  
نداشتند سود کلان دیگری به جیب بزنند .

۲ - استفاده از ماشین آلات روسی - مسئله استفاده از متخصصین  
روسی با استفاده از ماشین آلات عم تعمیم یافت . جرثقیل ها ،  
بولدوزرها ، ماشینهای جوشکاری و نظایر آن بکار افتادند تا بگردش کار  
سرعت دهند . برای روسها تنها این مسئله اهمیت داشت . از بند و  
بستهائی که در زیر برده برای بکار گرفتن ماشین آلات بفتح مقاطعه کاران

بکاربردن چیزی نمی فهمیدند . برای یک مهندس یا تکنسین روسی که خود ماشین را صادر کرده در اختیار مقاطعه کار می گذاشت تنها مسئله کار مطرح بود و برای یک مقاطعه کار که با زیرکی از هر دو استفاده می کرد تنها پول . نتیجه این شد که مقاطعه کاران بجای خریدن یا اجاره کردن ماشین آلات ، از ماشین آلات آماده ای که در دسترسان قرار گرفت استفاده نمایند .

۳ - استفاده از کار رفتی نوب آهن - نوب آهن بعنوان تقویت کار رفتی پیمانکاران تعدادی از مهندسين و تکنسین های فعال و فراوان خود را در اختیار آنها گذاشت ، بدون اینکه پیمانکاران در ازای آن چیزی بپردازند . بهمین نحو ، برق ، آب و وسیله نقلیه و بسیاری چیز های دیگر بطور آسکارسازانه ، با سازش و بند و بست با بالاتر ها و گاهی با پائین تر ها بطور رایگان در اختیار پیمانکاران قرار گرفت . بطور خلاصه اغلب مسائل فنی دستگامی که قبلا کار ساختمانی را انجام میداد ، با اضافه ماشین آلاتی که طبیعتی قرارداد باروس ها در اختیار شرکت نوب آهن قرار گرفته بود ، با اضافه متخصصین روسی که هزینه آنها نیز از بودجه ملی پرداخت می کردند ، با زمینه سازی عائیکه برای مقاطعه داران از طرف دستگام فراهم آمد ، با پرداخت مبالغ حرام آوری در اختیار پیمانکاران و پاندها<sup>ی</sup> دیگر رژیم قرار گرفت . باین ترتیب مردم فقیر ما در واقع دوباره هزینه سنگین ساختن تاسیسات رایا همه دزدیها و سو استفاده های کلان پرداختند .

علاوه بر موارد بالا پیمان کاران با همکاری هندستان نوب آهنی خود

سوء استفاده های دیگری دست زدند که از مهمترین آنها استفاده از مصالح از قبیل آهن آلات و تخته و غیره بود که طبق قرارداد برای ساختمان کارخانه از طرف دولت شوروی بایران تحویل داده شده بود تا زیر نظر کارشناسان روسی به مصرف برسد. اغلب در مواردی که پیمان کاران میباید آهن آلات و تخته و غیره را خود خریداری و بکار ببرند با ضرورت سازیهائی آنها را از انبار آهن آلات و مصالح شوروی تحویل میگرفتند. این کار با همکاری نزدیک روسای ایرانی نوب آهن صورت میگرفت. در اواخر کار مقدار بزرگی از آهن و تخته کسر آمد و اقتضای قسمه بر ملا شد بلافاصله چندین نفر دستگیر شدند اما برای اینکه کار از این بیشتر بر سوائی نکند ویای مسئولین روسای بالاتر میان کشیده نشود دستگیر شدگان پس از چند روز آزاد و از نوب آهن اخراج شدند. از عده دیگری از مسئولین که بنحوی دیگر در جریان کار دست داشتند، برای اینکه خبر در زبیهایی ترومانرسد و از محیط نوب آهن خارج نشود، خواستند حترمانه استعفا دهند. برای نمونه یکی از زمین روسای سوء استفاده چی کارگاه پادرجواب اینکه چقدر حقوق میگرفته گفته بود ما عانه ۲۰ هزار تومان و در مقابل حیرت و تعجب حاضرین توضیح داده بود که از این مبلغ ۵ هزار تومانش را نوب آهن میداد و ۱۵ هزار تومان بقیه را پیمانکاران میپرداخته اند. بدیهی است که درازای این مبالغی که پیمانکاران باین قبیل روسا میدادند چندین برابر از ماشین آلات، مصالح و حتی کارکنان نوب آهن، که در اختیار این روسا بود، بطور رایگان استفاده می کردند و در پای صورت وضعیتهای غیر واقعی که تهیه میکردند امضا

این روسار برای گرفتن پول از نوب آهن میگرفتند. نظیر کار اخیر، بخصوص در مورد حجم خاکبرداریها و خاکریزها بسیار صورت گرفت. چه جز نظریه و نتایج رئیس قسمت ۴، وسیله کنترل دیگری برای میزان کار انجام یافته وجود نداشت. لذا پیمانکاران بایرداخت رشوه، حجم خاکبرداری و خاکریزها را که خیلی هم زیاد بود، چندین برابر واقعیت صورت میدادند و پولش را میگرفتند. میزان دزدیها و سوء استفاده غایبمین جاخاتمه نیافت بلکه در سطح بالاتر سرسام آورتر شد. در خاتمه کارهای ساختمانی اغلب پیمانکاران بایستگرمی وزد و بند باندیر عاملان ورژسای کارخانها بهانه ها و دلائل گوناگون اعلام ورشکستگی و ادعای خسارت کردند و صورتها و اعلام ساختگی برای میزان خسارت خود ارائه دادند. برای نمونه شرکت پاکرو که مسئول نصب دستگاههای تولید برق و انرژی کارخانه بود، ادعای ۸ میلیون تومان خسارت نمود که بلافاصله از طرف همان روز سانی که از خرید یک ماسک ضد گرد و خاک بایک دستگاه ایمنی یا یک شیشه شیشه ریالی برای کارگر، دم از نبودن پول و بودجه میزدند، یک قدم مثل آب خوردن و بعنوان کمک بشرکت مزبور، ۳ میلیون تومان پرداخت گردید و همچنین نمود ریزد سایر پیمانکاران از جیب خلت محروم و فقیر بدل و بخشش فراوانی شد. البته سهم عنده ای از این میلیون عاتوما بدل و بخشش و نصیب علم غایبمینیان همیشه و الا بدون شک پرداختش نشیربها، یک شیشه شیره ریالی با آنقدر کسب و نهان بررسی هار و برو میشد تا شامل مرور زمان شود.

آنچه گفته شد تنها نمونه‌های از دزدیها و سوء استفاده هادر رابطه پیمانکاران

وروسای کارخانه بودن در پهاوسو استفاده های دیگرانجا مختلف صورت می گرفت و طری جدیدی نیز ابداع میشد برخی از آنها الو می رفت و بسیاری از آنها با شناخته می ماند و بر بعضی که آشکار میشد بلافاصله سر پوش گذاشته میشد .

اولین دزدی که اقتضای در آمد و رسوائیش بگوش همه رسید ، دزدیدن يك تریلی سیمان از طرف رئیس انبار عابود . این دزدی در زمان ریاست مهندس یهودی کارخانه و در شروع کارهای ساختمانی بشروع زیر صورت گرفت : تریلی سیمان بدون اینکه حتی يك کیسه آن در انبار تخلیه شود برگ رسیده انبار خورد و در فاتر انبار وارد و بعد هم بعنوان مصرف از انبار خارج گردید و حال آنکه عملا تریلی سیمان در خارج از نوب آهن تخلیه و معاطه شد . علت آشکار شدن سریع این دزدی بعلت کوچکی تشکیلات آن موقع و رقابت بین دسته بندیهای مختلف بود . البته مسئول این دزدی نه تنها مجازات و یا از تشکیلات نوب آهن اخراج نگردید بلکه این جریان برای وی حسن سابقه ای شده و مقام او در تشکیلات مالی نوب آهن ترفیع یافت و سمت نماینده کارخانه در کار بردازی مرکزی تعیین و مسئولیت خرید های کارخانه را در تهران به عهده او گذارند . با ورود تجهیزات فنی کارخانه و صالح ساختمانی نظیر آهن و تخته و تشکیل انبار تجهیزات و انبارشوری (۱) بریاست این انبار عا منصوب گردیده و همچنان در این سمت باقی است و در این

۱ - انبار تجهیزات ، مخصوص انبار کردن ماشین آلات و تجهیزاتی است که پترو پمپ میبایستی نصب و مونتاژ شود ؛ انبارشوری مخصوص دریافت و انبار کردن آهن آلات مختلف و تخته روسی جهت ساختمان یا توسعه کارخانه است .

شغل ، بیهانه اینکه جرثقیلهای ساخت شوروی برای تخلیه و بارگیری سریع و تجهیزات کارخانه کافی و مناسب نیست تعدادی جرثقیل و تریلی از خارج کرایه نموده و با نظرو نمودن ساعات کار اضافی برای این دستگاهها مبلغ زیادی از صاحبان آنها رشوه و حق حساب دریافت میکنند (۱) . نامبرده که از مهندسين سابق وزارت اقتصاد و معنصری بی سواد و مشوره است ، علاوه بر ادامه دزدی بصورتهای مختلف ، از نتایج مسئولیت جدیدش کافی است که بشرح این نکته ببرد ازیم که از ابزار و آچار و لوازم یدکی که با همراستین یادستگاهی از شوروی به انبار کارخانه تحویل داده میشد بخارت میرفت . اگر باخوش بینی قبول کنیم که شأن ایشان از دزدی ابزار و لوازم یدکی بالاتر است در این صورت دست کم باید که این مسئله را ناشی از بی عرضه گی و عدم لیاقت و صلاحیت وی بدانیم . از این دزدیها که بگذریم ارقام عده دزدی و سوء استفاده از طریق خریدهای سرسام آور کارخانه صورت می گیرد . مکانیسم و نحوه سوء استفاده و دزدی در این خریدها که بر حسب مبلغ و میزان خرید بیک از این چهار طریق اداری بشرح زیر :

استخواه گردان ۲ - استعمال ۳ - کمیسیون خرید ۴ - مناقصه صورت میگیرد ، مفصل و در بعضی موارد پیچیده است . البته نحوه دزدی و سوء استفاده در خریدهای ذوب آهن غالباً از نوع همان دزدیها و دزدیها در سایر ادارات و موسسات دولتی است ، با این تفاوت که در مورد ذوب آهن به علت تنوع اجناس و کالاهای مورد احتیاج ، حجم مصرف

۱- پیمانکاری که جرثقیلهایش را با ابزار و تجهیزات کرایه میدهد میگذرد علاوه بر حق حسابهایی که بیالان میدهد این رئیس انبار بقیه در صفحه بعد (

نگ و گشادی تشکیلات و عدم صلاحیت مطلق مدیران ، يك طيف و مجمره کاملی از انواع درد پها با ارقام زیاد بچشم میخورد .

۱ - تنخواه گردان - در مورد تنخواه گردان که برای خرید های کتر از سه هزار تومان صورت میگیرد مامور خرید از هر فروشنده ای که پورسانت<sup>۳</sup> بیشتری با وسیله هد جنس را خریداری مینماید و فروشنده برای اینکه مبلغ پورسانت از حق و حسابی را که به مامور خرید داده است جبران نماید در فاکتور خرید قیمت را زیاد تر از قیمت حقیقی قید میکند یعنی کالا را به نوب آهن گرانتر از نرخ حقیقی میفروشد . اما چون جز تعداد قلیلی از فروشندگان وجد انا حاضر باین نوع زد و بند هانیستند یا شهادت قبول مخاطرات بعدی آنرا ندارند لذا اکثر ابا مامورین خرید نوب آهن طرف معامله نمیشوند . از طرف دیگر چون نوب آهن بعلمت فساد پور و کراسی اداری از یک طرف و خرید های سرسام آور قاده پر داخت بد هکاری خود بفروشنده<sup>۴</sup> در مرتبه مناسب نیست و فروشندگان ناچار هستند برای وصول پول خود مجدداً بر سره و یارتی بازی متوسل شوند ، لذا حتی عده ای از فروشندگان بیکه حاضر به زد و بند با مامورین خرید ادارات هستند از معامله با این سازمان دولتی پرهیز میکنند . از این جهت نوب آهن بد نام ترین موسسه دولتی در بازار تهران و اصفهان است .

۲ - استعمال - در مورد خرید اقل از سه هزار تومان تا ۱۰ هزار تومان از استعمال استفاده میشود . یعنی تا حد تأیید از سه فروشنده ،

بقيه يازدهی از صفحه قبل - تجهیزات اینقدر برای مابازی در میآورد که ناچاریم باین پایا هم يك چیزی بد هیم والا حد آتش اینستکه یا از جرثقیل ایراد میگیرد یا سیاحت کار جرثقیل را کمتر گزارش میدهد

قیمت کالا را کجا بوجد آگانه تقاضا نمایند و هرکس ارزانتر از او خرید کند .  
 اما ما موران خریدی که اهل دزدی و سو استفاده هستند باین نحو  
 عمل میکنند ، ابتدا از دو فروشنده اصلی استعمال میکنند . بعد سراغ  
 سومین فروشنده که با آنها زد و بند دارند میروند و قیمت هائی که اند و فروشنده  
 اول گرفته اند به اونشان میدهند ( در صورتیکه طبق مقررات اداری این  
 استعمال ها باید از اطلاع هر یک از فروشنده ها مخفی بمانند و نتیجه این  
 فروشنده کی از دو فروشنده اول ارزانتر قیمت میدهد و دست آخر برنده  
 استعمال میشود . در مقابل ما مور خرید یا مافوی اوج و حساب را میسراند .  
 بدنی است که فروشندگان اسفهان و تهران باین کک ما موران  
 خرید نوب آهن بی برده اند و آنها اصلا قیمت نمیدهند و میگویند ما وسیله  
 و آلت دزدی و سو استفاده عده دیگری نمیشویم ، شما از ما که نخواهید  
 خرید دست از سر ما بردارید .

۳ - کمیسیون خرید - کمیسیون خرید ، برای میزان خرید از ۱۰ هزار  
 تومان تا ۵ هزار تومان است . نحوه آن مثل استعمال است با این  
 تفاوت که در مورد استعمال شخص کاربرد از یعنی ما مور خرید شخص برای خرید  
 از کسی که قیمت کتری میدهد تصمیم میگیرد . اما در مورد کمیسیون خرید  
 قاعدتاً بر اساس قیمت های گرفته شده و مشخصات فنی اجناس پیشنهادی  
 فروشندگان عده ای از کارمندان و روسای مالی و فنی تصمیم میگیرند . در  
 اینجا ترکیب کمیسیون طوری انتخاب میشود که نظریه رئیس کمیسیون خرید یا  
 روسای بالاتر در مورد خرید از فروشنده معینی تأیید و تصویب گردد .  
 ۴ - مناقصه - در مورد مناقصه که از طریق آگهی و اعلام شرایط خرید و



مشخصات فنی کالای مورد نظر صورت میگیرد باز از همان اول تا با آخر طوری اقدام میکنند که فروشنده معین یا فروشنده ای که حق حساب زیاد تر<sup>ی</sup> میدهد برنده شود. مثلا مشخصات فنی را الحوری مینویسند که با مشخصات<sup>ت</sup> فنی اجناس فروشنده مورد نظر تطبیق نماید. یا چندین بار کمیسیون<sup>ت</sup> را بابت اخیر میاندازند یا شرایط مناقصه را عوض میکنند و یا اینقدر رخصیه را کسب میدهند تا ضمانت نامه بانکی شرکت کنندگان که معمولاً مبالغ هنگفتی است بلامتکلیف بماند. در اینگونه موارد بسیاری از شرکت کنندگان برای آزاد کردن پول ضمانت نامه از خیر مناقصه میگردند و میدان را برای فروشنده<sup>د</sup> مورد نظر خالی میکنند.

از همه مصیبت بارترا اینکه بسیاری اوقات دستگاهها یا اجناسی که تقاضا میشود چندان مورد اجتناب نیست و صرفاً بعلت وعده<sup>د</sup> حق حسابی که نمایندگی انحصاری آن کالا بیکی از روسای<sup>ی</sup> دینقون فنی یا اداری برای خرید آن داده است برای آن کالا تقاضای خرید میشود و چون روسای بالاتر از آن دستگاهها و از نحوه<sup>د</sup> کیفیت امور فنی<sup>ی</sup> کلاً بی اطلاع هستند لذا در مورد ضرورت یا عدم ضرورت و تعداد و میزان کالای درخواستی از هر گونه اظهار نظری عاجز بوده و با خرید آنها بلافاصله موافقت مینمایند. کار شناسان روسی نیز بعلت اینکه هیچگونه اختیار و قدرتی ندارند در باره<sup>د</sup> امور مالی و خرید از هر نوع اظهار نظر بر کار میباشند. بالنتیجه با وجود آنکه گنیه دستگاهها و ماشین آلات و ابزار لازم جهت بهره<sup>د</sup> ساختنی و بهره برداری کارخانه از طرف روسها در قرارداد<sup>د</sup> پیش بینی و از طرف آنها فرستاده شده است، ولی طبق گفته روسها در خود شوروی با همین ابزار و وسائل<sup>د</sup>

کارخانه های ذوب آهن خودشان ساخته میشود و مسئولین امر بدلی  
 سر استفاده و دزدی بهاین ابزار و وسائل قانع نیستند و با خرید ابزار و  
 دستگاههای اضافی ذوب آهن را بصورت نمایشگاه ابزار و دستگاهها و  
 ماشینهای کشورهای مختلف صنعتی اروپائی و آمریکائی و ژاپنی در  
 آورده اند. تازه گفته میشود که روسها با خاطر استفاده اقتصادی دستگا  
 هها و ابزارهای زیاد تر و مجهزتری از آنچه خودشان در ساختمان کارخانه های  
 ذوب آهنشان بکار میبرند بایران صادر کرده اند.

در دوره ساختن در کارخانه ماشین جوش کاری روسی يك ماشین جوش  
 آلمانی یا انگلیسی و در کارخانه ماشین راه سازی و ساختمانى يك ماشین و  
 دستگاه مشابه آمریکائی و در کارخانه ابزار روسی جعبه آچار و ابزار آلمانی و  
 پنجم میخورد. در دوره بهره برداری در کارخانه ماشین آزمایش و تعیین  
 درصد ترکیبات فولاد که ساخت شوروی است نظیر همان ماشین رکن پیش  
 رفته ترا ما با قیمت سرسام آورتر ساخت سوئد خریداری شده و حال آنکه  
 برای کارخانه فوق العاده کوچک ذوب آهن و برای مردم محروم و  
 گرسنه وطن ما همان ماشین روسی از سرمان هم زیاد است (۱). اما

---

۱ - کشورهای توسعه نیافته ای نظیر هند کارخانه ۳ میلیون تنی جدید  
 خود را در "بوخارو" حتی بدون جرثقیلهای عظیم (وگزان قیچی که رژیم  
 ایران طبق قرارداد از روسها خریداری نموده) و تنها به نیروی انسانی و  
 با استفاده از جرثقیلهای دستی قطعات کوره بلند را در ارتفاعات زیاد نصب  
 و مونتاژ میکنند و حال آنکه ذوب آهن ایران بصورت نمایشگاه ماشینهای  
 سواری کشورهای مختلف درآمده و هر کس کوچکترین مسئولیتی دارد يك  
 ماشین سواری باراننده و بنزین ذوب آهن در اختیار دارند و روسای بالایک  
 جیب آسوی آمریکائی یا لندروور انگلیسی و کارشناسان ارشد روسی و عده ای  
 از روسای ایرانی ماشین آریای آمریکائی و روسای (بقیه در صفحه بعد)

در کارهای پیشین بکاره دزدی و چپاول وجود دارد باین خریدها اقدام  
گفته است .

آنچه که تاکنون گفتیم در مرحله خرید اجناس است مرحله بعدی دزدی  
بعد از خرید آغاز میشود . بنا به اذعان مقامات کارخانه و مشاهدات عینی محلی  
آن کسری ابزار و وسائل ، خریداری توارد کارخانه میشود و چند روز بعد دوباره  
از طریق دزدیهای متعدد به بازار اصفهان بر میگردد و دوباره فروخته میشود ،  
و این جریان دزدی بعدی است که گفته میشود از آن موقع که ساختمان  
نوب آهن شروع شده ابزار آلات و وسائل فی در بازار اصفهان فراوان  
و ایزان شده است و در این میان سرقت آچار آلات و لوازم الکتریکی  
گران قیمت از همه زیاد تر رایج تر بوده و هست . این دزدیها بوسیله  
مشولینی که با اینگونه وسائل سروکار داشته و از طریق ساختن فرمالیته ها  
در این انجام میکرد و دست آخر کارگرانی که از مشاهده این دزدی ها  
و تبعیضات و حتی کسبه با دزدی خویش پیدا کرده گسترش پیدا کند . برای نمونه ،  
جوشکاری که بدون دستکش و پیش بند و گش اینی دست و لباس و گشش  
بوسیله جرقه های شعله جوشکاری میسوزد و به نقاضاهایش در این مورد  
ترتیباً تنبیه دهند لطیفی است که برای تامین خسارت لباس و گشش هم  
که شده چند صد از سهمهای جوشکاری گران قیمت را کن برود . مسا  
بر فکری که بدون دستکش و گشش اینی هر لحظه در معرض خطر برق گرفتگی

---

بقیه باورنی از صفحه قبل - پائین تر در حد سرپرستان کارگاه ها و تسنبا  
و مشولین جزو هر کدام یک ویان فرانسوی باراننده و نیزین نوب آهن در  
اختیار دارند فقط تعداد اینها هم اکنون در حدود ۵۰۰ دستگاه است .

است ناچار میشود با کثرت رفتن وسائل برقی و فروش آنها خودش به تهیه  
وسائل و ابزار ایمنی اش بپردازد .

در اینجا لازم است علاوه بر بررسی های مبره یاد شده از طریق زد و بند  
بایبمانکاران بپردازد بهائی که در خرید لوازم و مصالح مورد نیاز کارخانه و چو  
دارد با اشکال دیگری از بررسی وسوسه استفاده مسئولین اشاره کنیم .

در جریان دوره ساختمانی، عده ای از رؤسای قسمتها با استفاده از کارگر  
ذوب آهن و حتی ماشین جوشکاری ذوب آهن در اصفهان برای خود  
خانه ساختند و باز عده ای از این قبیل افراد برای بالا بردن حقوق کارگران  
و استادکاران از آنها بطور تنگدستی یا بطور جنسی مثلا بازاره قالی های گران  
قیمت یا روغن حیوانی از دهاتی بدبخت رشوه دریافت می کردند و  
بمبارایش تخمیر شغل از کارگرساده بکارگرفتنی تقاضا میکردند . بهر حال اینها  
نمونه ای از زد و بیدار وسوسه استفاده هاست و اگر بزرگتریه موارد عینی و عملی  
بپرد ازیم، پیرونده سیاهکاری آنها هفتاد من کافند خواهد شد .

## آرشا شهر

منزل مسکونی کارکان ذوب آهن در محلی واقع در ۱۰ کیلومتری کارخانه ساخته شده است. موقعیت این محل طوری است که بوسیله کوه کم ارتفاعی از کارخانه جدا میشود و همین وضعیت خاص موجب میگردد که گازها و بخارهای کارخانه که حاوی مقادیری گردسنگ آهن و کک میباشد بوسیله بادهای محلی باین منطقه منتقل نگردد. البته در مقابل این امتیاز دارای یک نقص عمده است و آن اینکه بواسطه موقعیت جغرافیائی خاص شدیدا بادگیر بوده و علاوه بر آن از رودخانه زاینده رود و باغات اطراف دارای فاصله زیادی بوده و تمام اطراف آن را باغبان خشک و کیرمانندی احاطه کرده است.

این شهر که در ابتدا با تبلیغات زیاد بنام "شهر فولادسازان" و بعدها بنام "آرشا شهر" نامگذاری گردید میبایست همچون یک شهر نمونه و مدرن آنهم در کنار کارخانه ذوب آهن مورد بهره داری تبلیغاتی قرار گیرد. اما اکنون ظاهر و نمود خارجی این شهر و کیفیت داخلی منازل آن طور نیست که حتی یک معمار یا بنای بساز و فروشن اصفهانی به ترکیب زشت و نابل همگن آن در مقابل پوله‌های هنگفتی که صرف ساختمان های آن شده خنده تسخر آمیزی میکند.

عده ای تصور میکنند که طرح شهرسازی و منازل آرشا شهر نظیر طرح و ساختمان کارخانه ذوب آهن بوسیله روسها تهیه شده است. در صورتیکه روسها در طرح شهرسازی و ساختمان منازل آن هیچگونه دخالت اساسی نداشته اند. باین معنی که در ابتدا چند طرح مختلف شهرسازی برای منازل مسکونی

کارکنان پیشنهاد و ارائه نمودند اما بدلیل اختلاف شرایط جغرافیائی روسیه و ایران و همچنین به بهانه طرز زندگی خاص ایرانی که با اهالی روسیه اختلاف زیادی دارد مورد قبول اولیا امور قرار نگرفت و تصمیم گرفتند که با تغییراتی در طرح روسیه طرح جدید ویران نیزه شده ای برای شهر و منازل مختلف آن ابداع و تهیه نمایند و دنبال آن انجام این کار مهم به چند آرشیتکت نورچسکی و بسواد و آگه دار گردید .

آنمون که متجاوز از هزار دستگاه از این منازل و در واقع قسمت عمده شهر ساخته شده بوضوح میتوان ملاحظه نمود که نیت اصلی از ایرانی نیزه کردن طرح کوی نوب آهن در واقع ب منظور رعایت جنبه های امنیتی و ایجاد کنترل بیشتر بر زندگی خصوصی کارکنان نوب آهن در ساعات غیر اداری صورت گرفته است .  
 اشکالات عمده این طرح :

— پیاده کردن و اجرای سیستم طبقاتی : باین معنی که علاوه بر جدا کردن منطقه مسکونی روسها از سایر قسمتهای ایرانی نشین و جدا کردن حساب و کتاب آنها از تپه ساکنین کوی از قبیل رستوران ، سینما ، استخر سرورس رفت و آمد . . . تازه قسمتهای ایرانی نشین را بچند منطقه جداگانه تقسیم کرده اند بطوریکه طرح و نوع منازل هر منطقه با منطقه دیگر کاملاً متفاوت است . منطقه روسای طراز بالا حداقل چهار اطاقه با گنجایش زیاد و کلبه تسهیلات لازم و بصورت ویلایی و یک طبقه ساخته شده و بنام منازل B<sub>1</sub> و B<sub>2</sub> نامگذاری و تقسیم بندی شده است . منطقه مربوط به روسای پائین تر از حداقل دارای سه اطاق با گنجایش کافی و تسهیلات

لازم يك طبقه ساخته شده و شامل منازل تيب A<sub>1</sub> و A<sub>2</sub> بوده كه تازه  
 نوع A<sub>1</sub> مربوط به روسای مسئولین بالاتر و نوع A<sub>2</sub> مخصوص سرتو  
 روسای پائین تر است. كوی A<sub>3</sub> كه فاصله زیادی از منطقه قبلی  
 قرار گرفته مربوط به كارمندان و مهندسين است كه دارای مسئولیتهاي  
 مستهای پائین تر هستند. این منازل در طبقه ساخته شده و هر  
 طبقه در واقع دارای دو طبقه است كه با توجه به گنجایش این اطباء و  
 سایر تسهیلات و تعلقات آن تنها برای سکونت يك خانواده دوسه نفری  
 امکان پذیر است. از نظر تفكر و نقطه دید طراحان دست پرورده سیستم  
 طبقاتی امری که او را چنین پدیداست كه كارمندان درون پایه و كاركان سطح  
 پائین تر از حق داشتن تسهیلات زندگی و رفعت و آسودگی برای های  
 خانوادگی محروم خواهند بود. بهر حال این منازل را كه تازه بابت اجاره  
 آنها مبلغی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ تومان ماهیانه باید پرداخت نمود به علت  
 شرایط نامساعد آن ۴ بین ساکنین آنجا جای كوی A<sub>3</sub> بمحلله آسپا  
 ( آس و پاس ها) معروف شده است برخلاف خانه های نوع A<sub>1</sub> و A<sub>2</sub>  
 B<sub>1</sub> و B<sub>2</sub> كه بین منازل فاصله كافی وجود دارد خانه های این  
 منطقه خیلی نزدیک بهم و فشرده است.

در كارزار این كوی ساختمانهای دیگری در بلوك های چهار طبقه به شكل  
 لانه زنبوری ساخته شده كه مخصوص كارمندان متاهل درون پایه و  
 تكسین های متاهلی است كه دارای سمت و مسئولیت اجرائی هستند  
 این خانه ها كاملاً بدون در نظر گرفتن خصوصیات زندگی طبقات پائینتر  
 ساخته شده. برای نمونه مشخصه عمده ای كه در خانواده های

طبقات پایین تر بیشتر چشم میخورد و داشتن تعداد زیاد بچه است. که در ساختمان این بناها برای این طبقه هیچگونه تسهیلاتی در نظر گرفته نشده و این خود موجب سلب آسایش و آرامش خانواده های ساکنین آن گردیده است.

فشرده گی کلی شهر:

برای اینکه سطح زیرینای شهر گسترش پیدا نکند و کنترل بر محدود و و ورود و خروج ساکنین و افسردگی از جنبه امنیتی امکان پذیر باشد کوشش بعمل آمده که بدون سرنگرفتن فضای حیاتی کافی چه از نظر فضای سبز، محل بازی اطفال، مسائل بهداشتی و مسائل اخلاقی و... منازل بمقاصد خیلی نزدیک و فشرده بهم ساخته شود. و علاوه بر این باز خاطر فشرده گی زیاد تر سایر مناطق مربوط به روستا و مستعین ارضی سایر مناطق را در بلوکهای چهار طبقه و بیشتر ساخته اند باین حد هم قناعت نکرده و در آن بهایان بهر عوت منازل مجردی کارکنان را در ۱۲ بلوک ۱۲ طبقه ساخته اند.

امروزه حتی در ریاضتهای کشورهای پیشرفته صنعتی که سطح شهر محدود و قیمت زمینها بالا و مسئله مسکن شدید مطرح میباشد برای اینکه تمرکز جمعیت از حد معینی که لازمه مسائل بهداشتی و اخلاقی و آرامش محیط زندگی است کثرت ساختن آنها را مسکونی با طبقات زیاد اقدام میکنند.

باین ترتیب آشکار است که از تمام مسائل حیاتی و اساندهای امروز شهر سازی تنها خاطر مسئله امنیتی صرف نظر کرده اند و این نقطه نظر آنها بیشتر از اینجا آشکار میشود که منازل مجردی را که مورد استفاده کارکنان



جوان نوب آهن خواهد بود. فشرده تر یعنی در ساختمانهای ۲ طبقه ساخته اند که با کنترل آنها با گذاردن يك دربان و تعداد معدود ي انتظاماتی آسان تر و مطمئن تر باشد .

هم اکنون کمیّه نقاط این کوی بوسیله مامورین انتظاماتی، شبانه روز کنترل میشود . مطابق این اقدامات امنیتی از همان ایستگاه اتوبوس های آریاشهر و اصفهان مامورین انتظاماتی افراد را از روی کارت شناسائی کنترل و در بعضی موارد قیافه های نا آشنا و مشکوک را با دقت بیشتری از نظر کارت شناسائی و وسائلی که همراه دارند کنترل مینمایند . در این خیابان ورودی بنطقه آریاشهر يك پست کنترل انتظاماتی قرار دارد . ساختمان آریاشهر طوری است که هر منطقه دارای پارکینگ بوده و ساکنان منازل بجای پارک کردن اتومبیل در جلوی منازل باید در ایمن پارکینگ های منطقه ای اتومبیل خود را پارک نمایند . در هر يك از این پارکینگ ها پارک یاد و نفر ماموران انتظاماتی گماشته شده تا نقل و انتقال وسائل و ورود و خروج افراد را زیر نظر داشته باشند .

در فواصل منازل ساکنین، مامورین انتظاماتی شبانه روز دروخانه ها مشغول قدم زدن و گشت میباشند و چنین بنظر میرسد که موظف استراق سمع صحبتهاى ساکنین باشد از نوع راد یوی آنها ( خصوصاً در مواقعی که برنامه های فارسی راد یویند از علیه رژیم افشاگری مینمود ) میباشد . جالب اینجاست که علیرغم این کنترلها تاکنون به تعدادی از منازل ساکنین آریاشهر و منازل موقت ناحیه چمرگردان ( در کارروودخانه زاینده رود و مجاور کارخانه ) در شب و حتی روز روشن دستبرد زده شده و تمامی وسائل آنها بسرقت رفته است .

تسهیلات و خدمات شهری - کلیه احتیاجات عمومی ساکنین ، اعم  
از نانوایی ، فروشگاه مواد غذایی ( سوپرمارکت ) ، قضای نفت  
فروشی ، آرایشگاه ... توسط معاون امور اداری با افراد خاصی که  
رشوه های کلانی ب شخص ایشان پرداخته و در سود خود وی را شریک  
نموده اند و اگدا کرده است صاحبان این مغازه ها برای جبران رشوه های  
کلانی که پرداخته اند بابت گرمی مقامات بالای نوب آهن نرخیهای  
گزافی برای اجناس و خدمات خود تعیین کرده اند که با نرخهای شهر  
اصفهان تفاوت خیلی زیادی دارد و این وسیله ساکنین آرایشهر را  
می چابند .

برای سرگرم ساختن اهالی آرایشهر و واحد منازل موتنی ناحیه چمگردان  
با برنامه های مبتدل و تخدیر کننده ، تلویزیون ، از دستهای قابل به هزینه نوب  
آهن دستگاه تقویت کننده ای خریداری و آنتن های متعدد مربوط در  
مسیر اصفهان - کارخانه نوب آهن ، بر فراز کوه به نصب شده است .  
از وسایل سرگرم کننده ، دیگری که برای اوقات تفریح ساکنین ترتیب  
داده اند ساختن دو سینمای یکی در آرایشهر و دیگری در واحد است که  
چندان مورد استقبال اهالی قرار نگرفته و اغلب بازارشان خیلی کساد است  
و از سالن این سینماها بیشتر برای اجتماعات دستوری استفاده میشود .  
خانم شیانی ( شیانی رئیس کارخانه است ) انجمنی بنام انجمن  
بانوان آرایشهر و واحد تشکیل داده و گاه و بیگاه به نامیت جشنهای ضد  
انقلابی و فرمایشی از زنان اهالی آرایشهر و واحد برای شرکت در این  
مراسم یا جمع آوری کمک و اعانه برای موارد خاصی دعوت مینماید و در واقع  
وی خود را در مقام شهبانوی نوب آهن احساس کرده و اعمال وی بسا

الهام و نظید از اقدامات شهرداری نیکوکاران ایران ! صورت میگرد .  
 در مقابل هزینه های گزافی که برای ساختن باشگاههای قایقرانی  
 باشگاه سوارکاران ، کازینو در کنار اینده رود ، سینما و استخرهای  
 مختلط صرف شده است ، این شهر نمونه فاقد کما حقانه میباشد گویا  
 از نظر عمران شهر و پیرامون آن نوب آهن مطالعه کتاب جزو سرگرمیهای  
 ساعات فراغت از کار نمیشد . در آریا شهر شیر خوارگاهی برای نگهداری  
 اطفال ساکنین درست شده اما بابت نگهداری اطفال ، هر کساعت  
 باید یک تومان پرداخت نمود . با این حساب چنانچه تکسینهها مسا  
 کارمندان درون پایه در ساعات کار روزانه نوب آهن بخواهند فرزندشان  
 را به شیر خوارگاه بفرستند باید حداقل ده تومان یعنی حدود یک سوم  
 دستمزد روزانه خود را بپردازند .

تاکنون دو مدرسه ابتدائی در آریا شهر ساخته شده که یکی مخصوص  
 اطفال روسها و دیگری مخصوص بچه های ایرانی میباشد این دو مدرسه  
 با آنکه دیوارهای بیارهم ساخته شده طوری از هم جدا شده اند که در  
 ساعات تفریح هم اطفال روس با اطفال ایرانی تماسی نداشته  
 باشند .

شهریه مدرسه ابتدائی و دوره راهنمایی تحصیلی از شهریه مدارس  
 دولتی زیاد تر و در سطح شهریه مدارس خصوصی میباشد .  
 عملیات ساختمانی آریا شهر عموماً بوسیله شرکتهای مقاطعه کاری انجام  
 گرفته و مشابه کلیه کارهای پیمانکاری در ایران باقیمت های کلان  
 و کیفیت خیلی بد و زدیهای سرسام آور صورت گرفته است علاوه بر  
 ساختمانها و بناها بسیار تیکه نکرشد لازم است ساختمان هتل ده طبقه

آریا شهرنیز اشاره ننایم . این هتل ده طبقه با ساختنهای تواناسیات  
 متعلق بان دارای يك طرح اشرفی و هزینه سرسام آواراست و برای  
 اولین بار در اسفند ماه سال ۵۱ برای پذیرائی از ماهورین نظامی و  
 امنیتی که برای حفاظت جان شاه در مراسم افتتاح کارخانه آماده  
 بودند افتتاح گردید هم اکنون بجز تعداد معدودی از اطاقهای آن  
 که برای سکونت کارشناسان روسی اختصاص یافته قسمت عمده آن  
 برای سکونت ماهورین امنیتی که همراه شخصیتهای ملکی با مهمانان  
 خارجی از تهران بکارخانه میآیند در نظر گرفته شده است .

## تعمیم سیاست موازنه مثبت در صنعت نوب آهن

سیاست موازنه منفی در کرمصدق که مبتنی بر اساس کوتاه کردن دست همه بیگانگان از ایران بود پاکردتای امریکائی ۲۸ مرداد که برای نابودی همین سیاست اعمال شد، جایز و ابسیاست موازنه مثبت شاه/مزدور امریکاداد. ازان پس باحفظ اصل تسلط برترسیاسی و اقتصادی امریکا دست متحدان آن برخان گسترده کشورما بازگذاشته شد. متعاقب آن درصالحه جهانی و دوا بر قدرت، سهمی عم برای شوروی در نظر گرفته شد. چه اعطای این سهم کنترل شده، اجرای طرحهای امریکا را برای تعمیق تسلط خود در کشور ما، که بنحاطر شرایط حاکم روز در خطر بود تسهیل میکرد.

باین ترتیب قرارداد های چندی با شوروی امضاء شد. مهمترین مبادله گاز رازاء تاسیس نوب آهن بود که البته در این قرارداد قیمت گاز در روز ازدالت، بضر مردم قفقز و منفع شوروی تعیین گردید. باهمه اینها اگر طرح تاسیس نوب آهن بدرستی و بموقع پیاده میشد میتواندست از یک طرف افکار عمومی مردم را بشوروی متوجه کند و از طرف دیگر با گسترش حد نهائی تولید به ۴ میلیون تن، خود بخود بازار داخلی را بر برزی کشورها<sup>ی</sup> مسلط ببندد. باز شدن پای روسها در ایران، در عین حالیکه می باید بتأمین سیاست مورد نظر امریکاکمک میکرد، نمی باید منجر بسه مخاطرات آتی میشد. لذا از یک طرف انواع و سبب های مز و دران داخلی مانع از پیاده شدن بموقع طرح گردید و از طرف دیگر عدم توافق شوروی برای مغایه پایاپای، جلوی گسترش کارخانه را بسوی تولید حد اکثر گرفت (۱).

در این هنگام ناراضی شوروی از رژیم ایران بخوبی (بقیه در صفحه بعد)

بعلاوه برای اینکه سیاست موازنه مثبت و چچه در داخل و چچه در خارج طرح بسود بیگانگان غریب حفظ شود اقداماتی بشرح زیر بعمل آمد .  
 امتیاز تاسیس کارخانه نورد ورق بظرفیت یک میلیون تن در سال بسه سرمایه گذاران انگلیسی واگذار گردید . این کارخانه که برای تولید ورق آهن در جوار کارخانه فعلی تاسیس خواهد شد دارای ظرفیت . رحد صرف داخلی ورق آهن کشور در سال ۵۳ خواهد بود . مصرف داخلی ورق آهن در سال ۵۱ بمیزان ۸۰۰ هزار تن در سال بوده است .

طرح مدرنیزه کردن انبارهای ذوب آهن بکارشناسان و مشاورین فرانسوی واگذار گردید . این طرح بوسیله ۷ نفر مهندس و تکنسین فرانسوی - ۲ نفر مهندس و ۵ نفر تکنسین صورت میگیرد . شرکت ملی ذوب آهن برای انجام این طرح مبلغ گزافی معادل ۲۰ میلیون تومان پرداخت میکند . علاوه بر این تشکیلات مالی و حسابداری ذوب آهن بر اساس سیستمهای فرانسوی و کمک کارشناسان آنپاسخبر و اصلاح خواهد شد . برای اینکار تعدادی از کارمندان مالی و اداری ذوب آهن برای گذراندن دوره کارآموزی بفرانسه اعزام شدند .

بقیه پاورقی از صفحه قبل . بچشم میخورد و سردی روابط طرفین بخوبی مشهود بود بطوریکه افتتاح کارخانه ذوب آهن مدتها بعلت خودداری رهبران طرازا اول شوروی نظیر پروتف یا پادگورنی بمسافرت با ایران و عمر اشی با شاه در افتتاح کارخانه بعقب افتاد . تا اینکه سرانجام رژیم بحضرت کاسیگین که در سطح نخست وزیر است حاضر شد . از مدت هسا قبل از آن در کارخانه گفتگوهای درباره ترک ناکهانی کارشناسان روس شنیده میشد .

شبکه مخابراتی گمبه واحدهای نوب آهن بایک یگویی اداره مرکزی  
در تهران از آلمان غریب خریداری گردید. علاوه بر این با وجود آنکه  
از طرف روسها یک مرکز تلفن ۱۰۰۰ شماره ای در حد نیاز کارخانه  
طبق قرارداد تحویل و نصب شده بود، مراکز تلفن دیگری از جمله  
یک مرکز ۴۰۰ شماره ای برای کارخانه و برای سایر واحدهای تابعه  
نوب آهن از آلمان غریب خریداری شد.

اگر کارشناسان آمریکائی هنوز مستقیماً در کار روسها در کارخانه نوب آهن  
قرار نگرفته اند، جای تعجب نیست زیرا اولاً سهم خود را از بودجه  
کلان نوب آهن از طریق دریافت کرایه های کرافت ماشینهای حساب  
آی. بی. ام. که برای انجام هر کار جزئی بکار گرفته شده اند  
میرند، ثانیاً میدان فعالیت وسیعتری در این زمینه برای خود تدار  
پسندیده اند. صنعت نوب آهن رشته ای نبود که بتوان آنرا سرمایه  
گذاران دولتی در ایران واگذار کرد. مسافرتهای افرادی نظیر گلد. و  
ویازدید از کارخانه نوب آهن و اظهار تمایل سرمایه گذاری سرمایه  
گذاران آمریکائی در این رشته این واقعیت را نشان میداد. تا سر  
انجام با خبر تأسیس کارخانه نوب آهن گازی در اصفهان در با شرکت  
سرمایه گذاران آمریکائی برده هابالافت.

## هزینه کارخانه ذوب آهن

گشاد بازبها، ولخرجیه و فساد دستگاه اداری ذوب آهن منجر به بالا رفتن هزینه سرسام آور ذوب آهن گردید. غیر منطقی بودن هزینه حامدی بود که رژیم بناچار تا کون ازدادن هرگونه ارقام رسمی درباره هزینه ذوب آهن در مرحله اول خودداری کرده است. اما هزینه این مرحله با توجه با آنچه که جسسه و گریخته از طرف مقامات بالاتر در زکده رقمی در حدود بیست میلیارد تومان است. آنچه که در افواه درباره هزینه مرحله اول بیشتر شایع است، حداقل رقم ۱۰ میلیارد تومان است. ماهی برای بدست آوردن نزدیکترین رقم واقعی هزینه مرحله اول، با استفاده از آمار واقعی که جسسه و گریخته بوسیله روزنامه هافستتر شده و با از منابع موثق بدست آمده، و نیز با منی قراردادان ۱۰ میلیارد تومان بعنوان حداقل و بیست میلیارد تومان بعنوان حداکثر هزینه پایه یک محاسبه ساده بپرسی آن میگردانیم.

الف - هزینه خرید تجهیزات و مصالح کارخانه از شوروی

طبق قرارداد ایران و شوروی، ایران درازا، خرید تجهیزات کارخانه از شوروی متعهد شد برای مدت ۱۰ سال گاز شوروی صادر نماید. طبق بودجه سال ۱۳۵۳ درآمد دولت از فروش گاز ۴۵۰ میلیون تومان بوده است. با توجه با اینکه در حجم گاز صادراتی افزایش داده نشده است (۱) بنابراین بر مبنای درآمد دولت از فروش گاز در طول ده سال،



هزینه تجهیزاتی که از شوروی خریداری شده است بقرار زیر میآید .

ریال  $450,000,000 \times 10 = 4,500,000,000$  ۴,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰

البته در طول این چند سال ، دستگامها و لوازم یدکی اضافی کدر  
 قرار داد پیش بینی نشده بود از شوروی وارد شدند همچنین مصالح اضافی  
 دیگری نظیر آهن آلات و تخته ( که به علت سوء استفاده پیمانکاران و  
 مسئولین مقادیر زیادی کسری پیدا نمود ) دوباره از طرف دولت شوروی  
 تامین گردید . هزینه این اقلام بارز خارجی بدولت شوروی پرداخت  
 گردید . ما چون اطلاع دقیقی از ارقام این هزینه ها نداریم از آنها در  
 محاسبه صرف نظر میکنیم .

ب - پرداخت های سازمان برنامه بنوب آهن

طبق اطلاعات موثق ، از شروع عملیات ساختمانی نوب آهن در سال  
 ۴۶ تا اول سال ۵۰ سازمان برنامه مبلغی در حدود پنجاه و پنج  
 میلیارد ریال برای تامین هزینه های جاری و پرسنلی بنوب آهن پرداخت  
 است .

ج - هزینه سال ۵۱

باتوجه باوجه کارهای ساختمانی در سال ۵۱ یعنی سال تکمیل و آماده  
 ساختن کوره بلند - کارخانه کک سازی - آلگومراسیون جهت بهره  
 برداری و مراسم گشایش رسمی کارخانه در اسفند ۵۱ و همچنین اوج کارها  
 ساختمانی کارخانه نورد و کارخانه فولاد سازی میتوان گفت این سال بزرگ  
 هزینه ترین سالها بوده است و از آنجا که بارقام هزینه های پیش بینی شده

ذوب آهن در بودجه سال ۵۱ دسترسی نبود (در صورت دسترسی تازه این بودجه شاها و اقمیت خیلی فاصله دارند خصوصاً در مورد این قبیل پروژه ها که نه اداره کنندگان کارونه بودجه نویسان هیچکدام شعور و آگاهی بکیفیت و کمیت کار و هزینه آن ندارند و همیشه بودجه را از روی بودجه سال قبل با چند درصد اضافه مینویسند) لذا بناچار منظور یا قتن کترین هزینه مربوط به سال ۵۱ از رقم بودجه سال ۵۳ استفاده می گنیم. البته در اینجادر چاریک خطای نقصانی زیاد که خواهیم شد زیرا بودجه سال ۵۳ را بر این اساس نوشته اند که کارخانه مرحله ساختن راپشت سرگداشته و در دوره بهره برداری قاعدتاً هزینههای ندارد و باید خرج خود را تا همین نماید و لذا ابراتب از بودجه ۵۱ کتر است ولی مع الو ما بودجه سال ۵۱ را باندازه بودجه سال ۵۳ یعنی ۱۱۲۰۰ میلیون ریال در نظر میگیریم. در اواخر سال ۵۱ احتیاجات مالی ذوب آهن آنچنان بالا رفت که در مقابل امتناع بایی پولی سازمان برنامه تاجار مبلغ ۴۰۰ میلیون تومان از بانک مرکزی وام گرفت باین امید که بعداً از محل درآمد کارخانه در دوره بهره برداری پرداخت نماید. بنابراین با اضافه کردن این مبلغ بمبلغ یاد شده در بالا رقم زیر بدست میآید

۱۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰

بودجه سال ۵۱ بر مبنای بودجه سال ۵۳

۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

وام از بانک مرکزی

---

۱۳,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰

جمعاً ————— ریال

در سال ۵۲ عملیات ساختمانی مرحله اول بازم ادامه داشت و کارهای ساختمانی مربوط به کارخانه دولومیت و آهک و کارخانه قطعات پیش ساخته و ساختمان انبار محصولات کارخانه و انبار تجهیزات در دست اجرا بود. با وجود اخراج تعداد زیادی از کارگران، اما چون دستمزد آنها در مقابل سایر هزینه های ذوب آهن رقم ناچیزی را تشکیل میداد در میزان هزینه کمی تاثیر چندانی بوجود نیامد بطوریکه دست آخر از بودجه پیش بینی شده هم بمقدار زیادی تجاوز نمود از این رو بسیاری از خرید هارا، بعلمت نبودن اعتبار، بحساب بودجه و اعتبارات مرحله توسعه کارخانه گذاشتند.

در این سال بعلمت تمام شدن بودجه و نبودن اعتبار، اضافه کار کارگرانی که در ذوب آهن هنوز مشغول بودند جز در مورد عده بسیار کمی حذف گردید. اضافه کارتگسین ها و مهندسیین و کارمندان نیز بمقدار ناچیزی تقلیل یافت. اما با افزایش اهل حقوقی مهندسیین و کارمندان فنی و اداری عالیترتبه و مسئولین کل و جزء، تقلیل اضافه کار آنها را جبران نمودند بطوریکه دریافتی آنها از مجموع حقوق و مزایای اولیه شان به مراتب زیادتر شد.

بنابراین بودجه پیش بینی شده سال ۵۲ قبل از وقت با تمام رسید و مقدار زیادی هم بآن اضافه کردند. لذا اگر بودجه سال ۵۲ را حداقل باندازه بودجه سال ۵۳ بگیریم و از مقدار بیهنگفتی که بآن در جریان سال اضافه شد صرف نظر کنیم بارقام فوق رقم ۱۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ بابت هزینه

سال ۵۲ اضافه میشود. حال باجمع این هزینه های حداقل و صرف نظر از هزینه هائی که از رقم دقیق آنتهای اعلامیه و همچنین باصرف نظر از ردیهای و هزینه های ببری برقی دست خواهیم یافت که ما را در تصور حداقل هزینه ای که در سافتات نوب آهن به شماره فای یاری خواهد نمود:

درآمد گاز در طول ۱۰ سال که برای خرید تجهیزات بشوروی پرداخت شده

است ۴۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

کک سازمان برنامه از سال ۴۶ تا ۵۰ بدون آهن ۵۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

بودجه سال ۵۱ (بر مبنای بودجه سال ۵۳) و وام بانک مرکزی ۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

بودجه سال ۵۲ (بر مبنای بودجه سال ۵۳) ۱۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

جمع برآورد ۱۲۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

اکنون با توجه به رقم حداقل فوق میتوانیم در مورد آنچه که درباره هزینه کارخانه جسته و گریخته شنیده میشود قضاوت نمائیم: بر اساس رقم فوق ملاحظه میشود که حد اکثر بودجه ظاهری به مراتب از ۱۰ میلیارد تومان زیادتر و هزینه حقیقی برقم ۲۰ میلیارد تومان نزدیک تر و چه بسا از آنهم زیادتر باشد و درست بهمین دلیل است که در مورد ارقام هزینه نوب آهن با نهایت کوشش و تدبیر ابرده پوشی میشود. چه اعلام هزینه واقعی خود سند قاطعی بر فساد و ضعف رژیم در کوچکترین پروژه عمرانی و صنعتی و کوس رسوائی وی خواهد بود.

حال برای اینکه تصویری از هزینه سرسام آور نوب آهن و شدت فساد

سازمانهای رژیم بدست آلمن بد نیست هزینه و ظرفیت کارخانه نوب آهن را با هزینه و ظرفیت ساختمان يك کارخانه نوب آهن در يك کشور در حال توسعه با شرایط نسبتاً مشابه با ایران مقایسه کنیم . بر این اساس کارخانه نوب آهن حلوان در صورتی که در زمان ناصریه وسیله شورویها ساخته شده است و از لحاظ نوع دستگاهها و کوره سازنده و همچنین مسائل و مشکلات از جنبه عقب ماندگی و عدم دسترسی به کادر فنی و فزیده و از این قبیل ، تا حدودی یکسان با شرایط ما است بعنوان مبنای مقایسه انتخاب میکنیم .

کارخانه نوب آهن حلوان که در حدود ۱۰۰ کیلومتر از قاهره ساخته شده دارای ظرفیتی معادل  $1/5$  میلیون تن فولاد در سال بوده و کلاً ۱ میلیارد دلار هزینه برداشته است . کارخانه نوب آهن آریا مهر با ظرفیتی معادل  $7/6$  میلیون تن حداقل ۱۳ میلیارد تومان و به عبارت دیگر حداقل ۲ میلیارد دلار تمام شده است . به عبارت دیگر کارخانه نوب آهن ایران که  $2/5$  مرتبه از کارخانه نوب آهن حلوان کوچکتر است حداقل ۲ برابر آن خرج برداشته است یعنی در واقع نوب آهن ایران ۵ برابر نوب آهن حلوان گرانتر تمام شده است .

در جواب این سؤال که چرا با تشابه و یکسانی تقریبی شرایط دو کشور که در آن طرح نوب آهن پیاده شده این قدر در عمل اختلاف فاحش هزینه بوجود آمده است ، باید گفت که با تمام تشابه شرایط اقتصادی و صنعتی ، تشابه يك اختلاف خیلی برجسته بین مصرف و ایران آریا مهر وجود دارد و آن اختلاف ماهیت حکومت ناصر و رژیم شاه است . با وجود

آنکه رژیم ناصراز خصوصیات يك حكومت انقلابی برخوردار نبود اما در نقش يك تحكومت ملی و مستقظ علمیرغم نقاط ضعف و مشکلات اجتناب ناپذیر اجتماعی و اقتصادی در مقام مقایسه با رژیمهای گسست نشانده ای نظیر ایران، از کارائی و توانائی فوق العاده زیادی برای انجام برنامه های عمرانی و صنعتی برخوردار بود. رژیمهای دست نشانده مزدور وابسته به بیگانه و فاسد هرگز قادر بر اصلاحات و اقدامات رفهرمستی حكومتهای ملی نخواهند بود (۱). پروژه های صنعتی اینگونه رژیمها برای این پمیدان سیاید که درهای چپاول و غارت گری را بران بیگانگان و فساد و دزدی را

۱ - حكومت خلقی چین که از نظر میزان تولید آهن و فولاد در زمان تاسیس حكومت انقلابی تقریباً صفر بود در ظرفی کستراز ۲ سال علی رغم عقب ماندگیهای اجتماعی و فرهنگی و صنعتی و نیز با علمیرغم کارشکنی روسها از ادامه همکاری صنعتی و فنی با آنها موفق گردید در پایان دهه ۲۰ میزان تولید فولاد خود را بده میلیون تن برساند. قرار است در ظرفی ده سال آینده میزان تولید فولاد را به ۴ میلیون تن برسانند که در صورت موفقیت به بزرگترین رقم سیرعت پیشرفت صنایع آهن و فولاد در دنیا دست خواهند یافت.

حكومت انقلابی خلق ویتنام ( شمالی ) در زیر بمبارانهای هوایی شدید آمریکا ساختمان زوب آهن ۴۵۰ هزار تنی خود را در سالهای اخیر به پایان رساند. غالب اینکه علمیرغم عقب افتادگیهای صنعتی، کارخانه ای را که از شورویها خریداری نموده اند خودشان نصب کردند و بسیاری از قسمتهایش را در داخل ساختمانیه نمودند.

برای مزدوران داخلی آنها بازگشت تا باینجا فرستاده چون زالوخون  
 طنهارا بکنند و در غارتگری و چپاول بوقایت بپردازند. در ایران این امر  
 تاکنون نه تنها در مورد زوب آهن بلکه در باره همه پروژه های کوچکتری  
 نظیر تروشیمی شاهچراغ که با قرار خود شاه هزینه آن سه برابر از آنچه  
 قبلا پیش بینی شده بود زیاد تر گردید ( تجربه شده است. مهندس  
 در مورد زوب آهن بعلمت بزرگترین کاروبار عرضه کرد و فساد اداره کنندگان  
 بیشتر جلوه کرد و در نتیجه رکورد های جدیدتری در فساد و غارت و  
 چپاول گری بیت المال بدست آمد.

بالتک شاه مسئولین سازمان برنامه دستور داده بود که هرچه پول  
 برای ساختمان زوب آهن و اتمام آن لازم است در اختیار مسئولین  
 آن قرار دهند، اما در سالهای اخیر آنچنان هزینه بالا رفته بود که اصولا  
 تصورش را نمیکردند و مسئولین سازمان برنامه موافقت شاه و برای اعمال  
 کنترل و بازرسی در مورد چگونگی اینگونه هزینه ها جلب نمودند و چندین بار  
 متصدیان سازمان برنامه برای کنترل و نظارت در مورد مخارج بکارخانه  
 آمدند. حتی برای گامتن شدت سوء استفاده بناچار شخصی را که  
 تاکنون سابقه امانت داری و یاکی در امور مالی و در دستگاههای دولتی  
 داشت بمقام معاونت مالی کارخانه تعیین کردند اما اینگونه افراد به  
 شرط پاک بودن اساسا چه تاثیر می توانند داشته باشند؟ آیا میتوانند از  
 تصویب مخارج مثلا جنشهای ۲۵۰۰ ساله که زوب آهن یک قطعه بود  
 طمئن تومان فقط برای تزئین میدان دروازه شیراز اصفهان ( که اخیرا  
 بنام میدان دکتر اقبال نامگذاری شده است ) و ایجاد دستگاه

نور و صد اصراف نمود، خودداری نمایند؟ آیا میتوانند جلوی مخارج سرسام  
 آوردیگری را که بنام همین جشن در داخل کارخانه وسایر میدانهای  
 اصفهان بیغمارفت بگیرند؟ آیا میتوانند در مقابل پیشنهادات نطق گویان  
 و چاکران، از صرف بودجه ها که هنگامت در عظیم جلوه دادن مراسم و  
 تشریفات افتتاح کارخانه خودداری کنند؟ از ساختن جایگاه آئینه کاری  
 شده سلطنتی، جایگاه آئینه کاری شده میهمانان، ساختن صندلیهای  
 مرصع سلطنتی، از خرید سرورسهای پذیرائی سلطنتی و... جلوگیری کنند؟  
 البته هرگز. تنها کاری که میتوانند انجام دهند اینست که امضای تان را در  
 پای این چپاولگری ها بگذارند. و آنها را تائید کنند و در محافل محرم  
 در دلد کنند که مجبور بوده اند.

آنچه تاکنون گفته شد بیشتر در مورد وضعیت و هزینه های دوره ساختمانسی  
 بود. اما مسئله ای که اکنون مطرح است اینست که آیا با این هزینه سنگین  
 محصولات این کارخانه قادر بر رفع احتیاجات کشور میباشند یا نه و آیا ایستادن  
 کارخانه میتواند هزینه سنگین تمام شده را با سود و بهره دهی خود جبران  
 نماید؟ اکنون مختصراً بررسی جواب این سئوالات میرد ازیم.

مقارن با جشن اولین سال کرد بهره برداری از نوب آهن، اسفند ماه ۵۲  
 روزنامه های رژیم نوشتند: \* اسال نوب آهن در شرایطی جشن خود را  
 برپا میدارد که ۲۷۰۰۰ تن محصولات کارخانه به بازار عرضه شده است \*  
 چند روز قبل از این تاریخ در روزنامه اطلاعات (۱) ضمن درج خبر ملاقات و



که وشکایت تجار آهن با اکثر شیانی مدیرعامل ذوب آهن چنین نوشت:

«پاینگه مدیرعامل ذوب آهن از ذکرمیزان آهن آلات تولید و انبار شده خودداری نمود اما از ضمن و فحوائی کلام ایشان چنین استنباط شد که ذوب آهن تاکنون ۱۰۵۰۰۰ تن آهن تولید و انبار کرده است. ضمناً یکی از تارهایتی تجار آهن این بود که ذوب آهن از اعلام میزان تولید و موجودی انبارهای خود امتناع و خودداری مینماید. همین امر تجار مزبور را نسبت بنامین کمبود آهن صرفی کشور از خارج دچار مشکل نموده است. ارقام فوق نشان میدهد که در سال ۵۲ که کارخانه تماماً مشغول بهره برداری بوده از ۶۰۰۰۰۰ تن ظرفیت ۱۰۵۰۰۰ تن محصول یمنسی  $\frac{1}{4}$  ظرفیت خود تولید نموده است. با اطلاعی که گردانندگان اصلی کارخانه از عدم لیاقت و شایستگی خود دارند بخواهی میدانند که تولید کارخانه هیچگاه بمیزان ظرفیت حقیقی خود نخواهد رسید. لذا با خود داری از ذکرمیزان تولید میکوشند از رسوائی بیشتر خود در افکار مردم جلوگیری کنند ضمناً برلی اینکه بی نظمی در تولیدات کارخانه بلافاصله و مستقیماً در بازار آهن و انتظار مردم اثر نکند ارد تصمیم گرفتند بمقدار نسبتاً زیاد و کافی از تولیدات در کارخانه ذخیره کنند و خرید خرد از آن بی بازار صادر نمایند تا اگر روزی بحالت عدم لیاقت مسئولین یا خشم کارگران، کارخانه ذوب آهن خوابید تاثیر شدیدی در بازار و افکار عمومی نگذارد و بتوانند از محل موجودی انبارتد رجا احتیاجات بازار را مرتفع نمایند. روزنامه اطلاعات (۱۹ اسفند ۵۲) از قول وزارت اقتصاد گزارش میدهد که صرف فولاد <sup>خالی</sup> در سال ۵۲ بیش از ۲ میلیون تن بوده است. کارخانه ذوب آهن در

سال ۵۲ فقط ۱۰۵,۰۰۰ تن تولید کرده است و بنا بر ادعای مدیر عامل  
در سال ۵۳ میزان تولید کارخانه به ۴۵۰,۰۰۰ تن خواهد رسید. گو  
اینکه با وضعیت و شرایط موجود کارگاههای نورد و فولادسازی بهمیچوجه  
قادر نخواهند بود به بیش از نصف میزان مورد ادعا تولید نمایند و میزان مصرف  
آهن آلات ساختمانی با توجه به رشد مصرف در سالهای اخیر از ۲ میلیون  
تن هم تجاوز خواهد کرد ولی با مینا قرارداد ان ارقام مورد ادعای مسئولین  
امروز زمانه های رژیم بوضوح در میابیم که میزان محصولات نوب آهن  
۱- احتیاجات داخلی است. تازه این احتیاجات تنها در مورد آهن  
آلات ساختمانی است و از میزان آهن و فولادی که هر سال بصورت ماشین  
آلات و دستکاههای قابل ساخت در ایران وارد میشود صرف نظر کرده ایم (۱).  
باید بانهائی که تصور میکردند با داشتن نوب آهن همه چیز در ایران  
خواهیم ساخت، باردیگر خاطرنشان ساخت که این آرزوی ملی مانسد  
تمام آرزوهای مردمی و انسانی دیگر خلق ماتهدار و گروانقلاب است.

---

۱ - شایان توجه است که در مورد کارخانه نورد اهواز که منافع آن مستقما  
بجیب سرمایه داران خارجی ( امریکائی و آلمانی ) و سرمایه داران  
داخلی ( دربار و وابستگان پدربار ) عزیزه ظرفیت ۱۵۰ هزار تن اولیه  
در ظرف کمتر از سه سال قریب به یک میلیون تن افزایش یافته است .  
ضمنا اداره کنندگان کارخانه نورد اهواز شدیداً مخالف کارخانه نوب آهن  
آریامهر بوده و هیچگونه همکاری و رابطه ای بین آنها وجود ندارد و در مقابل  
تقاضای سرکارشناسان شوروی بپایزید از کارخانه نورد اهواز قاطعانه جواب  
منفی داده اند .

در جواب این سؤال که آیا این کارخانه سودآور است یا نه سایر موسسات  
 و کارخانجات رژیم ضرر خواهد داد باید بارقام داده شده زیر از طرف صنوبر  
 امور توجه کرد: بنا بر رقم ۱۱۲۰۰ میلیون ریال که در بودجه سال ۵۳  
 برای نوب آهن منظور شده و با استناد رقم درآمد ۹۶۶۵ میلیون ریالی  
 که مدیرعامل نوب آهن بر اساس تولید حد اکثر برای سال ۵۳ ادعا  
 نموده است، از هم اکنون ضروری معادل ۱۷۳۵ میلیون ریال برای  
 کارخانه در سال ۵۳ پیش بینی شده است. از آنجا که همیشه میزان  
 هزینه در عمل از بودجه پیش بینی شده به مراتب زیاد تر است و درآمد مورد ادعای  
 مدیرعامل بر اساس تولید حد اکثر (۴۵۰ هزار تن فولاد و ۱۵۰ هزار تن  
 چدن) غیر عملی است و حتی تا چند سال دیگر هم قادر بر تولید حد اکثر  
 نمیباشند لذا میزان ضرر عملاً از مقدار فوق خیلی زیاد تر خواهد بود.

گذشته از این، زیان دیگری که نوب آهن با وضعیت و شرایط فعلی  
 برای اقتصاد عمومی دارد تورم زیاد پرسنل آنست که تعداد زیادی از  
 آنها با توصیه سفارشات و رشوه یا وابستگیهای هزار فامیلی کرده اند. این  
 بدون شك چپاول گریها و کشاده بازیها و ولخرجیهای گزاف مسئولین امر،  
 نوب آهن را همچنان بصورت کانون تورمی حفظ خواهد کرد. دلیل  
 واضح و ساده این امر اینست که نوب آهن کونی در حکم يك واحد  
 اقتصادی است که کم تولید میکند و زیاد خرج و مصرف مینماید. اگر عامل  
 اول، کسی تولید را بتوان با بالا بردن ظرفیت و میزان تولید بر طرف کرد  
 عامل دوم، تورم پرسنل اضافی را که خود ناشی از ماهیت فاسد  
 رژیم حاکم است نه تبهانمیتوان کاهش داد بلکه روز بروز میزان آن افزوده

خواهد شد و همانطوریکه گفته شد ذوب آهن مثل هر مؤسسه اقتصادی دیگر رژیم، خوان بختها برای سرمایه داران بیگانه و نوری چشمهای هزار فامیل داخلی و وسیله راضی کردن قشر تحصیل کرده و دانشگاه دیده است و آنچه در این میان مورد نظر نیست بی نیاز کردن کشور و ورود محصولات و فرآورده های آهنی و بازدهی اقتصادی کارخانه است.

چه انتظار بیشتری از این کارخانه میتوان داشت در حالیکه مدیرعاملش پسر حبیب اله خان کودتاچی و معارین مدیرعاملش آقای نجم پسر نجم الطلک خاکن (۱) و اداره کنندگان امور فنی اش امثال موسی نسل آمریکائی و کارخانه اش روسی و انبارها و امور مالی اش فرانسوی و ماشینهای حسابش آمریکائی و کارخانه نوردهش انگلیسی است.

۱ - پس از اعلام خود مختاری آذربایجان و کردستان در سال ۱۳۲۴ و خودداری شوروی از تخلیه مناطق اشغالی خود در ایران، وزرای امور خارجه متفقین در مسکو کفرانسی برای حل این مشکل تشکیل دادند. ارنست بونین، وزیر امور خارجه انگلستان، طرحی بکفرانست تقدیم کرد که با اجرای آن بقول خود او مسئله ایران و شافع هم پیمانانش برای همیشه حل میشد. مطابق این طرح ایران بقسمتهای مختلفی بر حسب طبیعتها، زبان و مذهب تجزیه میشد و هر قسمت از آنرا یکی از سه کشور آمریکا، انگلستان و شوروی تحت نفوذ میکردند. در این هنگام کابینه ابراهیم حکیم (حکیم الطلک) برای آماده کردن زمینه قبول طرح روی کار آمده بود. نجم الطلک، به عنوان وزیر امور خارجه آخرین قدرت خود را برای اجرای این خیانت بکار برد و اگر نفوذ و بیداری دکتر صدق نبی بود این سر سپردگان ایران را پناهدی میکشاندند.

[www.iran-archive.com](http://www.iran-archive.com)

تاریخ گزارش زمستان سال ۱۳۴۸

مقدمه

گزارش زیر نتیجه یک تحقیق عجولانه و تقریباً سطحی است. زیرا فرصت و امکانات کافی برای تهیه گزارش جامع تری در دست نبوده است. معذرت آنجا که مقصود بوده سعی شده است تا مطالب لازم و کلی در گزارش آورده شود. از خوانندگان می‌خواهیم که با استفاده از منابع دیگر، نظیر نشریات رسمی وزارت اصلاحات ارضی و وزارت تعاون و امور روستاها و آمارها و ارقامی که در روزنامه‌ها انتشار می‌یابد و تناقضاتی که از لابلای این آمارها بدست می‌آید به آگاهی خود در زمینه این نوع شرکتها بیفزایند تا بهتر بتوانند بنگه واقعیت این سیاست جدید ضد انگیزه ای مردم ارتجاسی و ضد خلقی بی ببرند.

تاریخچه شرکت

وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی در تاریخ ۱/۹/۴۶ لایحه قانونی تشکیل شرکتهای سهامی زراعی را تنظیم و برای بررسی و تصویب تقدیم مجلس شورای ملی نمود. این قانون پس از تصویب مجلسین در تاریخ ۱۹ بهمن ماه ۴۶ بمنظور اجرا به وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی ابلاغ گردید و متعاقباً اساسنامه قانونی شرکتهای سهامی زراعی نیز در تاریخ ۳۰ اسفند ماه ۴۶ مورد تصویب هیئت دولت قرار گرفت و جهت

اجرا بوزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی ابلاغ گردید .  
 هدف از تشکیل شرکتهای سهامی زراعی

هدف عمده از تشکیل شرکتهای سهامی زراعی عبارتست از فراهم نمودن  
 موجبات افزایش درآمد سرانه کشاورزان بوسیله اقدامات زیر:

۱ - فراهم کردن امکانات همه جانبه برای بکار بردن ماشین آلات  
 کشاورزی در امر تولید محصولات کشاورزی .

۲ - آشناساختن زارعین با اصول و شیوه های جدید کشاورزی .

۳ - استفاده از جبهه اکثر نیروی انسانی موجود در روستاها در قطعه‌های  
 کشاورزی و صنعتی مملکت .

۴ - افزایش میزان سطح زیر کشت کشور با استفاده از اراضی بایر و مراتع  
 و سلوب المنعمه .

۵ - جلوگیری از خورد شدن زمین بقطعات کوچک غیر اقتصادی در اثر  
 تقسیم زمینهایس از اصلاحات ارضی و همچنین پس از فوت زارعین .

وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی در اجرای این قانون و اساساً  
 مضمون آن و برای تحقق بخشیدن به هدفهای مورد نظر از تشکیل شرکتهای  
 سهامی زراعی، اولین شرکت سهامی زراعی ایران را در منطقه شمس آباد  
 فارس و نزدیکی تخت پشید در تاریخ ۲۲/۲/۴۷ تشکیل داد و شرکت مزبور  
 را بنام شرکت سهامی زراعی آریامهر نامگذاری نمود .

وضع جمعیت در منطقه

۱۵۰ خانوار در منطقه ای که شرکت سهامی در آن ایجاد شد زندگی می‌کردند .

۱ شمس آباد شامل قراهِ شمس آباد - علی آباد و مزرعه شرف آباد میباشد .

- جمعیت گی آنباد رحدود ۸۶۲ نفر بود ( ۴۲۷ نفر مرد و ۴۳۵ نفر زن )
- از این ۱۵۰ خانوار ۸۰ خانوار صاحب نسلی بودند که پس از اصلاحات ارضی صاحب زمین شدند . ۷۰ خانوار بقیه خوش نشین هستند . شرکت سهامی زرایی آریامهر دارای ۸۰ نفر سهامدار است که از همان زارعینی که پس از اصلاحات ارضی بآنها زمین رسیده تشکیل یافته است .

### شهر آریامهر

شرکت در منطقه عملیات خود دست با ایجاد تعدادی ساختمان زد و عملیات ساختمانی آنرا در تاریخ ۲۰/۶/۴۷ شروع کرد . این ساختمان عبارتند از:

- ۱ - ۸۰ دستگاه خانه مسکونی برای سکونت سهامداران .
- ۲ - ۲ دستگاه مدرسه .
- ۳ - دو دستگاه حمام .
- ۴ - یک درمانگاه .
- ۵ - یک مسجد .
- ۶ - یک خانه فرهنگ روستائی و مهد کودک .
- ۷ - چهار دستگاه خانه مسکونی جهت سکونت کارمندان مسئول وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی .
- ۸ - دفتر کار هیئت مدیره شرکت .
- ۹ - خانه جهت سکونت سهامیان ترویج وآبادانی .
- ۱۰ - کارگاه صنایع دستی .
- ۱۱ - اصطبل



۱۲ - تعمیرگاه .

۱۳ - انبار برای نگهداری محصولات کشاورزی شرکت .

مساحت زمینهای زیرینا ۹۰۰۰ متر است و ساختمانها تماما بهسبك ساختمانها شهری و بابلوكهای سیمانی ساخته شده است . این ساختمانها شهر آریانه شهر را بوجود آورده .  
بودجه این ساختمانها

اعتبار ساختمانهای ردیف ۱ تا ۶ از محل اعتبارات واگذاری وزارت آبادی و مسکن و اعتبارات ساختمانهای ردیف ۷ تا ۱۲ با اضافه اعتبارات مورد نیاز برای ساختمانهای شبکه آبرسانی و محوطه سازی و تامین برق مورد نیاز که بالغ بر ۱۱,۹۶۶,۰۰۰ ریال است از محل اعتبارات تشکیل شرکتهای سهامی زراعی و وسیله وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی تامین گردیده است . تا پانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۸ یعنی در حدود يك سال پس از تشکیل شرکت حدود ۶ ماه پس از آغاز عملیات ساختمانی در حدود ۱۶/۲۱۵/۸۱۸ ریال اعتبار بصورت كك بلاعوض دریافت کرده است. این اعتبار مصرفهای زیر رسیده است :

۱ - هزینه های ساختمانی

۲ - حفرچاه عمیق

۳ - خرید وسائط نظيه

۴ - مزایای کارکنان شرکت

و خرید ماشینهای کشاورزی زیر :

۱ - الكرومپ . دستگاه

- ۲ - تراکتور ۵ دستگاه
- ۳ - گاواهن (چغین) ۳ دستگاه
- ۴ - میک (۲۵-۲۸-۳۱۶ پره) ۳ دستگاه
- ۵ - ماله ۱ دستگاه
- ۶ - مرکزس ۱ دستگاه
- ۷ - نهروش ۱ دستگاه
- ۸ - تریلر و چن ۱ دستگاه
- ۹ - صیاقس البتری ۵ دستگاه
- ۱۰ - جیب و باغ ۲ دستگاه
- ۱۱ - کامیون بنزه تن ۱ دستگاه
- ۱۲ - بندریاش ۱ دستگاه
- ۱۳ - کامیون ۱ دستگاه
- ۱۴ - کولتیواتور (۱) ۱ دستگاه
- ۱۵ - موتورسیکلت ۲ دستگاه

علاوه بر این شرکت واس مبلغ ۱۱۶/۵۰۳/۱۱۶۹ ریال بحدت ۵ سال و ۵ بهره ۴٪ از وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی منظورگت محصول و پرداخت کسری بهاء ماشین آلات دریافت کرد.

۸ نفر کارمند دولتی در شرکت شرح زیر مشغول کار هستند:

۱ نفر مهندس کشاورزی ( )  
 ۱ نفر کارشناس دامپروری

۱ - کولتیواتور دستگاهی است برای کندن علفهای هرزه و قی که محصول روزمین است و بیشتر برای محصول چغندر و امثال آن بکار میرود.

۲ نفر	کارشناس کشاورزی
۲ نفر	حسابدار
۸ نفر	سپاهیان ترویج و آبادانی
۴ نفر	کارشناس رشته های مختلف کشاورزی

جمع ۱۸ نفر

حقوق این افراد بجز سپاهیان ترویج و آبادانی از طرف سازمان اصلاحات ارضی و تعاون روستائی پرداخت میشود.

هیئت مدیره شرکت سهامی زرایی آریامهر شامل افراد زیر است.

۱ - مدیر عامل یکقره مهدیس کشاورزی

۲ - افسر سپاهی ترویج

۳ - معلم سپاهی دانش یا مدیر مدرسه

۴ - چهار نفر از خود روستائیان. این چهار نفر روستائیان سهامداران زمین خوان

انتخاب میکنند. هیئت مدیره هر یک از زده روز یکبار جلسه دارد.

وضع زمینهای زراعتی حوزه عمل شرکت :

۹۵/۵۵۲۰ هکتار

اراضی قرا و آبادیهای داخل محدوده

۱/۰۳۸۴

اراضی باغات

۱۰/۳۸۴۰

اراضی تپه ماهور

۲۷۴/۹۹۸۳

اراضی بایر

۱۳۷۰/۸۹۴۳

اراضی منروی

۱۷۲۰/۸۷۲۰ هکتار

جسجم کل مساحت اراضی حوزه عمل شرکت

وضع زراعت حوزه عمل شرکت، قبل و بعد از تشکیل شرکت :

سطح زیرکت قبل از تشکیل شرکت بعد از تشکیل شرکت (سال زراعی ۴۸-۴۷)

گند م (زراعت آبی)	۱۲۰ هکتار	۴۰۰ هکتار
جو (زراعت دیم)	۱۰۰	۵۰
چغندر رفته	۸۰	۱۵۰
خشخاش	—	۲۵
پونجه	—	۱۰
باغ میوه	—	۵
پارک جنگلی	—	۵
جمع	۳۵۰ هکتار	۶۴۵ هکتار

وضع کت در سالهای ۴۸ و ۴۹

سطح زیرکت	هکتار
گند م و جو	۵۰۰
چغندر رفته	۱۵۰
خشخاش	۲۵
پونجه	۱۰
آزمایش دانه های روغن	۱
باغ میوه	۵
پارک جنگلی	۵
جمع	۶۹۶ هکتار

- شرکت زراعی ۲۳۰ را من گوسفند میباشد .
- این بود مختصری از وضع ظاهری شرکت سهامی زراعی آریامهر . اکنون  
 بشرح تفصیلی وضع آن من پردازم .
- آنچه که در ضمن درباره " هدف از تشکیل شرکتهای سهامی زراعی " آمد  
 چنانست که رژیم ادعای آزاد اردوئی حقیقت چیز دیگری است .  
 هدفهای واقعی رژیم از ایجاد اینگونه شرکتهای مخصوصاً اولین آنها یعنی  
 شرکت سهامی زراعی آریامهر قرارزیراست :
- ۱ - تعدیل شکست برنامه اصلاحات ارضی ( رجوع شود به کتاب روستا و انقلاب سفید )  
 با موضوع گیری جدید برای کنترل دهات .
  - ۲ - یک عمل ضد انگیزه ای از نظر داخلی و ایجاد یک نمایشگاه بین المللی  
 در جوار آریامهری تخت جمشید .
  - ۳ - یک اقدام جدید در زمینه تبلیغات بین المللی برای رژیم و وجود آوردن  
 الگویی برای کشورهای عقب مانده .

## شهر آریامهر

گفته شد که یکی از هدفهای رژیم برای ایجاد اینگونه شرکتهای جنبه تبلیغاتی  
 و نمایشی آنست . باین خاطر بود که سازمان اصلاحات ارضی و تعاون روستا  
 دست به ایجاد یک شهر نمونه روستائی زد زیرا اگر شرکت سهامی در خود قریه  
 شخص آباد و در جوارخانه های گی ایجاد شده بود بیک خاصیت نمایشی خود  
 و از دست میداد و رژیم نمیتوانست از آن استفاده کند بگر . نخست وزیر نمیتوانست

آنها افتتاح کند . رئیس دانشگاه هاروارد رئیس تمام دانشگاههای بین الطلی و  
 امثال اینها را برای بازدید به آنجا برد و آقای مهندس ریاضی رئیس مجلس شورای  
 ملی از بدین آن احساس غروری آنچنان دست نمیداد . ایجاد شرکت در این  
 منطقه کاملاً حساب شده بود . شهر آریامهر ساخت چشمید و کلبه پتروفاسله دارد  
 و سادگی میشود میهناتان خارجی که برای بازدید تخت چشمید میآیند سرفی هم  
 شرکت سهامی زرعی آریامهر زنند و از نتیجه اقدامات انقلابی روستایی دیدن  
 کنند . همچنین بازدید از آن برای توریستهای خارجی بسیار گرانگن پذیرفته  
 نکتهد یگر اینکه جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران در تخت چشمید برگزار  
 میشود و رژیم از این نزدیکی شرکت سهامی با محل برگزاری جشن استفاده کرده  
 و میهناتان را برای بازدید به آنجا خواهد برد ( ۱ ) .

باین دلائل و با توجه به سه هدف گسی بالا رژیم از ایجاد اینگونه شرکتهای  
 میبایست هرچه بهتر و بیشتر ظاهر آنها ببرد از دست برونکند و رونقگیری زند  
 این کاریست که انجام شده :

۱ - خانه مسکونی برای سکونت سهامداران - این خانه ها با بلوکهای سیمان  
 و سبک خانه های شهری ساخته شده است . هر یک از این خانه ها  
 دارای ۲ اتاق نشیمن در حدود ۳×۴ یک آنباری ، یک دوش آب سرد  
 و یک آشپزخانه با ظرفشویی فلزی است . علاوه بر این هر خانه ، جداگانه  
 دارای یک توالت و یک دستشویی چینی است . ساختمانها نقاشی شده و  
 دارای آب لوله کشی و برقی میباشد .

۱ - این گزارش قبل از تشکیل جشنهای ۲۵۰۰ ساله تهیه شده است .

خوب توجه کنید روش آب سرد و طرفشوی ظری و روشوی چینی برای يك  
 خانوار روستائی در ایران و در این شرایط جزئی و روشکاری و فریب چه چیز  
 دیگری است ؟ این خانه ها مخصوصاً در خانوار روستائیان است که پس از  
 تقسیم زمینها صاحب زمین شده اند و سهامداران شرکت را تشکیل میدهند .  
 پس از ایجاد خانه ها روستائیان باین علت که نمیتوانستند گوسفند و مرغ و خروس  
 خود را بخانههای جدید بیاورند از آمدن بخانه های جدید امتناع میکردند ولی  
 بهر طریق شده به آنها دید یا تشویق بخانه های جدید آورده شدند . آب  
 گوله کسی چون بوسیله شرکت انجام شده مجاناً در اختیار روستائیان گذارده  
 شد باری هم تاگون مجانی بوده و از این بیعده قرار است برای آنها کتور نصب  
 کند و از روی کتور ( طبق نرخ شهرداری در شهرها ) از آنها پول دریافت  
 کنند . برای اینکه روستائیان رسیده نشوند این اقدامات بهر وزیر انجام میگردد  
 و اقتصاد صرف که راه خود را در زندگی آنها باز نموده افزایش میدهد .  
 ۲ - درمانگاه - درمانگاه آریامهر که در شهر آریامهر واقع شده دارای يك  
 اطای معاینه با يك تخت - يك داروخانه - يك اتاق جهت بیماران و  
 يك دستگاه آمبولانس میباشد . اطای بیماران دارای ۴ تخت يك یخچال و  
 يك دستگاه اکسیژن و يك صندوقی چرخدار میباشد .  
 هر خانوار سهامدار برای حق بیمه ماهیانه ۳۰ ریال میدهد از . معاینه و دواژ  
 برای سهامداران و خانواده آنها مجانی است . مرضهای سرایتی را آنجا معالجه  
 میکنند و کسانی که احتیاج به بستری شدن دارند به بیمارستان سعدی شیراز  
 منتقل میشوند و اینوضع معلوم نیست که این چهار تخت برای چیست و  
 مورد استفاده آنها چه میباشد جز اینکه آنها را باز دید کنندگان نشان دهند .

زیرا معمولاً در آن قتل می‌باشد. در مدت شانزده روز در مانگاه ۲۲۵ مریض سر  
پائی داشته است .

۳ - خانه فرهنگ روستائی و مهد کودک - مدتی از ایجاد خانه فرهنگ روستائی  
در دهات به ادعای رژیم عبارتست از: بالا بردن سطح فکر روستائیان و پرورش  
استعداد های هنری و ورزشی و ایجاد حس همکاری و تعاون در روستائیان .  
خانه فرهنگ روستائی شرکت سهامی زراعی آریامهر شامل قسمتهای زیر است:  
الف - کتابخانه - کتابخانه فرهنگ روستائی شرکت سهامی زراعی آریامهر  
در آرای هفتمد جلد کتاب می‌باشد ، محدود ۲۰۰ جلد از کتابهای نشریات اصلاحی  
ارزی و تعاون روستائی تشکیل میدهد که در آس آنها کتاب انقلاب سفید ، شخصیت  
جهانی شاهنشاه ایران و اصلاحات ارضی قرار دارد . بقیه کتابها عبارتند  
از: شاهنامه فردوسی ، دیوان حافظ ، سعدی ، امیر ارسلان نادر و مقاری  
از کتابهای جیبی یاد استانبلی مسخره . در این کتابخانه یک میز مطالعه  
و چند صندلی قرار دارد . از ترکیب کتابها که بگوریم در حدود ۸۰٪ آنها راحتی  
روستائیان نمیتوانند بفهمند .

ب - تالار سخنرانی که دارای یک تریبون ، ۵۰ صندلی و یک دستگاه تلویزیون  
است که البته هیچ فرستنده ای را نمیگیرد .

ج - مهد کودک - اطاقی است برای بازی بچه های روستائیان .  
برای رسیدن به هدفهای خانه فرهنگ روستائی ۸ کمیته تشکیل شده که  
عبارتند از: کمیته تربیت بدنی ، کمیته امور اجتماعی و نمایشگاهها و جشنها ،  
کمیته عضویت و اموری ، کمیته فرهنگ و هنر و آموزش و پرورش و صنایع دستی ،  
کمیته باشگاه رادپوشی و سه کمیته دیگر از این نوع . هر کمیته هر یک از ده روز یکمرتبه



در این زمینه‌ها می‌تواند ... بین پهنای‌ها به هیئت مدیره شرکت  
 ... اگر هیئت از طرف هیئت مدیره تصویب شده  
 ... با توجه به این که هیئت مدیره با اجرای آن مستعداً  
 ... در این زمینه به این دو جنبه بهرنامه در همان  
 ... پس در باره این برنامه بحث میشود  
 ... انتشارات را در پیش از فرستادن تا از نظر آنها برنامه  
 ... این چنین می‌پردازند .  
 ... این شرکت در حدود ۱۴۰ نفرند که عبارتند از  
 ... بیشتر از ۱ سال داشته باشند مخصوصاً  
 ... باید به ریاست برود از .  
 ... از حق عضویت افراد عضو کمی که سازمان  
 ... میکند استفاده میشود . مخارج خانه فرهنگ  
 ... جشنهایی مثل ششم بهمن ، تاجگذاری و  
 ... و غیره مسائل ورزشی و اهدای جوایز .  
 ... از هیئت مدیره فرهنگ روستایی باشند  
 ... افسرهای ترویج که متعددی خانه فرهنگ  
 ... کتاب میداد و تا بحال که یکسال از  
 ... در این شرکت میگذرد ۲۷۰ نفر از کتابها استفاده  
 ... که در این مدت مورد استفاده  
 ... از شاهنامه فردوسی ، دیوان حافظ ، سعدی  
 ... منتخب سخنان شاهنشاه . صنایع خانه

فرهنگ روستائی که بگرافرسپاهی ترویج بود در جواب اینکه آیا دولت بهد قها<sup>فی</sup> که از تشکیل این خانه های فرهنگ روستائی داشته رسیده است یا خیر؟ گفت: " ممکن است ثلث بهد قهای خود رسیده باشند ولی من بشخصه بآن انتظارهائی که داشتم نرسیدم و طاعت عبده آنها هم بینوادی است و در تائید حرف خود اضافه کرد: " مثلا در این کمیته هائی که تشکیل شد وظیفه هر فرد مشخص است و بارها برای آنها توضیح داده شده است حال اگر از یکفرستوال کم که وظیفه و کار تو چیست نمیداند."

بهترین نمونه کفد بازی و سبیل کاری و کارهای اداری و تشریفاتی در این خانه فرهنگ مشاهده میگردد. هر کمیته یک دفتر دارد و علاوه بر اینها چند دفتر دیگر وجود دارد که متصدی آن، افسر سپاهی است. بطور خلاصه کار روزانه این افسرنوشتن است بطوریکه خودش میگفت مقاری از این کارها زائد است. مشاهده میکنیم که این کارها جز ظاهر سازی و عوام فریبی چیز دیگری نیست. فرد روستائی را چکار به کمیته بازی. او حق دارد که وظیفه خود را در ایستادن کمیته هانداند. او نان میخواهد نه چیز دیگری.

۱ - کارگاه صنایع دستی: در این کارگاه که از دوا طائی تشکیل شده ۱۰ دستگاه دار قالی بافی بمساحت ۲×۳ متر قرار دارند پشت هر دستگاه قالی بافی ۳ تا ۴ دختر جوان که سنشان بین ۸ تا ۱۲ ساله است کار میکنند. جالب است که طبق دستور شاهنشاه آریامهر دختران ۸ تا ۱۲ ساله حق قالی بافی ندارند اما روزم نتوانسته از یکار گرفتن آنها حتی در این نمایشگاه هم خودداری نماید. این کارگران جوان همه دارای یک کوع لباس و یک کوع روسری هستند. کارگاه قالی بافی زیر نظارت شرکت سهامی فروش اداره میشود و یک نفر زن از طرف

آن شرکت بکار دختران نظارت میکند و دختران را تعلیم میدهد و نقشه قالیها هم از طرف شرکت سهامی فرش در اختیار آنها گذاشته میشود. مهمترین کار این خانم معلم ۵۰ ساله که شگوار بیاد اردوکی هم توالث کرده این است که در مورد کارگاهها بیازماید کنندگان توضیح بدهد.

مزد دختران بر حسب مقدار کاری که انجام دهند پرداخت میشود. باین ترتیب که درازاه هر ردیف ( ۳۰ یاراه ) که قالی بیافزند  $۶/۵$  تا  $۸$  ریال دریافت میدارند. مزد هشت ریال مربوط به یکوع قالی منقوب تراست. هر سه نفر دختر یکوزین بیست تا بیست و دو ردیف میافزند که مزد هر سه نفر آنها روزی  $۱۴۳$  ریال و یا بهتر نفر در روز  $۴۷/۶$  ریال میرسد و کاملاً واضح است که چگونه استشار شدیدی در این کارگاه رایج است. حتی در بعضی از کارگاهها ۴ نفر دختر در روز  $۲۲$  ردیف میافزند.

این سیستم کاری یعنی مزد برای هر ردیف بافته شده، این حسن را برای کار فرما دارد که کار فرما دیگر در این فکر نیست که کارگر در کار کردن سهل انگاری کند زیرا هر دقیقه وقت تلف کردن باعث میشود که کمتر بافته شود و نتیجه مزد کمتری دریافت دارد.

در این حالت کارگر سعی میکند هر چه بیشتر کار کند و کار را سریعتر انجام دهد و این امر باعث مهارت کارگر میشود و این مهارت در کار بیشتر از آنچه برای خود کار نفع داشته باشد به نفع کار فرماست و کارگر را استشار بیشتر میکند. زیرا کار فرما از این مهارت کارگر در استفاده میکند. یکی اینکه کارگر میتواند قالی مرغوبتری را با همان مزد سابق ( هر ردیف  $۶/۵$  تا  $۸$  ریال ) بیافزد و ثانیاً بر اثر مهارت کارگر تولید کارگاه بیشتر میشود که در هر دو صورت سود سرشاری را نصیب

کارفرما میکند .

در سال گذشته این دختران هر سه تا چهار نفر روزانه ۱۰ ریال دریافتند یعنی مزد روزانه آنها در حدود ۲۰ ریال بوده است مدت کار روزانه اگر بیشتر از ده ساعت نباشد کمترین است . ولی امسال بین ۲۰ تا ۲۲ ریال رسیده است . قالیچه‌هایی که سال گذشته بوسیله این دختران تهیه شده بود بوسیله شرکت سهامی زراعی آریامهر در بازار تخته ای ۴۳۰۰ تومان فروخته شده در حالیکه شرکت سهامی زراعی برای تهیه یک تخته قالی بدختران ۱۴۹۵ تومان بیشتر مزد نداده بود .

پس از آنکه فرسها بافته شد از آن شرکت سهامی زراعی آریامهر است که در وهله اول خریداران شرکت سهامی فرش است . اگر این شرکت قیمت خوب پیشنهاد کرد ، شرکت سهامی زراعی فرسها را با و میفروشد و گرنه آنها را در بازار آزاد بفروش می‌رساند . اکنون که تاحدودی به خصوصیات شهر آریامهر وارد شدیم باین مسئله می‌پردازیم که چه الزامی داشت که در ابتدای کار شرکت مبلغ ۱۶/۲۲۵/۸۱۸ ریال خرج کارهای ساختمانی و غیر ضروری کند در حالیکه صرف این هزینه هیچ اثری در وضع اقتصادی روستائیان سهامدار نداشته است ؟ آری این مقدار از این بودجه که در این راه صرف شده بصرف کار تولیدی در منطقه شرکت برسد و مقداری از آن هم اختصاص بدعوات دیگر باید و می‌رود که وضع اقتصادی کشاورزان خوب میشود و قوه خرید آنها بالا می‌رود برای آنها خانه ساخته شود .

جواب این سؤال و سئوالاتی امثال اینرا باید در هدفهای رژیم از تشکیل این

گونه شرکتها پیدا کرد .

## وضع سهام و سهامداران شرکت

کلیه زمین یعنی ۸۰ خانوار از آنجا که دارای زمین بوده اند زمینهای خود را به شرکت واگذار کرده اند. البته باید توجه داشت که گاه زمینهای مزروعی شرکت ۱۳۷۰ هکتار است که به هر خانوار در حدود ۱۷ هکتار زمین میرسد و اگر کلی مساحت زمینهای مزروعی ۴ بایر، باغات و تپه ماهور هارا در حساب کنیم بهترنفر پیش از ۲۰ هکتار میرسد که با توجه به تراکم نیروی کار بر روی زمینهای قابل کشت در ایران، خیلی نادر است که بیک خانوار زراعت پر از تقسیم زمینها در حدود ۱۸ هکتار زمین مزروعی برسد. البته زارعین هیچگونه سندی در دست ندارند و اصلاً آنها صاحب زمین نیستند بلکه صاحب سهم شرکت میباشند و احیاناً اگر یکی از زارعین فوت کرده باشد ورثه از سهم شرکت میرسد نه از زمین. هر نفر سهامدار در اول کار ۵۰ تومان به عنوان سهام در شرکت پرداخته است. شرکت دارای ۲۰۰۰ سهم است که هر سهم ۱۰۰۰ ریال ارزش دارد. هر نفر زارع دارای ۲۵ سهم میباشد و کلیه سهامداران در این شرکت بمقتضای اساسی سهم دارند از این نظر شرکت سهامی زرعی آریامهر نمونه است زیرا در دیگر شرکتهای سهامداران دارای سهامی مساوی نیستند. تا بحال سهام خرید و فروش نشده ولی امکان چنین عملی در آینده زیاد است. نکته ای که در اینجا قابل تذکر است این است که افراد خونس نشین هیچ رابطه ای با شرکت ندارند و کسانی هستند که طرد شده اند. با توجه باینکه زارعین از به خارج شده و به خانهای جدید شرکت رفته اند مسلماً در وضع اقتصادی خویش نشینها اثرات سوئی داشته

زیرا که شغل اغلب خوش نشینها دشت‌بانی ، چوپانی ، پيله وری یا مغازه داری است و پس از اینکه بیش از نیمی از ساکنان ده از آنجا رفتند خوش نشینها با آری از مشربیهای خود تعدادی از کسانی که با آنها کار کرده میگردند ازدست دادند . لازم به یاد آوری است که در هیچیک از موارد انقلاب سفید . و برنامه های اصلاحی روستاها ، هیچ فکری برای این قشر بزرگ از روستائیان نشده و سرنوشت آنها مبهم است .

طرز کار شرکت

شرکت در زمینهایی که در اختیار دارد کشت میکند و البته همانطور که ملاحظه کردید این کشت با وسائلی مکانیزه انجام میشود و قوت خودشان شرکت قوت مکانیزه میباشد . ظاهر درآمدت سال ، سهامداران میتوانند برای شرکت کارکنند و روزانه مزد دریافت دارند ( مزد آنها بسته به نوع کار ۹-۸ تومان است ) و سایر کارهای دیگری برونند . در هر صورت شرکت پس از برداشت محصول ، هزینه های تولیدی را کم میکند و آنچه باقی ماند ( سود خالص ) بین سهامداران بنسبت مساوی تقسیم مینماید .

وضع شرکت در اولین سال تاسیس

در سال زراعی ۴۸-۴۷ که اولین سال زراعت شرکت در آن منطقه بود شرکت از ۱۳۷۰ هکتار زمین قابل کشت فقط توانست ۶۴۰ هکتار آنرا زیر کشت محصولات زیر بگیرد :

گندم آبی	۴۰۰ هکتار
جو ( سب )	۵۰ هکتار

چغندر رقد	۱۵۰ هکتار
خشخاش	۲۵ "
یونجه	۱۰ "
باغ میوه	۵ "
پارک جنگلی	۵ "
جمع	۱۷۵ هکتار

برداشت محصول عمده شرکت یعنی گندم و چغندر رقد بقرا زیر بود :

برداشت گندم ۱۵۰۰ کیلوگرم در هکتار

برداشت چغندر ۳۳ تن در هکتار

مهندس راهنما اظهار نظر می‌کند که کشت در سطح بزرگ موجب شده است که میزان تولید در سطح هکتاری این آید و سیگفت که اگر در سطح کوچک می بود بهره وری از زمین بیشتر میشد . جای تعجب نیست اگر یک جا علت اصلی تاسیس چنین شرکتهارا این میدانند . تناقض کوئی جز ماهیت رژیم است .

پس از برداشت محصول و کسر هزینه ها و پرداخت بهره و قسط وامی که شرکت از سازمان اصلاحات ارضی گرفته بود در آمد شرکت ( سود خالص ) در سال ۴۸-۴۷ بالغ بر ۶۰۰۰۰۰ ریال شد ، که بهر خانوار از سهامداران ۷۰۰۰ تومان رسید .

چگونگی شرکت زارعین در تولید

چون کشاورزی در شرکت بطور مکانیزه انجام میشود در نتیجه به تعداد بسیاری کارگر احتیاج دارد . مثلا برای کشت گندم در شرکت از هنگام آماده کردن زمین تا برداشت آن فقط به آبیاری یک یا دو روز چند کارگر

برای کودکان احتیاج هست. شخم زمین، مرزبندی، ایجاد شبکه آبیاری، پاشیدن بذور و زود کردن محصول تماماً ما شین انجام میشود. در مورد چغندر قد ما شین حتی بدون اینکه آسیبی بچغندر ها وارد کند علفهای هرز را از زمین در میآورد. و احتیاجی جز به راننده نیست. بنابراین باید بجای هدف شماره ۳ رژیم از تشکیل شرکتهای سهامی زراعی " حد اکثر استفاده از نیروی انسانی موجود در روستاها و قطبهای کشاورزی صنعتی ملکت ". واقعیتی که رژیم بوجود آورده است یعنی " حد اقل استفاده از نیروی انسانی موجود در روستاها و قطبهای کشاورزی وحد اکثر استفاده از ماشینهای ساخت غرب و بیکار کردن نیروی های انسانی را گذاشت. مشاهده میکنیم که رژیم نه تنها نتوانسته است از نیروی انسانی روستائیان که هدف مورد استفاده گد و بیکاری بانقص دهد بلکه بر اثر بکار بردن وسائل کامل مکانیزه، بیکاری را افزایش داده است. در حالیکه قطبهای صنعتی قادر بر جذب این نیروهای بلا استفاده نیستند. البته کسی نمیتواند منکر مفید بودن گشت با وسائل مکانیزه باشد ولی در این شرا<sup>یط</sup> که اکثر روستائیان ایران دچار بیکاری فصلی و کم کاری هستند بجای استفاده از نیروی این روستائیان استفاده کردن از ماشین آلات کشاورزی باین وسعت نه تنها با آنها خدمت نمیکند بلکه اقتصاد کشاورزی را هر چه بیشتر وابسته مینماید. استفاده از این ماشین آلات هنگامی مفید است که کسانی که در اثر این عطف بیکار میشوند امکان اشتغال کارهای تولیدی دیگر برایشان موجود باشد. و ثانیاً ما شین آلات در خود گسور ساخته شده باشد. در مورد معدودی که شرکت بکارگزار احتیاج دارد از ازارعین سهامداری استفاده میکند که مورد نظر شرکت هستند. در این مورد نظر تبعیضاتی بیشتر بکار میسرود.



مثلا به یکفرد بعنوان سرآبیار برای تمام سال مزد میدهد در صورتیکه این  
فرهیچگونه کاری انجام نمیدهد ، اما احتمالا یکی از اعضای هیئت مدیره  
است .

درآمد زارعین در سال ۴۸-۴۷

اگر متوسط طول زمینی را که زارعین عضو شرکت میتوانند برای شرکت در کار  
تولیدی بکار گرفته شوند ۶۰ روز فرض کنیم ( که این حد اکثر زمانی  
است که ممکن است برای زارعین کار وجود داشته باشد ) مزد هر زارع در  
ازای کار برای این مدت ۴۸۰ تومان میشود . این مبلغ را ۵۰۰ تومان  
فرض میکنیم . حال اگر سود ویژه همان سال را با این مبلغ اضافه کنیم  
سهم هر زارع بطور متوسط ۷۵۰۰ تومان میشود .

درآمد شرکت در سال زراعی ۴۸-۴۷ ( این درآمد تاجایی که آمار  
در دست است حساب میشود ) بشرح زیر بود :

گفته شد که شرکت از هر هکتار زمین ۱۵۰۰ کیلوگرم برداشت میکند . کل  
سطح کنت زیرگندم ۴۰۰ هکتار بود اگر قیمت گندم ۷ ریال در نظر بگیریم (۱)

$$۴۰۰ \times ۱۵۰۰ = ۶۰۰,۰۰۰ \times ۷ = ۴,۲۰۰,۰۰۰$$

برداشت چغندر رقم ۳۳ تن در هکتار بوده و ۱۵۰ هکتار هم زیرگندم و

شرکت چغندر را در سال ۴۸-۴۷ تنی ۱۱۸ تومان بکارخانه قند مرسوت

فروخته است .

$$۱۵۰ \times ۳۳ = ۴۹۵۰ \times ۱۱۸ = ۵۸۴۱۰۰۰$$

قیمت گندم و چغندر برداشت شده در سال ۴۸-۴۷

$$۴,۲۰۰,۰۰۰ + ۵۸۴۱۰۰۰ = ۴,۷۸۴,۱۰۰$$

۱ - قیمت گندم در بازار همان سال تنی ۶۰۰۰ ریال ( کیلویی ۶ ریال ) بود .

شرکت درآید هائی هم ازجمله (۵۰ هکتار) ، خشخاش ( ۲۵ هکتار) ، پروار بندی و قالیبافی دارند که متأسفانه مقدار درآید هر کدام از اینها در دست نیست . اینها منابع درآید شرکت هستند . شرکت درسال ۴۸ - ۴۷ پس از کسر هزینه طاهرا ۶۰۰۰۰ ریال سود خالص داشته که بیسبب سهامداران بنسبت مساوی تقسیم شده است . حال درآید سرانه هر یک از سهامداران و اعضاء خانواده آنها را حساب میکنیم . با توجه باینکه سهامداران با اضافه اعضاء خانواده آنها ۵۰۰ نفر میشانند و سود ویژه ای که به سهامداران رسیده ۶۰۰۰۰ ریال و مزی که سهامداران از شرکت دریافت کرده اند ۴۰۰۰۰ ریال میباشد .

$$\text{ریال } 40000 = 80 \times 5000$$

$$\text{جمع ریال } 100000 = 40000 + 60000$$

$$\text{درآید سرانه بر ریال } 12000 = 60000 \div 5$$

$$\text{درآید سرانه به دلار } 150 = 12000 \div 80$$

درسال ۴۸-۴۷ از هر سهامدار مبلغ ۵۰۰ تومان بابت قسط زمینها دریافت شده است .

ما فرض میکنیم هر سهامدار از این نظر که میتواند است جای دیگری هم کار کند و وقتش را داشته ، این مقدار را بدست آورده باشد در صورتیکه این احتمال چندان درست نیست .

درسال آینده قرار است پول برق و پول منازل اقساط از سهامداران دریافت گردد .

کمپانی که شرکت سهامی زرعی آریامهر (چه از نظر خدمات و چه از نظر مالی )

صیغه است :

۱ - وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی ۸ نفر دانشنام ۲ حسابدار  
۱۰ سهامی ترویج و آبادانی در اختیار این شرکت قرار داده است که حقوق  
آنها را خود آن وزارتخانه میبرد از . یعنی این ۱۸ نفر تمام وقت و بطور  
مجانای برای ۵۰ خانوار سهامدار کار میکنند .

۲ - از طرف موسسه خاکشناسی و حاصلخیزی خاک مطالعاتی انجام  
گرفته است و نوع خاک منطقه آزمایش شده و کم و کیف آن بررسی گردیده  
است .

۳ - اداره هواشناسی مخابراتی در آن منطقه و درجه حرارت هوا  
در فصل مختلف سال را تعیین نموده است .

۴ - اداره مبارزه با آفات نباتی در منطقه علی شرکت دست به اقداماتی  
زده و آفات گوناگون مبارزه نموده است و از این نظر اقدامات شرکت در  
تجاس است .

۵ - بذراصلاح شده باصلاح دید کارشناسان اداره اصلاح نباتات مورد استفاده  
قرار گرفته است .

۶ - نقشه توپوگرافی اراضی شرکت بتقاضای زیر نظر وزارت اصلاحات ارضی  
و تعاون روستائی وسیله سازمان جغرافیائی کشور تهیه شده است .

۷ - اداره مهندسی زراعی با استفاده از نقشه های توپوگرافی تهیه  
شده و مطالعات خاکشناسی انجام یافته ۲۰۰ هکتار از اراضی شرکت را  
کاملاً تسطیح نموده و یک شبکه آبرسانی برای جلوگیری از هدر رفتن آب  
ایجاد نموده است .

۸ - برنامه پرواز بندی شرکت زیر نظر سازمان دامپروری کشور انجام میشود

۱ - طرح کست از طرف سازمان اصلاحات ارضی و تعاون روستائی ( تهران ) هرساله بشرکت سهامی زراعی آریامهرابلاغ میگردد و دستورات لازم داده میشود و شرکت دائمانتیجه اقدامات خود را به سازمان اصلاحات ارضی و تعاون روستائی گزارش میکند و وزیر اصلاحات ارضی و تعاون روستائی دائماً در کار شرکت نظارت مستقیم دارد .

۱۰ - اعتبار بصورت کمک بلاعوض تا تاریخ پانزدهم اردیبهشت ۱۳۴۸ مبلغ ۱۶,۲۷۹,۸۱۸ ریال .

۱۱ - اعتبار بصورت وام بمدت ۵ سال با بهره ۴٪ بمبلغ ۱۶,۵۰۳,۱۹۱ ریال .

بطور خلاصه کمیته سازمانهای کشاورزی کشور با شرکت سهامی زراعی آریامهر همکاری میکنند و برنامه کست با آخرین سیستم کشاورزی بطور مکانیزه انجام میشود . با توجه باینکه هر سهامدار شرکت ۱۷ هکتار زمین در اختیار دارد و شرکت از کمکهای فراوانی برخوردار است ، درآمد سرانه سهامداران شرکت سهامی زراعی آریامهر بیشتر از درآمد دیگر روستائیان است . ولی يك سؤال در اینجاست مطرح است و آن اینکه آیا رژیم قادر است که برای کمیته دهات و یا برای هر چند دهه ، يك شرکت با این خصوصیات بوجود آورد و مقول خودشان این پدیده نوین را به سراسر دهات ایران بسط دهد ؟

اگر چه آمار زیر توجه کنید جواب سؤال فوقی برایتان روشن خواهد گشت :

سازمان اصلاحات ارضی و تعاون روستائی مبلغ ۱۶,۲۷۹,۸۱۸ ریال به عنوان کمک بلاعوض و مبلغ ۹,۱۱۹,۵۰۳ ریال به عنوان وام ( هر دو کمک در مدت یکسال انجام گرفت ) در اختیار شرکت سهامی زراعی آریامهر



۳- در دهات ایران مرسوم بوده و هست که فرزند کک کار پدر بوده و خود يك منبع درآمد میشود . مثلاً در کار زمین باید کک میکند یا چند گوسفندی را که دارند به چرا میبرد ، از گاو همزم میآورد و امثال اینها برای سهامداران شرکت چنین امکاناتی وجود ندارد و سهامدار شرکت این منبع درآمد را از دست داده است .

۴ - اقتصاد مصرف راه خود را در زندگی آنها باز نموده بطوریکه لباس اکثر روستائیان بیشتر فرم لباسهای شهری را دارد تا روستائی . حتی در یکی از این خانه های خجالی برقی نیز وجود دارد .

#### میزان موفقیت رژیم

پانوجه بهدفعه واقع رژیم که در این گزارش آمده قضاوت در این باره که رژیم تا چه حد توانسته به هدف های خود دست یابد به دلالت زیر قضاوتی درست نخواهد بود :

الف - مدت زیادی از عمر اینگونه شرکتهای نیکروز .

ب - رژیم بودجه مستحری برای اینگونه شرکتهای اختصاص داده است و چون آخرین برگی است که رژیم رو کرده برای مدتی هم که شده ناچار است بآنها بپردازد .

ج - از همه بهترین بزرگسازان و نایب نمایانان است که بزرگترین سهامداران يك شرکت از این نوع میباشد بنابراین قضاوت نتیجه گیری در این باره قضاوتی عجولانه خواهد بود که نتیجه درست از آن بدست نخواهد آمد . ولی انگیزه جدیدی در توده روستائیان چه آنها که زمین دارند و چه خوب نشینها بوجود آمده است . روستائیان که از دروستی برآتش دارند از مشاهده این

زنده شرکتها مخصوصاً وضع ظاهری فریبنده آنها این احساس برایشان حاصل  
 میشود که گزرفی ما با آنها که شرکت دارند در چیست ؟ چرا آنها باید در خانه  
 های صمیمی زندگی کنند و ما در خانه های گلی که هر آن احتمال ریزش  
 دارد ؟ چرا ما وسائل مگافیزه نداریم ؟ چرا ما برین وآب لوله کسی نداریم  
 چراهای دیگر . . .

بزرگترین حسن این کار است که توده های دهقان احتیاجات جدیدی  
 برایشان مطرح میشود و حقوق انسانی خود را میبرند . اما مستلفی که  
 بخش است اینست که رژیم فاسد نیست جواب این احتیاجات و چراهای  
 مختلفی که برای توده های محروم دهقانی مطرح است بدهد . و این  
 عدم پاسخ و خودظلمت افزایش دهنده زمینه انقلابی در روستاهای ایران  
 است .

[www.iran-archive.com](http://www.iran-archive.com)



گوشه‌ها را از کارنامه

۶۰ ساله شرکتها را

فازتگر نقیست در

مسجد سلیمان

## فهرست

مقدمه :

موقعیت طبیعی و جغرافیایی

سابقه ی تاریخی

مسجد سلیمان و غارت ثروت های نفتی

شکل گیری شهری مسجد سلیمان

مساله ی مسکن

مشکل آب شهر

فرهنگ

وضعیت بهداشتی

وضعیت کارگران

برنامه ی ضد کارگری کنسرسیوم نفت

۱- انحصار کردن تاسیسات نفتی

۲- تعطیل کارگاهها و بعضی از تاسیسات نفتی

۳- سیاست مقاطعه دادن عملیات و خدمات نفتی

۴- استفاده از شرکت ملی نفت برای انجام خدمات پرهزینه و

دشواری

۵- انتقال وظیفه و حفاظت به نیروهای پلیس و ژاندارمری

۶- تعطیل نیروگاه نفتی

نتیجه : مسجد سلیمان امروز، زرادخانه ی رژیم

الف- موقعیت خاص استراتژیکی مسجد سلیمان

ب- استفاده از تاسیسات باقیمانده ی شرکت غارتگر نفت

ج- استفاده از نیروی کار و تخصص نفتی کارگران اخراجی برای

## مقاصد نظامی

۱ - استفاده از امکانات طبیعی مسجد سلیمان برای مقاصد نظامی  
 ۲ - سیاست هلیتاریزه کردن گلبه ی مناطق کشور

"تهیه از سازمان مجاهدین خلق ایران"

شهریور ماه ۱۳۵۳

---

www.iran-archive.com

• گوشه بی از کارخانه ی ۶۰ ساله ی شرکت‌های غارتگر نفت در مسجد

سلیمان •

مقدمه

بیش از ۶۰ سال است که منابع عظیم نفتی کشور ما بوسیله ی غارتگران آمریکایی و انگلیسی و سایر قدرت‌های سرمایه داری جهانی بی‌مقاومت مورد شاه این نوکر جنایتکار استعمار طی یک قرار داد بیست ساله با کسرسیوم نفت مابقی این ثروت ملی را تا آخرین قطره نفت به اربابان خود و دستن تقدیم کرد. این وطن فروش خائن علیرغم تمام جنایت‌هایش به ملت محروم ما نفیبد تمدن بزرگ و تهدیدیل شدن به یکی از پنج قدرت جهانی را میدهد. همان وند و عیب‌هایی که امینی خائن در بیست سال پیش در موقع انعقاد قرار داد با کسرسیوم نفت به ملت ما میداد، امروز شاه مزدور نیز ضمن تعدید قرار داد با همین کسرسیوم غارتگر نفت بنزبان دیگر تکرار میکند. امینی میگفت بواسطه ی این قرار داد و بهره برداری از ثروت نفت تا ده سال دیگر ایران بهشت برین خواهد شد.

ما برای روشن کردن ماهیت این فریبها و بمنظور نشان دادن گوشه بی از غارتگریها و اقدامات ضد خلقی نفتخواران آمریکایی و انگلیسی و رژیم دست نشانده ی پهلوی در ایران، همد از گذشته بیست سال از قرارداد نفتی با کسرسیوم و وند ه های شاه و امینی خائن بسراخ شهری که تجاوز از ۶۰ سال منابع نفتی آن مورد غارت شرکت نفت ایران و انگلیس و کسرسیوم بین المللی نفت قرار گرفته و خود شرمخوان مرکز فعالیت های فنی و اداری این کمپانیهای غارتگر بوده، رفته و در این بررسی مختصر ملاحظه خواهیم کرد همین نفتی که برای استعمارگران منبع قدرت و انرژی است برای ما مولد ضعف و فقر و بیماری است.

آمریکاییها و اروپاییها با نفت ما زمستانشان را گرم و تابستانشان را خنک

میسازند، اما مردم وطن ما در کنار همین چاههای نفت در زمستان از سرما و در تابستان از گرمای شعله های نفت و گاز معیبتند .  
 آنها با همین نفت ماشینهای کشاورزی و کارخانجات مواد غذایی خود را بکار میاندازند تا نان و گوشت بیشتر با آن تولید کنند، اما در کشور ما بالعکس موجب قحطی و نایابی بیشتر نان و گوشت میگردد .

برای آنها این نفت بدل به انواع دارو و محصولات معطر میشود اما برای کارگر و مردم وطن ما این نفت بجای دار و چیزی جز مرض و بیماری و آلودگی و بد بوی هوا بیار نمیآورد . و بالاخره همین نفت تا تکلیف و هواپیماهایی را بحرکت در میآورد تا برادران مسلمان ما را در فلسطین و ظفار بچاران و نابود سازد .

در این گزارش مختصر در خواهیم یافت که بعد از غارت سیلبارد ها بشکه نفت از این منطقه، ابتدا امیترین و ساده ترین احتیاجات مردم آن کم از کاره مسکن، بهداشت، فرهنگ و . . . . . بپوشی فراموشی سپرده است و عملاً خواهیم دید که هیچگونه رابطه ی انسانی و عاطفی بین استعمارگر و خلق استعمارزده، بین غارتگر و غارت شده، جز شورش و انقلاب وجود نخواهد داشت .

### موقعیت طبیعی و جغرافیایی

شهر مسجد سلیمان در استان خوزستان و در فاصله ی ۱۵۰ کیلومتری شمال شرقی اهواز واقع شده است . این شهر در ناحیه ی جنوبی کوهستانهای منطقه ی بختیاری قرار گرفته و مرتفعترین کوه این ناحیه به نام کوه ننگ و به ارتفاع ۱۳۰ متر (۴۰۰ فوت) از سطح دریا میآید .  
 دانه ی این کوهستانها در فصل زمستان و اوایل بهار محل قشلاق عشایر ایل بختیاری و چراگاه داداران آنها میباشد .  
 تیره ی " باغی " از ایل بختیاری حدود ۶ ماه از سال یعنی فصل پاییز

وزستان را در دهات اطراف مسجد سلیمان و در سراسر منطقه بی که از  
 دشت "اندکا" (۴۰ کیلومتری مسجد سلیمان) شروع و تا دشت لالی  
 (حدود ۷۰ کیلومتری مسجد سلیمان) خاتمه میابد ساکن میشوند. عشا-  
 بر مزبور علاوه بر دانداری در حوالی خانه های گلین شان در حد قوت  
 لایموت خود و احشاشان به کشت گندم و جو میبرد ازند. محصول این کشت  
 که بطور نیم صورت میگیرد بستگی به میزان بارانهای فصلی دارد و در سال  
 هایی که باران کم باشد وضعیت زندگی خود و دامهایشان در آبر و  
 وضعیت بار میگرد. بعلت وضعیت خاص کوههای این ناحیه و وجود سنگ  
 های نمک، بسیاری از چشمه های آب این ناحیه شور میباشد .  
 رود کارون که از منطقه ی زرد کوه بختیاری سرچشمه میگیرد از حدود ۴۰  
 کیلومتری مسجد سلیمان و در نزدیکی دشتهای "اندکا" و "لالی" عبور می  
 نماید . مسیر این رودخانه بطوری است که مسجد سلیمان را از منطقه ی  
 قشلاقی عشایر نشین "اندکا و لالی" جدا مینماید عشایری که برای فروش  
 محصولات دامی و خرید ما بهحتاج زندگی خود به مسجد سلیمان میایند  
 ناچارند بوسیله ی قایق، خود و احشام و محصولاتشان را از رودخانه عبور  
 دهند و هر سال بعلت جریان تند رودخانه و یا سیلابهای موسمی، بسیار  
 ری از عشایر بختیاری همواره محصولات و احشاشان ضمن عبور از این رود  
 خانه تلف میشوند .  
 آب و هوای مسجد سلیمان بعلت نزدیکی به کوههای پربرف زرد کوه و  
 ناحیه ی سرد سرچهار محال بختیاری در زمستان سرد و در تابستان  
 بعلت وجود کوههای خشک نمکی و رسی و تابش خورشید دارای گرمای  
 طاقت فرسای ( بالای ۴۰ درجه ) است .  
 جمعیت فعلی آن در حدود ۷۴۰۰۰ نفر و وسعت آن در حدود هشت  
 هزار کیلومتر مربع میباشد .

## سابقه ی تاریخی

باستان شناس فرانسوی (میو مورگان) در گزارشهای خود در مجلسی معادن چاپ پاریس چنین نوشته است "در سر راه شوشتر به "مالمیر" جایی بنام میدان نفتون است که علام ظاهری نفت در آنجا هویدا و خرابه های آتشکده می نیز در آنجا موجود است که اهالی بنام مسجد سلیمان می شناسند." وی در این گزارش راجع به وجود نفت در غرب و جنوب غربی ایران شرح مفصلي نگاشته است .

باین ترتیب اولین آگاهی از وجود نفت در ناحیه ی خوزستان و کشف مسجد سلیمان بوسیله ی باستان شناس مزبور که خود بدینال یک قرارداد استعماری دولت فرانسه با حکومت خائن ناصرالدین شاه برای جستجو و غارت آثار و اشیای گرانبهای تاریخی شوش یا ایران آمده بود، صورت گرفت و همین آگاهی و اطلاع بعد ها امپریالیسم انگلیسی را که در جستجو و غارت ثروت ها و ذخایر ارضی کشورهای آسیا و افریقا و بالاخص ایران بود، یاری نمود .

"داری" سرمایه دار انگلیسی، بر اساس نوشته های "مورگان" و "مشاهدات و گزارشهای" سر هنری دروموند ولف" و سایر عوامل دولت انگلیسی در ایران ب فکر اکتشاف و استخراج نفت در ایران افتاد و بدینال آن عده یی از متخصصین زمین شناس را بایران اعزام داشت .

مشخصین مزبور پس از مطالعه در محل، گزارش رضایت بخشی داده و نوشتند که وجود نفت در حوالی قصر شیرین و شوشتر بسیار محتسل و در نقاط دیگر هم امید بسیاری میرود .

داری بر اساس این گزارشها برخورداری از پشتیبانی امپریالیسم انگلیسی و پرداخت رشوه ها ی کلان ب رجال خائن و فاسد حکومت ضد ملی ناصرالدین شاه موفق گردید. امتیاز بهره برداری از معادن نفت مراکز ایران

را با استثنای خراسان، مازندران، بکرگان و آذربایجان بحدت ۶۰ سال از تاریخ هشتم صفر ۱۳۱۹ ( ۲۸ مه ۱۹۰۱ ) بدست آورد .  
چند ماه پس از امضای امتیاز، عملیات حفاری در چاه سرخ واقع در شمال قصر شیرین آغاز شد و در تابستان ۱۹۰۳ ( ۱۳۲۱ قمری ) بدو چاه حفر شد و به نفت رسید اما به علت کمی تولید و دوری مسافت از بنادر خلیج فارس، ادامه ی عملیات حفاری متوقف گردید و تصمیم گرفته شد که در نقاط جنوبی بگاش ببرد ازند .

داری که تا آنوقت قریب سیصد هزار لیتره از ثروت خود را در جستجوی نفت هدر داده بود حاضر نبود بیش از این سرمایه اش را در این راه تلف نماید .

اما در این هنگام ( سال ۱۹۰۴ میلادی ) امپراطوری غارتگر انگلستان برای تحرك و توانایی بیشتر نیروی دریایی استعماری خود طرح تعرض و تهدیل سوخت کشتیهای جنگی انگلیس را از زغال سنگ به نفت مورد مطالعه و بررسی قرار میداد . باین منظور از طرف ستاد فرماندهی نیروی دریایی کمیته بی جهت تحصیل منابع کافی نفت تعیین و مامور کارگردین اعضای این کمیته که اطلاعاتی در مورد امتیاز نفتی داری در ایران و حالت ور شکستگی و امکان واگذاری این امتیاز از طرف بی به سرمایه داران خارجی دیگر دریافت داشته بودند در صدد برآوردند در اصرع وقت و بهر طریقی که ممکن باشد امتیاز مزبور را برای دولت انگلیس بدست آورند . اما از آنجا که قدرتهای سرمایه داری این کشور مخالف دخالت دولت در امور اقتصادی و بازرگانی بودند دولت نمیتوانست مستقیماً در صدد خرید امتیاز یا سهام شرکتی آن برآید . لذا برای نجات این امتیاز از چنگ سرمایه داران کشورهای حریف تصمیم گرفته شد با همکاری شرکت نفت برهه که يك شرکت نفت تمام انگلیسی بود و استخراج نفت را در اختیار خود داشت، شرکت نفت جدیدی بنام سندیکای امتیازات و با سرمایه



کافی برای ادا ای عطیات اکتشافی و استخراج نفت در ایران تأسیس نمایند ( ۱۹۰۵ ) .

شرکت مزبور عطیات چاه سرخ را متوقف و حفاری دو چاه آزمایشی را در ماماتین نزدیکی رامهرمز واقع در شمال اهواز آغاز نمود . اما به علت عدم دستیابی به ذخایر نفتی و صرف هزینه ی زیاد ، عملیات حفاری متوقف و تصمیم گرفته شد که چاههای دیگری در نقطه یی که ناشی در آن موقع میدان نفتون و از طرف اهالی به مسجد سلیمان معروف بود حفر نمایند .

در تاریخ پنجم خرداد ماه ۱۲۸۷ شمسی هجری ( مطابق ۲۶ ماه مه ۱۹۰۸ ) در شرایطی که نزدیک بود به علت صرف هزینه های هنگفت و عدم دسترسی به نفت ، عملیات حفاری را متوقف نمایند اولین چاه در عمق ۳۶۰ متری به نفت رسید و جریان نفت با فشار خیلی زیاد فوران نمود و ده روز بعد چاه دوم در عمق ۴۰۷ متری باز به نفت رسید و آشکار گردید که ایران بر روی دریای عظیمی از نفت قرار دارد .

کشف این معدن مهم مشکلات و بهرانه های مالی آنروز امپراطوری بریتانیا کبیر را حل کرد و بدنبال آن یعنی در آوریل ۱۹۰۹ شرکت نفت ایران و انگلیس " بنظور غارت ذخایر عظیم نفتی کشور ما در لندن تشکیل و به ثبت رسید .

از این تاریخ ، یعنی از روزی که مته های حفاری نفتخواران همچون نیستر هائی بر شاهرک حیاتی وطن استعمار زده ی ما وارد آمد و خون اقتصادی کشورمان از درون چاههای نفت فوران نمود ، شهری بنام مسجد سلیمان آغاز حیات نمود .

مسجد سلیمان و غارت ثروت های نفتی

در فاصله ی سالهای ۱۹۰۸ و ۱۹۱۴ ( ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۳ قمری ) که جنگ بین المللی اول آغاز شد ، دامنه ی عطیات تولید نفت با سرعت هرچه

زیادتر گسترش یافت، بطوریکه تا سال ۱۹۱۴ میلادی حلقه چاه در مسجد سلیمان حفر گردید و ساختمان اولین خط لوله ی نفت ( به قطر ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر و به ظرفیت ۴۰۰ هزار تن نفت در سال ) از مسجد سلیمان به آبادان در سال ۱۹۱۲ به پایان رسید .

در سال ۱۹۱۲ ( ۱۳۳۱ قمری ) برای اولین بار نفت مسجد سلیمان بشکل خام بوسیله بازارهای نفتی جهان سرانبر گردید . در سال اول میزان صادرات ۴۳۰۰۰ تن بود . سال بعد این مقدار به دو برابر یعنی ۸۱۰۰۰ تن افزایش یافت .

به همین ترتیب حجم غارت نفت بسرعت خیره کننده بی سال به سال بالا رفت، بطوریکه در سال ۱۹۱۴ ( ۱۳۲۳ قمری ) به ۲۷۴۰۰۰ تن یعنی حدود ۳/۵ برابر سال قبل از آن بالغ گردید .

با این ترتیب در سال ۱۹۱۴ یعنی هنگامیکه جنگ جهانی اول آغاز گردید، امپریالیسم انگلیس دارای ذخایر عظیم نفتی مسجد سلیمان و خط لوله ی از سعدن مزبور تا آبادان و بالا بهنگاه بزرگ آبادان با ظرفیت ۲۷۴۰۰۰ تن نفت تصفیه شد . در سال بود که میتوانست مستقیماً سوخت و انرژی ناشی از جنگی امپریالیسم غارتگر انگلیس را علیه خلقهای محروم جهان تامین نموده و به حرکت در آورد .

حجم غارت ثروتهای نفتی حوزه ی مسجد سلیمان از سال ۱۹۱۲ میلادی یعنی از بدو بهره برداری از چاههای نفت و جریان آن بوسیله بازارهای نفتی تا سال ۱۹۵۰ میلادی یعنی تاریخ ملی شدن نفت بوسیله ی حکومت ملی و ضد استعماری دکتر مصدق و خلق بد از شرکت نفت ایران و انگلیس بالغ بر ۱۱۰ میلیون تن است . تازه این مقدار، رقمیست که توسط مقامات دولت استعمارگر انگلیس اعلام و انتشار یافت و چه بسا میزان نفت تولیدی واقعی و غارت شده از حوزه ی نفتی مسجد سلیمان تا تاریخ ملی شدن

نفت به مراتب از این مقدار افزونتر باشد .

در دوران ملی شدن نفت یعنی از سال ۱۹۵۱ میلادی ( ۱۳۳۰ شمسی ) تا کودتای فصد ملی ۲۸ مرداد ۳۲ و تشکیل کنسرسیوم نفت به ملت محاصره اقتصادی ایران از طرف امپریالیسم انگلیس و آمریکا و سایر کشورهای سرنگ داری غربی ، جریان نفت ایران به بازارهای جهانی متوقف گردید .

امپریالیسم آمریکا و انگلیس برای بزانبودن در آوردن حکومت ملی دکتر صدق با تکیه به قدرت نظامی و سیاسی خود ، کشورهای صرف کننده ی نفت را از خرید نفت ایران مانع گردیدند ، باین امید که زیر فشار فقر و گرسنگی مردم ایران را از پشتیبانی حکومت ملی دکتر صدق منصرف و روگردان سازند .

باین ترتیب در سالهای مزبور ، چاههای نفت مسجد سلیمان تعطیل و جریان حیاتی اقتصاد نفتخواران انگلیسی قطع گردید .

اما دیرینه نیامید که با کودتای آمریکا و انگلیس ، ۲۸ مرداد ۳۲ و تشکیل کنسرسیوم نفت غارت مجدد منابع نفتی کشور ما آغاز گردید .

در سال ۱۳۳۳ ( ۱۹۵۴ ) بد نبال انعقاد قرارداد بیخ - امینی توسط وزیر دارایی حکومت کودتا و بهره‌بری شاه خائن ، شرکتهای عساکر نفت ایران یا بعبارت دیگر کنسرسیوم نفت با مشارکت دولتهای سرمایه داری غربی یعنی آمریکا و انگلیس ، فرانسه ، هلند تشکیل و جانشین شرکت سابق نفت ایران و انگلیس گردید .

عملیات شرکتهای عامل نفت ایران با کنسرسیوم نفت از نظر سازمان اداری و اجرایی به دو قسمت عمده یعنی " عملیات اکتشاف و تولید نفت " و " عملیات تصفیه و بارگیری " تقسیم گردید . شهر مسجد سلیمان به عنوان مرکز " عملیات اکتشاف و تولید نفت " و آبادان به عنوان مرکز " عملیات تصفیه و بارگیری نفت " تعیین گردیدند .

حجم بالا رفتن نیازهای نفتی چهار کشور بزرگ سرمایه داری مصرف کننده نفت در کسرسیموم و افزایش سرمایه و امکانات آنان از نظر تهیه و تامین وسایل و تجهیزات پیشرفته ی صنعتی و در دست داشتن بازارهای جهانی فروش نفت ایجاب میکرد که میزان تولید نفت را بعضیانی سرمایه آور تر از آنچه شرکت سابق نفت تولید مینمود افزایش دهند . برای این منظور از یک طرف با تعویض وسایل قدیمی و نصب وسایل و دستکاههای عظیم تر و جدید تر ، مقدار نفت استخراجی هرچاه را بالا تو بردند و از طرف دیگر با حفارچاههای جدید و گسترش منطقه ی عملیات ، تعداد چاههای نفت و تولید کلی آنها را افزایش دادند . ضمن عملیات حفاری چاههای جدید را به شرکتهای حفاری امریکایی بطریق بیمانتکاری واگذار نمودند .

واگذاری قسمتی از عملیات تولیدی و وظایف و خدمات اداری به شرکتهای بیمانتکاری خارجی و داخلی سیاست نویسی بود که نه تنها برای امور اکتشاف و حفاری های نفتی ، بلکه برای بسیاری از امور فنی بمورد اجرا گذاشته شد . از آنجا که اتخاذ این سیاست بخاطر دشمنی با طبقه ی کارگر ایرانی و استثمار هرچه بیشتر خلق محروم ما اتخاذ گردید ، در قسمت جداگانه بی تحت عنوان سیاست ضد کارگری کسرسیموم نقلت مورد بررسی قرار خواهیم داد .

بواسطه ی گسترش دامنه ی عملیات حفاری ، تعداد چاههای حفر شده در حوزه ی نفتی مسجد سلیمان جمعا به ۳۵۰ حلقه چاه افزایش پیدا نمود ، که تعدادی از آنها که در این اواخر حفاری شد تماما به منابع گازی برخورد نمود . نظر باینکه استخراج و صدور گاز این چاهها محتاج سرمایه گذاری خیلی زیاد و در نهایت از نظر اقتصادی بهره ی ایمن سرمایه داران غارتگر نبود ، مجددا دهانه ی این چاهها را بسته و بتن ریزی کردند .

در طی این عطیات خرابی حفاری بتدریج روشن گردید که ذخایر نفتی ناحیه ی مسجد سلیمان بواسطه ی استخراج خرماسم آبر نفت در ظرف بیست ساله ی اخیر، بآخر رسیده تا جایی که در سال ۵۲ میزان کل تولید نفتی منطقه ی مسجد سلیمان بانضمام ته طانده های چاههای ناحیه ی نفت سفید<sup>۱</sup> (۱) جمعا به ۲۰/۰۰۰ بشکه در روز کاهش پیدا نمود . برای اینکه از این مقدار نلچیز استخراج نفت تصوری بدست آید کفایت آنرا با تولید روزانه ی یک چاه معمولی نفت ناحیه ی گهساران یعنی ۶۰/۰۰۰ بشکه نفت در روز مقایسه نمایید .

همزمان با خشکیدن چاههای نفت مسجد سلیمان، زالوهای نفتخوار از این شهر بوسی مناطق که خون جوشانی از نفت دارند نقل مکان گردید . دفتر دستک های ادارات اکتشاف و تولید نفت از مسجد سلیمان به اهواز منتقل گردید و اهواز که خون تازه یی از نفت دارد بعنوان مرکز اداری و عطیاتی زالوهای نفتخوار کمانیهای غارتگر امریکایی و انگلیسی تعیین گردید .

شکل گیری شهر مسجد سلیمان

اولین مشکلی که اصرارالیم انگلیس در امر بهره برداری از چاههای نفت مسجد سلیمان و توسعه ی داضی عطیات خود و ایجاد تسهیلات و تاسیسات شهری با آن مواجه گردید خوانین بختیاری بودند . در آن زمان بعلت کمیت نظام ملوک الطوائفی فتوای خوانین بختیاری بر کلیه ی اراضی منطقه ی چهار محال و بختیاری حاکمیت مطلقه داشته و اراضی این مناطق منحصرا مسجد سلیمان در مالکیت آنها و محل تعلق همایر و رعایای آنان بود .

(۱) ناحیه ی بین اهواز و مسجد سلیمان

باین جهت شرکت نفت ایران و انگلیس میبایست برای استفاده از اراضی این ناحیه و تأمین امنیت جاهها و تاسیسات نفتی خود از هجوم مشایر بختیاری رضایت خوانین آنها فراهم سازد. برای این منظور کارگزاران شرکت نفت سه فقره قرارداد با خوانین فئودال بختیاری منعقد ساختند تا تسهیلات لازم را برای توسعه ی عطیات شرکت فراهم سازند.

مطابق قرارداد اول، خوانین بختیاری را در شافع حاصله از جاههای نفت مجاناً سهیم ساختند و هر ساله عواید و درآمد سهام منور را به چهار نفر از خوانین بختیاری که از طرف سایرین نمایندگان داشتند سپرداختند تا بین خوانین تیره های مختلف بختیاری تقسیم نمایند. طی قرارداد دوم که مربوط به خرید اراضی بود، مقرر گردید هر سال شرکت کلبه ی اراضی را که در حدود خاک بختیاری لازم داشت از ایل خانی و ایل بیگی بقیه ی خریداری نماید. و این دو نفر که خود را نماینده ی دولت میدانستند متعهد بودند که قیمت اراضی منور را به صاحبان اصلی آنها پرداخت نمایند.

قرارداد سوم در مورد حفاظت محل و امنیت جاهها و تاسیسات نفتی بود. به موجب این قرارداد، ایلخانی یکی از خانها را بمقتول سر مستحفظ شرکت معرفی میکرد و عده یی از افراد بختیاری را بعنوان تفنگچی در اختیار او میگذاشت. خان و تفنگچیهای بختیاری در ازای برقراری و تأمین امنیت تاسیسات نفتی حقوقی از شرکت نفت دریافت میکردند و علاوه بر آن شرکت سالی سه هزار لیره به ایلخانی پرداخت میکرد.

بعد ها، امیرالیهیم انگلیس با روی کار آوردن رضا شاه، این عامل دست نشانده ی خود و ایجاد حکومت دیکتاتوری مرکزی رضاشاهی و ایجاد نیروهای نظامی در ایران، بطور عمده نیروهای ژاندارمری مسئولیت حفاظت تاسیسات نفتی را در تمام ایران بالاخص در ناحیه ی زیرخیز مسجد

سلیمان بعهده گرفتند و نیروی تفنگچی بختیاری خود بخود از میان رفت اما رشوی سالی سنه هزار لیره بی شرکت نفت بخوانین بختیاری همچنان باقی ماند .

باین ترتیب میبینیم که کلیه ی فئودالهای محلی از ایل بیگی بختیاری گرفته تا شیخ خرگل و سایر مرتجعین و متنفذین محلی در غارت ثروتهای نفتی خوزستان و استعمار و بهره کشی مردم محروم این ناحیه با عوامل سیاسی و نفتی امپریالیسم انگلیس و بعد ها آمریکا همکاری و همراهی نزدیک از خود نشان دادند .

خانزاده های بختیاری که تربیت و تحصیلات خود را در مدارس و دانش گاههای انگلیس طوسی کرده بودند عملاً در راس سازمانهای نفتی و اداری شرکت نفت مشغولیت بهره کشی از نیروی انسانی عشایر محروم بختیاری و کارگران فقرزده ی محلی را به نازلترین دستمزدها بعهده گرفتند . در زمان کوتاهی تاسیسات آب رسانی از رود کارون در ۴۰ کیلومتری شهر و در ناحیه یی که بعد ها از طرف شرکت به "گدارلندن" نامگذاری شد ایجاد گردید .

انبارهای بزرگ جهت نگهداری وسائل یدکی و تجهیزات نفتی دایر شد . کارگاههای بزرگ تراشکاری و آهنگری ، نجاری و ریخته گری که کلاً بنام "هوک شاپ" معروف گردید ، برای تهیه و ساخت لوازم و قطعات یدکی و تعمیر دستگاها تاسیس شد .

برای سهولت امر حمل و نقل وسایل و تجهیزات استخراج نفت رود کارون از خرمشهر تا "درخزینه" واقع در ۶۰ کیلومتری مسجد سلیمان مورد استفاده قرار گرفت و با ایجاد خط آهن از درخزینه " تا مسجد سلیمان نقل و انتقال دستگاها در مسیر کوهستانی و شعب العبور ناحیه تسهیل گردید .

نیروگاه برق در ناحیه یی بنام "صعی" و در کنار رودخانه ی آب شور

کوچکی واقع در ۱۰ کیلومتری مرکز شهر ایجاد گردید .  
 برای امور ساختمانی ، کارخانه ی بزرگی که از طرف اهالی به  
 "گل پلنگ" ( ۱ ) معروف گردید تاسیس شد .  
 در کنار هرچاه نفت یا تاسیسات دیگر نفتی برای عده یی از کارگران  
 خانه های سرهم گردید ، و نام هر محل با اسم شماره ی آن چاه یا  
 تاسیسات مربوط نامگذاری شد .

برای مثال ، ناحیه ی نمره ی یک به منازل مسکونی گفته میشود که در کنار  
 اولین چاه نفت ساخته شده اند . بر این اساس مناطق بنامهای نمره  
 ۲ " " نمره ۱ " " نمره ۳ " " بوجود آمد . نواحی دیگری که بر اساس  
 نزدیکی به تاسیسات نفتی یا وضعیت نفتی نامگذاری گردیدند عبارتند  
 از : ناحیه ی ریل وی ( که کلمه ی انگلیسی راه آهن است ) ، پوله شاپ  
 ( کلمه ی انگلیسی کارگاه است ) ، انبار " افرنی " نفتن ، نفتک ، میدان  
 . . . . . تمام بقیه ی مناطق که ریشه ی نحلی دارد بیشتر بر اساس  
 نام آبادیهای قدیمی یا وضعیت طبیعی آنها نامگذاری شده است مثلا  
 نواحی : بی بیان ، کلکه ، تل بزون ، چشمه علی ، تلخ آب ، دوزه خرسنگ  
 . . . . .

باین ترتیب است که مسجد سلیمان بر اساس ضرورت های نفتی شرکت غارت  
 گر نفت از تعداد زیادی نواحی پراکنده بدون رعایت کوچکترین اصول  
 شهر سازی و مسکن ، بهداشت و رفاه مردم آن شکل شهر یا بهتر بگویم  
 نام شهر بخود میگیرد .

ما در اینجا برای اینکه شدت اختطار و بهرزه گشی گمانیهایی غارتگر

( ۱ ) اینجا کلمه ی پلنگ بجای کلمه ی انگلیسی پلنت  
 کارخانه است از طرف اهالی بکار برده شده است .



شرکت نفتی آمریکا را چه در دوره ی شرکت ملی نفت و چه در دوره  
 ملیت‌پرستان دهیم نگاهی به جنبه های مختلف زندگی مردم مسجد  
 سلیمان را در دوره ی ۶۰ ساله ی ظرفت نفت ایران بطور جداگانه مورد  
 بررسی قرار دهیم . اگرچه این بررسی فقط شبه یی از تجا و زات  
 اقتصادی کارگران جهانی نفت را در بر دارد و اما در همین اطلاعات  
 مختصر و کلی در خواهیم یافت که چگونه در حالیکه تروتهای زیر زمینی  
 وطن ما را به ثمن بخش میضا میرده اند نسبت به کوچکترین و حیاتی  
 ترین احتیاجات زندگی مردمی که در کنار این چاهها میزیسته اند یا بر  
 سر این چاهها نیروی زندگی و سلامتی و در بسیاری موارد حتی جان  
 خود را از دست داده اند بی اعتنا بوده اند .

باز در اینجا نشان خواهیم داد بعد از این همه قارتگری و بهره کشی  
 از طایع زیر این زمین و نیروی انسانی مردم محروم روی این زمین چگونه  
 و در چه شرایطی این شهر و مناطق اطراف آنرا ترك میکنند . خواهیم  
 دید افرادی که این استثمارگران آمریکایی و انگلیسی در مسجد سلیمان  
 امر لالی و هفتنگ کردند از نوع همان کارهایی است که چنگیز و  
 صاهمان آن بر سر خلق ما وارد ساختند یعنی آنچه را توانستند با خود  
 بخود بخارت بردند و ساختمانهای مسکونی را که نتوانستند با خود بیهضا  
 ببرند با پولد روز خراب کردند تا تعدادی بی از همان مردم محروم و  
 کارگران بیگار و اخراجی بی خانمان یا اجاره نشین این مناطق در آن  
 ساکن گردند .

### ساله ی مسکن

همانطوریکه گفته شد / شرکت نفت سابق در ابتدا ای شکل گرفتن شهر  
 مسجد سلیمان در طی عملیات توسعه و تولید نفت و بسته به نیازهای  
 خود در کنار هر چاه یا تاسیسات نفتی برای تعدادی از کارگران و استاد

کاران آن قسمت ساختمانهای بلوکی سنگی که هر کدام دارای چندین خانه ی محقر چسبیده بهم بود ایجاد نمود . این خانه ها عموماً فقط دارای يك اتاق بزرگ یا دو اتاق کوچک به انضمام آشپزخانه ی محقر و حیات خلوت کوچکی بود . و از آنجا که کارگران شرکت نفت اکثراً از عشایر بختیاری و از طبقات محروم جامعه بودند نظیر تمام خانواده های مردم وطن ما دارای فرزند ان خیلی زیاد بودند . به علاوه به علت همبستگی های قبیله ای و فامیلی غالباً علاوه بر فرزندانشان افرادی نظیر پدر و مادر و زن یا پدر و مادر شوهر باعضای خانواده اضافه میگشت . لذا کثرت افراد خانواده و کمی گنجایش منازل کارگری شرکت نفت موجب میگشت که عموم افراد خانواده در يك اتاق بخواهند و زندگی نمایند .

اما این عوامل و خصوصیات زندگی سنتی کارگر ایرانی و رفاه خود و خانواده اش برای غارتگران نفت اهمیتی نداشت . آنچه که مهم بود منافع آنان و اینکه تعدادی خانه با کمترین قیمت و مخارج ممکنه بویچود آورند . تا کارگر شرکت نفت بتواند چند ساعتی را در زیر سقف آن اطراق نموده و فردا با انرژی و قدرت زیاد تری برایش کار کند .

در بعضی از این مناطق کارگری نظیر نفتون و گلگه فشردگی منازل از يك طرف و کثرت فرزند ان و نبودن وسایل سرگرمی آنها از طرف دیگر موجب گردید اطفالی که در داخل منازل محقر خود دارای فضای حیاتی نبودند در کویچه ها رها شده و موجبات دافی بچه ها و دعوا های والدین آنها را فراهم سازند ، چیزی که از محله ی نفتون و گلگه ی مسجد سلیمان تا جوادیه ی تهران و احد آباد آبادان و در مناطق کارگری و فقر زده ی کشور ما بچشم میخورد . بطوریکه کارگر ایرانی بعد از ده ساعت کار و خستگی جانگاز روزانه بجای استراحت در خانج تازه باید در بی جستجوی سبب شکستگی پیشانی فرزندش یا حل اختلاف خانواده یا همسایه و هم خانه و هزاران مشکل داخلی و خارجی دیگر

خانوادگی خود برآید .

اینجاست که آشکارا میبینیم سیاست‌خانه سازی کمیانیهای غارتگر نظیر کلیه ی مظاهر نظام سرمایه داری و اجتماعات استعمار رده يك سیاست و روش طبقاتی است با این معنی که کارگر هیچه دستمزدش کمتر باشد باید باو خانه یا اطاق کوچگتری داده شود اما اگر کارمند یا دارای شغل و مقام و مسئولیتی باشد باید يك خانه با اطاقهای متعدد و بزرگها حمام و آشپزخانه و وسایل و بیلان مرتب باو داده شود .

در صورتیکه بالعکس باید به کارگری که عموماً دارای فرزندان زیاد و غالباً بعضی از پنج و شش فرزند هستند منزل بزرگتری داده شود تا آن کسی که پندرت دو تا سه فرزند دارد . اینجاست که میبینیم در شرکت غارتگر نفت معیار خانه سازی و تقسیم مسکن بر اساس احتیاج واقعی کارگران و کارمندان و تعداد اعضای خانواده ی آنها نیست بلکه بر مبنای حقوق پست و خلاصه وضعیت طبقاتی اوست .

در همین مسجد سلیمان و سر تا سر مناطق نفت خیز ساختمانهای بزرگ يك طبقه ی ویلابی همراه با منازل گلکاری و چمن کاری شده که در اصطلاح محلی "بنگله" نامیده میشود به کارمندان داده میشود که تعداد فرزندان آنها از دو تا بیشتر نمیشود . تازه در بسیاری موارد اینچنین بنگله هایی را همراه با آشپز مخصوص و يك مستخدم تنها بیک کارمند مجرد داده اند ! اینست گوشه یی از ماهیت سیاست طبقاتی مسکن و تبعیضات ظالمانه و ضد انسانی مناطق نفت خیز و سرتاسر خاک وطن ما ، با این تفاوت که در حوزه ی عملیات شرکتهای غارتگر نفت و شرکت به ظاهر ملی نفت بعلمت وجود حاکمیت مستقیم بیگانه این اختلاف و تبعیض های ظالمانه چشمگیر تر و محسوس تر است .

باز بموجب اجرای همین سیاست طبقاتی ، هر منطقه ی مسکونی مسجد سلیمان اختصاص به طبقه و قشر خاصی از کارکنان و کارگران شرکت

نفت دارد. مثلا منطقه ی کارگران درون پایه از کارگران فنی و استادکارها جدا بوده و بهمین منوال منطقه ی مخصوص کارمندان ارشد از کارمندان ساده بر مراتب تمیزتر و بزرگتر و سرسبزتر بود. و از حیث موقعیت محل و کیفیت خانه هر دو ی آنها نسبت به خانه های کارگری از وضعیت ممتازتر و بهتری برخوردار هستند. بهمین ترتیب منطقه های (نظیر \* تلخ آب \* و کوی خیام) که برای سکونت کارشناسان خارجی اختصاص یافته نیز از حیث وضعیت محل و ساختمان منازل از محل و خانه های کارمندان و کارشناسان ارشد ایرانی بر مراتب ممتازتر و اشرافی تر ساخته شده است.

برای مشاهده ی شدت این اختلاف طبقاتی و بهیچوجه التیهای ضد انسانی کانیست از منطقه ی سکونی کلکه یکسره روانه ی کوی کارشناسان امریکایی در ناحیه ی تلخ آب شوید. این اختلاف بر مراتب از اختلاف بین احمدآباد و ترم آبادان زیادتر و چشمگیرتر است. آنچه که تا کنون گفتیم در زمینه مقایسه ی منازل کارگری و کارمندی و منازل کارشناسان بیگانه بود، اما مشکل و مسله ی اصلی مسکن برای توده ی مردم از همان بدو تشکیل مسجد سلیمان، مساله ی داشتن و نداشتن مکان و ماوای زیست و سکونت است باین معنی که هم در دوره ی غارتگری شرکت سابق نفت و هم در دوره ی کنسرسیوم نفت تحت عنوان اینکه کلیه ی اراضی در تملک شرکت نفت است و هیچکس حق تملک و ساختمان زمینی را ندارد، از هرگونه خانه سازی از طرف مردم جلوگیری بعمل آمده است.

اینگونه افراد بدون مسکن عموماً کسانی بودند که در استخدام شرکت نفت نبودند، اما بانجام وظایف و خدمات گوناگون بطور غیر مستقیم منافع شرکت خدمت میکردند. برای نمونه توده ی مردم میکه مشاغلی نظیر نانواپی، بقالی، قصابی، سبزی فروشی، نظافتچی، روزنامه فروشی، معلمی، کارمندی ادارات دولتی و . . . . . را انجام میدادند خود بخود گوشه یی از

خدماتی را که شرکت نفت میبایست با استخدام پرسنل بانجام برساند اینان شخصا با درآمد نلچیزی انجام میدادند. با اینهمه شرکتهای غار-تگر نفتی نه برای آنها حاضر ساختن مسکن بود و نه بآنها اجازه ی خانه سازی میداد. اینجاست که چهره ی زشت و ضد انسانی تسلط خارجی را بر حیاتی ترین شئون زندگی خلق محروم ایران مشاهده میکنیم. آیا ظلمت و خواری برای يك ملت از این بالاتر که حتی برای ساختن يك اطافك خشتی از سرزمین پهناور وطن خود محتاج به اجازه ی عوامل بیگانه باشد؟ آنهم درحالتیکه ضمن عوامل استعماری هست و نیست کشور ما را غارت میکنند! و حال آنکه در همین کشورهای امپریالیستی امریکا و انگلوس خرید يك وجب زمین برای اتباع بیگانه تابع آنچنان مقررات سخت و سنگینی که غالبا غیر مسکن و در صورت امکان قیمت هر متر مربع آن هم ارز خونبهای اجداد استعمارگر آنها تمام خواهد شد.

اما برای مردمی که در زیر آسنان خدا مالك حتی يك وجب زمین نبودند بالاتر از سیاهی دیگر رنگی نبود و بی اعتنا باین تصمیمات و ضوابط استعماری و ضد انسانی بر فراز تپه ماهورها و در دامنه ی دره ها با استفاده از سیاهی شب سنگ و گل ها را بر روی هم انباشتند و چهار دیواری برای خود درست کردند. در بسیاری موارد مأمورین و عوامل شرکت پس از آگاهی آنها را فرو میریختند، اما غالب اوقات بازمان ایرانی با رشوه و حق حساب موضوع را ندیده میگرفتند.

بد نهال ملی شدن نفت و کوتاه کردن دست امپریالیسم انگلیس از منابع نفتی، مردم علیرغم اوضاع دشوار اقتصادی، در غیاب سلطه ی خارجی و در پناه حکومت ملی مصدق با استفاده از زمین رایگان بساختن مسکن مسکونی پرداختند و همین سیاست دکتور مصدق در مورد واگذاری زمین رایگان برای امر مسکن و خانه سازی موجب گردید که در دوره ی کوتاه حکومت دکتور مصدق شکل مسکن در مسجد سلیمان و سایر نقاط ایران

نظیر تهران بدون صرف هزینه از طرف دولت، مستقیماً بوسیله ی نیروی مردم تا حدود زیادی مرتفع گردد.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد و استقرار کسرسیوم غارتگر نفت در مسجد سلیمان و سایر مناطق نفت خیز، همان سیاست شرکت سابق نفت در مورد مساله ی مسکن و خانه سازی تصقیب گردید. با این تفاوت که این بار از ساختمان فلجاقی منازل مسکونی بشدت معانعت بعمل آمد. اما مردمی که تمام راهها را بروی خود بنسته میدیدند چاره بی جز این نمیدیدند که همچنان در نقاط دور افتاده و خارج از دید مأمورین ویا استفاده از سیاهی شب به خانه سازی بپردازند تا جایی که امروز بسا به ضد رجعت مطالب روزنامه ی اطلاعات مورخ یکشنبه ۱۸ فروردین ۵۴ اکنون در مسجد سلیمان ۱۲ هزار خانه ی بدون سند وجود دارد.

با توجه به جمعیت شهر مسجد سلیمان (حدود هشتاد هزار نفر) و اینکه در بسیاری از خانه های مسکونی چندین خانوار زندگی میکنند میتوان ادعا نمود که تجاوز از ۹۰ درصد جمعیت شهر مسجد سلیمان در منازل غیر شرکئی که از نظر کمیانیهای غارتگر نفتی، ساختمان این منازل غیر قانونی و فاقد سند رسمی مالکیت است ساکن میباشند و باز باین نتیجه میرسیم که از نقطه نظر ضد انسانی این نفتخواران جنایت کار ۹۰٪ از جمعیت مردم مسجد سلیمان باید آسمان جل و بیخانمان باشند! ننگ و نفرت برتوسواد ای استعمار! ای دشمن خلق ها! در انتظار شما و شاه دست نشانده ی شما بساد، چنگال انتقام خلق ما!

در سالهای بعد از کودتای ۲۸ مرداد و آغاز فعالیت کسرسیوم نفت، امیرالایسم زخم خورده ی انگلیس با همدستی پانکی های خونخوار امریکا، بی برای انتقام از توده ی مردم و پشتیبانی آنها از ملی شدن نفت و جانشانیهای آنها به حمایت از حکومت ملی دکتر همدق سیاست خشن

ترو ضد انسانی تری در تمام زمینه های زندگی مردم مسجد سلیمان و سایر مناطق نفت خیز در پیش گرفتند که در قسمتهای مربوط بآنها اشاره خواهیم کرد .

اما مظاهر این سیاست ضد انسانی در زمینه ی مسکن این بود که علیرغم افزایش جمعیت نه تنها از هر گونه فعالیت های خانه سازی با شدت عمل ممانعت بعمل آوردند بلکه خود نیز در این زمینه يك سنگ روی سنگ گذاشتند ، تا جایی که برای کارشناسان نفتی کشور سها دار کنسرسیون بجای ایجاد ساختمانهای سنگی و آجری بنگله هایی ساختند که قطعات مختلف آن از چوب مخصوص و قابل سوار شدن و پیاده شدن بود . چنانچه بار دیگر ملت قیام نماید و آنها را بیرون براند بتوانند قطعات را پیاده نموده و با خود همراه ببرند و اگر هم نتوانند لاقط پول زیادی را از دست نداده باشند ! گفته میشود روزی که بدنبال ملی شدن نفت کارشناسان انگلیسی از مسجد سلیمان بیرون رانده شدند آنها در حشر تاسیسات نفتی و خانه های پرخرج و زیبایی بودند که در ایران بجای میگذاشتند و میدیدند که بزودی کارشناسان ایرانی ساکن این خانه ها و بنگله های زیبا خواهند شد که به هزینه ی امپریالیسم انگلیس ساخته شده است . لذا با عبرت از گذشته و هراسان از قهر مردم ، برای کلیه ی کارشناسان کنسرسیون یکجا در ناحیه ی دنج و دور از شهر بنام تلخ آب خانه هایی ارزان قیمت از نوعی که ذکر شد ایجاد نمودند و از آنجا تا اداره ی مرکزی شرکت جاده ی اختصاصی ایجاد نمودند تا باین وسیله سلامت جانی آنها را از حملات احتمالی مردم تامین نمایند و یاز بهمین خاطر کلیه ی نیازهای زندگی آنها را از لحاظ زمین و وسایل ورزش سهر مارکت ، باشگاه ، مدرسه در همان ناحیه ی تلخ آب یا در نزدیکی آن فراهم ساختند و با گاردن مامورین حفاظتی در همین منطقه از جان خود و خانواده هایشان شدیداً مراقبت بعمل میآوردند .

بهر حال یکی از انگیزه های عمده بی که شرکت سابق نفت و کمرسیوم نفت در جلوگیری از فعالیتهای خانه سازی و بطور کلی ساختمانی داشتند این بود که آنها بخواهی میدانستند با بهره برداری های سرسام آور از چاههای نفت در آنیه ی نزدیکی نفت این چاهها بیایان خواهد رسید و با اتمام نفت چاهها، شیرازه ی شهری که روی تولید نفت درست شده از هم خواهد پاشید و عوارض صیبت بار خشکیدن چاهها بر زندگی مردم این شهر محسوس و چشمگیر خواهد بود و کوس رسوایی استعمار و غارت گران نفتی در گوشهای سنگین مردم استعمار زده طنین آگاهی و طغیان خواهد افکند. لذا صلاح آنها در این بود که از گسترش تاسیسات شهری مسجد علیمان و جذب جمعیت زیاد تر با حد اکثر نیرو و کوشش جلوگیری بعمل آورند. بطوریکه شرکت سابق نفت علیرغم افزایش جمعیت شهر، از افزایش تعداد دکانها و مغازه ها و ساختمان هر نوع محل کسب جدیدی شدیداً جلوگیری بعمل می آورد و تعداد دکانها در حد همان محدودی که خود ایجاد کرده بود باقیماند. همین امر موجب گردید تعداد زیادتری در راه گرد و همچنین بساطچی هایی که در زیر یک چادر یا سایبان اجناس خود را پهن میکردند افزایش پیدا نماید. تا اینکه در زمان حکومت دکتر صدق اجازه ی ساختمان محل کسب با استفاده از اراضی ارزان قیمت به اصناف واگذار گردید. بدنبال آن مسجد سلیمان صاحب بساط و زارو شهرت گردید. این بازار "به بازار صدق" معروف گردید. بعد از کودتای ۲۸ مرداد نام این بازار به بازار حمام تبدیل یافت اما تا مدتها بعد از سقوط حکومت دکتر صدق و علیرغم محیط اختناق و خفقانی که رژیم کودتا برای مردم ایجاد کرده بود باز تا مدتها مردم از آن بنام بازار صدق نام میبردند.

در سالهای اخیر برای ترویج هرچه بیشتر زندگی مصرف در میان مردم



اجازه ی ساختمان و ایجاد مغازه های گوناگون لوکس فروشی و کالاهای تجلی در ناحیه ی مرکزی شهر که بنام نمره یک خوانده میشود به سرمایه داران محلی داده شد. این مغازه های لوکس فروشی همراهِ با شعبات بانکها و سینماهای متعدد بمركز شهر جلا و ظاهر پرتیق و برق انقلاب سفیدی بخشیده است.

در یکی دو سال اخیر مردم مسجد سلیمان شاهد شد انسانی ترین اعمال غارتگران نفتی در مرزین غارت شده هستند، باین معنی که مواطن غارتگر نفتی اکنون که بمناسبت اتمام نفت چاههای مسجد سلیمان کارگران و کارمندان را اخراج و خود آنجا را ترك میکنند بسیاری از ساکنان کارگری و کارمندی را که باین ترتیب تخلیه میشود بجای واگذاری بمردم بیخانمان بوسیله ی بولدزیر با خاک یکسان میکنند در حالیکه طی سالیان متصادی اداره ی فرهنگ مسجد سلیمان برای تأمین خانه و مسکن جهت معلطان و دبیران غیر محلی با شرکت نفت درگیر و در بود و هیچگونه اقداماتی از طرف شرکت در این مورد انجام نگرفت، این غارتگران خلق حتی امروز نیز خواب کردن این منازل را بر واگذاری آنها به کسانی که با کمترین حقوق وظیفه ی تعلیم و تربیت فرزندان خلق را بعهده دارند ترجیح میدهند. اینجاست که مردم زحمتکش مسجد سلیمان و سایر مناطق نفت خیزی که نظیر این اعمال ضد خلقی را با چشمان باز میبینند، با قلبهای آگاه و پر کینه احساس میکنند که بین خلق استعمار زده ی وطن ما و غارتگران جنایتکار امریکایی و انگلیسی هیچگونه رابطه و پیوند انسانی وجود ندارد و آنچه که میان ما و آنها حکم (دور) خواهد بود چیزی جز آتش سلاح خلق ما نخواهد بود.

مشکل آب شهر

چه شرکت سابق نفت و چه کنسرسیوم نفت حتی از تأمین ابتدایی ترین

احتیاج مردم یعنی آب خود داری کردند. و در این مورد نیز شفقت  
 طبعی خود را بر رفاة مردمی که مورد خصم و بهره‌کشی آنان بودند ترجیح  
 دادند.

آب آشامیدنی شهر مسجد سلیمان از رود کارون که از ۴ کیلومتری مسجد  
 سلیمان میگذرد تامین میشود. در ناحیه بی‌خام گمار لندن بوسیله ی  
 تلمبه‌هایی که در کنار رودخانه قرار دارد آب شهر به مخازن نظری که در  
 ناحیه بی‌خام مشرف به شهر ساخته شده وارد و پس از ته نشین شدن گل و  
 لای آن وضد عفونی با کلر بین منازل شرکتی تقسیم میشود. اما منازل  
 غیر شرکتی که در گذشته حدود ۸۰٪ جمعیت شهر مسجد سلیمان را شامل  
 میشد از آنجا که از نظر مقامات شرکت، این منازل غیر قانونی بودند، لذا  
 هیچگونه حق حیات و بالتبیین هیچگونه استفاده از آب لوله‌کشی شهر  
 برای آنان قایل نبودند.

تنها برای رفع احتیاج آب آشامیدنی روزانه شرکت حاضر شد در محل  
 ناحیه یک شیر عمومی فشاری (۱) به مردم آنها صدقه کده تازه این شیر  
 در ساعات محدود و مومینی از روز آب داشت، باین ترتیب که صبح قبل  
 از شروع کار شرکت حدود یکساعت ظهر باز حدود یک ساعت عصر بعد از  
 خاتمه ی کار شرکت حدود یکساعت ونیم و شبها مطلقا فاقد آب بودند.  
 کمی تعداد شیرهای عمومی آب از یکطرف محدود بودن ساعت برداشت  
 از طرف دوم و زیادی جمعیت استفاده کننده از این شیرها، از طرف  
 سوم موجب میگردد که در ساعات مزبور از حمام عجمی از جمعیت هر سر  
 شیرهای آب بوجود آید و غالب اوقات هر سر رعایت نوبت عوامی شده بود.

(۱) نصب شیرهای آب فشاری در اماکن عمومی حتی امروزه بخاطر دل  
 سوزی دولت برای مردم است بلکه از نظر فنی برای خنجر هوای موجود در  
 شبکه ی لوله‌کشی شهر و سهولت جریان آب امری الزامی است.

بین مردم بپا گردد و ساعتها وقت مردم در انتظار نوبت و انزوی آنها در حجل و نقل سطل های آب به گذر رود .  
 مساله ی آب آشامیدنی برای مناطق که در سینه ی کوه و تپه ایجاد شده اند از آنجه تا کهن گفتیم هم بدتر است چه اهالی مجبورند سطل های پر آب را از شیر آب که در پایتترین قسمت قرار دارد در سینه کش کوه و تپه نفس زنان تا خانه ی خود بالا بکشند . چه بسیار زنان باردار و کارگران و سایر اقشار محروم این مناطق بر سر محل آب بچه ی خود را در همان دوران بارداری از دست دادند . آری اینست مسایل مردم آنهم در زرخیزترین سرزمین وطن که شاید برای آنان که از دور دستی بر آتش دارند و ببینند آنها با زندگی و درد و رنج مردم گمسته است تصورش هم غیر ممکن است .

مشکل دیگری که در گرمای تابستان بر سایر مشکلات آب آشامیدنی مردم اضافه میشود این مساله است که بعلت قلزی بودن مخازن ذخیره ی آب و تابش مستقیم آفتاب سوزان تابستانی این ناحیه بر آنها ، آب لوله کشی شهر آنچنان داغ میگردد که حرارت آن دست و بدن را میسوزاند .  
 حال تصور نمایید چنانچه کارگری در آن گرمای ۵۰ درجه ی تابستان مسجد سلیمان به خاطر نجات از گرما ، قصد آب تنی نماید چه وضعیت برای وی بوجود خواهد آمد ؟

حال بیهنیم ریشه ی این مشکل و سایر مشکلات از کجا سرچشمه میگردد ؟ واضح است که شرکت غارتگر نفت بجای اینکه مخازن ذخیره ی آب شهر را در این منطقه ی گرمسیری بصورت حوضچه های با عمق کافی در سطح زمین ایجاد نماید ، برای اجتناب از هزینه و خرج زیاد از مخازن قلزی که در معرض تابش مستقیم آفتاب قرار میگیرند استفاده کرده است .  
 مشکل دیگری که در رابطه با گرمای سوزان تابستان و آب داغ لوله کشی این شهر برای مردم پیدا میشود مساله ی بنام "بیخ" میباشد . شرکت

غاصب نفت يك كارخانه ی بیخ سازی در حد احتیاج کارکنان خود ایجاد نمود که بهر خانواده جیره بی بهیزان یک چهارم قالب بیخ در مقابل پرداخت قیمت آن معین گردید .

اما برای اکثریت مردم غیر شرکشی تنها يك كارخانه کوچک خصوصی موجود بود که برای تهیه ی بیخ میبایست از صبح خیلی زود در صف طولانی به انتظار ایستاد و معمولا در موقع تقسیم فروش بیخ آنچنان مردم از سر و کول هم بالا میروفتند که چه بسا دعوای و سر و دست شکستن ها پیش میآید دست آخر هم عده بی با دست خالی بر میگشتند . این وضعیت موجب گردید که "کون" های بیخ شرکشی بازار سیاه پیدا نماید و عده بی از کارگران کم درآمد شرکت سهمیه ی بیخ خود را با قیمت زیادتری به افراد غیر شرکشی متکثر و مرفه واگذار نمایند . گردانندگان کارخانه ی بیخ سازی غیر شرکشی نیز با سوءاستفاده از تقاضای مرسوم آور مردم برای بیخ بهر قیمتی که دلشان میخواست محصول خود را بفروش میرساندند .

فرهنگ

همانطوریکه قبلا اشاره شد گردانندگان شرکتهای غاصب نفت مسجد سلیمان را از دید يك شهر موقتی مینگریستند که با اتمام جاهای نفت میبایستی به حیات آن خانه داده شود و آثار جرم غارتگریهای نفتی خود را محو و نابود نمایند . لذا از هرگونه صرف هزینه و سرمایه گذاری در جهت گسترش شهر و تأمین وسایل رفاه مردم آن ابا و اجتناب میکردند .

تأمین و تعمیم فرهنگ و تعلیم و تربیت فرزندان کارگر و مردم محلی مسجد سلیمان یکی از آن مواردی بود که هم مقامات شرکت و هم عوایل رژیم دست نشانده در ۶۰ سال اخیر بشدت نسبت بآن حساسیت و وحشت داشته اند زیرا خوب میدانند که تحصیل و آگاهی فرزندان مردم تحت ستم و استثمار بادامه ی تسلط استعمار و رژیم های ضد خلقی را دشوار و چه

بسا غیر ممکن خواهد ساخت لذا باید آنها را در بیسوادى و جهل  
 مطلق باقى گذاشت و اگر در جایی نظیر مسجد سلیمان هم لازمه ی  
 استفاده از نیروی کار و کارگر ایرانی در جهت بهره گیری و غارت منابع  
 ملی مورد نیاز استعمار و دولت دست نشانده ی آن با سواد کردن مردم  
 را ایجاب نماید باید این سواد در حد اقل میزان خود و درجهتی  
 باشد که برای کار یک کارگرفتی یا یک تکسین در کارگاه یا کارخانه مورد  
 احتیاج است نه بیشتر!

چون کارگری که فقط سواد خواندن و نوشتن اعداد و ارقام و اندازه را  
 بداند بهتر میتواند برای استعمارگر خارجی و سرمایه دار چپاولگر  
 وابسته بآن کار و خدمت نماید .

بر این اساس در زمان حاکمیت شرکت نفت ایران و انگلیس و تا ملی شدن  
 نفت جز یکی دو دوره ی ابتدایی در مسجد سلیمان نشانه ی دیگری  
 از تعلیم و تربیت چشم نمیخورد . در دوران کوتاه حکومت دکتر مصدق  
 و علیرغم مشکلات مادی و اقتصادی دولت ملی وی در نواحی پر جمعیت  
 مسجد سلیمان که فاقد دبستان بود مدارس ابتدایی تأسیس گردید . در  
 همین دوره ساختمان یک دبیرستان خیلی بزرگ در مرکز مسجد سلیمان  
 نیز آغاز گردید که بعد ها مقامات دولت کودتا بناچار ساختمان آنرا به  
 اتمام رسانیدند .

در دوره ی تسلط و غارتگری کمرسیوم نفت ، ساختن دبستان و دبیرستان  
 یکی از موضوعات مورد اختلاف همیشگی بین مقامات شرکت و گردانندگان  
 اداره ی فرهنگ مسجد سلیمان بود . باین معنی که شرکت نفت ساختن  
 مدارس و دبیرستانها را وظیفه ی اداره ی فرهنگ میدانست و مردم را  
 به آنها حواله میداد . اداره ی فرهنگ هم در مقابل تقاضاهای رایسم  
 التزاید مردم به دبستان و دبیرستان از بودجه ی ناچیز اداره ی فرهنگ  
 مسجد سلیمان و توانایی مالی شرکت نفت و وظیفه ی آنها در این باره

صحن میراند .

شرکت نفتی که بر تمام شئون حیاتی شهر سلط و حاکمیت داشت و خود دولتی در دولت بوجود آورده بود آنجا که پای تاسمین فرهنگ و ساختمان مدارس پیش میآید از حاکمیت دولت دست نشانده ی شاهنشاهی و صولیت وزارت فرهنگ در این خصوص دم میزد .

با نتیجه کسی تعداد مدارس از یکسو و افزایش سرسام آور تعداد دانش آموزان از سوی دیگر موجب گردید که مثل تمام قضایای دیگر چاره ی مشکل را بضرر و زیان مردم جستجوی نمایند . باین معنی که مدارس را نیمه وقت اعلام نمایند یعنی یکدسته از دانش آموزان صبح و دسته ی دیگری بعد از ظهر به مدرسه بیایند تازه در همین کلاسهای نیمه وقت تعداد دانش آموزان از ظرفیت و گنجایش کلاس و میز و نیمکت زیاد تر بود چه رسد به حوصله و قدرت معلم متوسطه ! در کلاسهای پائین دبستان تعداد دانش آموزان و کلاس بین ۵۰ و ۶۰ نفر متغیر بود .

حال تصور نمایید در ناحیه ی خوزستان و خصوصاً مسجد سلیمان که به علت گرمای طاقت فرسای هوا سال تحصیلی پنج تا شش ماه بیشتر نیست نیمه وقت شدن مدارس چه فاجعه ی فرهنگی برای تعلیم و تربیت فرزندان توده ی محروم این شهر بهار خواهد آورد . با توجه باینکه امروز هم در سایر مناطق نفت خیز که حیاتی ترین ثروت این مملکت بهیضا رفته و می رود گردن اش اوضاع بر همین پاشنه چرخیده و میچرخد .

میتوان ادعا نمود که فرمول نیمه وقتی مدارس برای اولین بار در همین مسجد سلیمان یعنی غارتگاه ثروتهای ملی اختراع گردید . علاوه بر آنچه گفته شد مسله ی کمی مدارس از یک طرف و پراکندگی مسجد سلیمان به نواحی و قسمتهای متعدد و مجزا از طرف دیگر موجب میشد که حاصلین برای رفتن دبستان یا دبیرستان کیلومتر ها راه را یا بطور تلجافتی با کامیون های کارگری شرکت و یا با پای پیاده طی نمایند .

همه ی آنها بیکه تحصیلات خود را در مسجد سلیمان انجام داده اند هیچ  
گاه خاطره ی کوره راههای طولانی را که برای رفتن بطدرسه از فراز و نشیب  
تپه ها و دره ها و از کارچاهها و لوله های نفت میگذاشتند فراموش  
نخواهند کرد و باز فراموش نخواهند کرد آن روزهایی را که با کیف و کتا  
همراه کارگران و در لابلای صفوف آنها در درون کامیونها ی چادری به  
مدرسه میرفتند و در تمام طول راه در این واژه و دلهره بودند که مبادا  
ام بی (۱) موتور سیکلت سوار فرا رسد و بطور وحشیانه آنها را از این سرویس  
های کارگری در میانه ی راه پایین بکشد .

این روزها خاطرات طموس حاکمیت استعماری غارتگران خارجی است  
با اتمام نفت و خشکیدن چاهها شکل فرهنگ باز به گونه یی دیگر و ضد  
انسانی تر از گذشته هنوز در این شهر و سایر مناطق نفت خیز تا اقصی  
نقاط ایران ادامه دارد .

برای شاهد مطلب چند رجات روزنامه ی اطلاعات مورخ ۱۸ فروردین ۵۳  
از قول نماینده ی مسجد سلیمان در جلسه ی فوق العاده ی انجمن استان  
خوزستان در استانداری اهواز استناد مینماییم : " انتقال شرکت نفت  
از مسجد سلیمان که دارای سابقه ی درخشان ۶۰ ساله ی صنعتیست  
وضع اسفناکی بر آن بخشیده است ۱۴۰۰ هزار خانه ی بدون سند در  
مسجد سلیمان وجود دارد .

(۱) - ام بی ( ) مخفف کلمه ی  
پلیس نظامی و در زمان است . که توسط شرکت نفت سابق برای کنترل کار  
گران و وسایل نقلیه و حفاظت از تاسیسات نفتی با اونیفورم مخصوص در  
مسجد سلیمان تشکیل شده بود .

بدنبال انتقال شرکت نفت : اتیووسراتی مسجد سلیمان نیز که توسط این شرکت اداره میشد جمع گردید و همین امر سبب اختلال در رفعت و آمد اهالی بخصوص دانش آموزان شده است .

ملاحظه میشود که شرکتهای غارتگر نفت بعد از مکیدن شیرهای جان مردم و ثروتهای ملی آنان حتی حاضر نشدند اتیووسهای قراضه ی شهری را که مورد استفاده ی مردم و دانش آموزان بود به شهر داری این شهر واگذار نمایند . در مورد معلمین این شهر بعد از ساله ی اصلی یعنی ناپهیز بودن حقوقی که مشکلی مبتلا به کلیه ی فرهنگیان کشور است مسلمن مطرح است . از آنجا که معلمین مسجد سلیمان نظیر سایر افراد و اهالی از شهرها و مناطق دیگر باینجا آمده اند ، مشکل محل سکونت از همان ابتدای کار ظاهر میشود ، برای يك معلم یا دبیر با آن کمی حقوق و گراتی میزان اجاره ی منازل غیر شرکتهای ، کمی تعداد خانه های اجارمندی نبودن آب در این منازل ، تمیز نبودن آنها و بسیاری عوامل دیگر مشکل مسکن به صورت يك اساسی جلوه گر میشود . باین لحاظ بسیاری از معلمین و دبیران ورزیده ی شهرهای دیگر حاضر به خدمت در مسجد سلیمان نیستند و اگر بخاطر فوق العاده ی خارج از مرکز و حق بدی آب و هوا به این شهر بمانند پس از مدتی آنها را ترك میکنند .

در يك چنین شرایطی مقایسات غاصب شرکت حتی از ساختمان نازن صحرایی یا واگذاری منازل که مورد نیاز شرکت نبود خود داری میکردند و همانطور که گفتیم امروز که شرکت جل و پلاس خود را از این شهر برچیده با منازل شرکتهای همانکاری را کرده که همکاران جنایتکار اسرائیل آنها موقع عقبنشینی از سرزمینهای اشغالی برادران عرب و فلسطینی میکنند ، یعنی آنچه را که ساخته اند با بولد ز خراب میکنند تا مبادا مورد استفاده ی خلسق استعمار زده ی ما قرار گیرد .

با وجود اینکه شهر مسجد سلیمان بعنوان مرکز اکتشاف و تولید نفت



تجارت از ۶۰ سال بعنوان یکی از نقاط صنعتی کشور بوده گردانندگان شرکت حتی از ایجاد یک هنرستان صنعتی یا مدرسه ی فنی در این شهر بخود داری مرزیده اند و با بودن عظیم ترین کارگاههای فنی و تعمیراتی و آزمایشگاههای مجهز شیمیایی و معدنی در دبیرستانهای این شهر تا امروز هم فاقد آزمایشگاه فیزیک یا شیمی یا کارگاه هنری و فنی هستند و دبیرستان در این شهر مثل تمام دبیرستانهای کشور دانش آموز فقط با طس و شکل لوازم و دستگاههای شیمیایی و فیزیکی در داخل کتاب یارویی نغته ی سیاه سرورکار دارد . اینست فرهنگ استعماری و آخویش و پرورش محمد رضا شاهی !

وضعیت بهداشتی

با توضیحی که در مورد لوله کشی شهر و فقدان آب داده شد خود بخود تکلیف بهداشت شهر روشن است واقعا تعجب آور است که بگویم شهری که در ۴ کیلومتری پر آب ترین رود ایران قرار دارد و بازر تعجب آور این که بگویم شهر صد هزار نفری مسجد سلیمان دارای یک حمام است که قسمتی از اوقات ریز زانه و سالناتی از ریز مردانه است! بحالت وضعیت خاص شهر و منازل غیر شرکشی، از مدتها قبل در چند نقطه ی شهر توالت های عمومی ساخته شده که بحالت نداشتن چاه فاضلاب بهراکز تعفن و کثافت و گائین بیماری تبدیل شده است .

از همان آغاز فعالیت شرکت و استخراج نفت گازهای گوگردی چاههای نفت که بوسیله ی دستگاه مخصوص از نفت جدا میشد بجای لوله کشی آن بمنازل جهت تامین مصارف خانگی، این گازها را در همان نزدیکی چاه میسوزانیدند . باین لحاظ به تمدن چاههای نفت در گوشه و کنار شهر شعله های عظیمی از گاز نفت شبانه روز در حال سوختن بود . این شعله ها آنچنان متعدد و بزرگ بود که شبها تمام اطراف و نواحی شهر در زیر

پرتو آنها روشن میشد. طی بیش از ۶۰ سال مقامات شرکت برای استفاده مردم از این گازها هیچگونه کوششی بعمل نیاوردند. و این عمده های گاز با ایجاد گازهای سمی نه تنها به آلودگی هوای شهر و سلامت مردم زبان میرسانیدند بلکه در فصل تابستان بر گرمای سوزان هوای شهر مزید بر علت شده و مسجد سلیمان را به جهنم سوزانی بدل میساختند. در سالهای اخیر فعالیتهای زیادی که برای حفاری چاههای جدید بعمل آمد بسیاری از چاهها به گاز برخورد نمود که رها کردن یا سوزاندن گاز این چاهها در هوای اطراف محیط این شهر از لحاظ تنفسی به طرز عجیبی خفگان آور گردید.

در طی همین عملیات یکی از چاههای گازی در ناحیه ی مثل بزین " با تمام فشار گاز خود آتش گرفت و بیش از یکماه آتش سوزی آن ادامه داشت و مردمیکه از همه چیز محروم بودند از ابتدای ترین نعمت طبیعت یعنی هوای سالم محروم گردیدند.

جنایتکاران امریکایی و انگلیسی که در کشور خودشان هزاران قید و بند و مقررات سخت و شدید در مورد جلوگیری از آلودگی هوای شهرها دارند در کشور شاهنشاهی دست نشانده و نوکر خودشان هیچگونه قید و بندی در آلودگی هوای شهرهای مناطق نفتی احساس نمیکند. امروز همین وضعیت مسجد سلیمان برای شهرهای اهواز، آغا جاری، گچساران، آبادان و بندر شاهپور و جزیره ی خارك نیز صادق میباشد.

در طی ۶۰ سال در مقابل این آلودگیهای هوا تا کون هیچ نوع اقدامی در ایجاد فضای سبز و درختکاری در این شهر نه از طرف شرکتهای غارتگر نفت و نه از طرف سولین دزد و فاسد شهرداری بعمل نیامده است فضای سبز شهر منحصر به همان درختکاریها و چمنکاری اطراف منازل خارجیهها و کاروندان عالیرتبه ی شرکت است و حال آنکه کوه تلخ آب که محل اقامت کارشناسان خارجی است آنچنان مواردی درخت

کاری و فضای سبز است که منازل آن در لابلای درختان کم و ناپید است. وضعیت درمانی شهر تا این اواخر منحصر به مراکز درمانی شرکت بود که شامل دو مرکز درمانی شهر و یک بیمارستان شرکت بود. استفاده از بیمارستان شرکت و بستری شدن در آن منحصر به کارکنان شرکت بود و افراد غیر شرکتی تنها با پارتی بازی و توصیه و سفارش مقامات موثر شرکت قادر به استفاده از آن بودند.

در سالهای اخیر با پیچیده شدن مراکز درمانی شرکت یکی دو مرکز درمانی متعلق به شیر خورشید سرخ و یک بیمارستان کوچک (حدود ۲۰ تا ۳۰ تختخوابی) ایجاد شده است که در مقایسه با جمعیت شهر، بیمارستان های مزبور فقط در حد احتیاج افراد پارتی دار و منتفذ شهر است و بسیاری از مردم برای کوچکترین عطیات جراحی نیاز هستند به بیمارستان های دولتی یا خصوصی اهواز مراجعه نمایند.

بعلت فقدان خدمات بهداشتی و درمانی شرکتی یا دولتی در این شهر اواخر بازار مطب و کترهای کلاش و تاجر حسابی پر رونق است و علاوه بر مردم شهر، عشایر و روستاییان تهیدستی را نیز که از دهات دور دست بآنها مراجعه میکنند، بیرحمانه غارت میکنند.

#### وضعیت کارگران

همانطوریکه قبلا گفتیم شرکت نفت ایران و انگلیس برای غارت چاههای نفت ایران نیروی کار عشایر بختیاری را با کمترین دستمزد به خدمت خود گرفت. استثمارگران و ستم امپریالیسم انگلیس نسبت به طبقه ی کارگر مسجد سلیمان تا ملی شدن نفت بطور ضد انسانی و وحشیانه بی ادانه یافت.

نزدیک به سی سال استثمار ظالمانه و زورگویی ها و توهین و تحقیرهای عمال انگلیسی نسبت به کارگران صنعت نفت، آگاهی اجتماعی و شعور طبقاتی آنان را بالا برد.

اولین ندای "ملی کردن نفت" از فریاد ناپید و پشتیبانی کارگران صنایع

نفت نیرو گرفت و شعار ملی شدن نفت به پیشوایی دکتر صدق توده‌ی رنج‌دیده و استعمار زده‌ی خلق ایران را بسیج و یکپارچه نمود. در مدت کوتاهی مسجد سلیمان و سایر مناطق نفت‌خیز به کانونهای شورش ضد امپریالیستی بدل گردیدند. آگاهی سیاسی و عزم راسخ همین کارگران نفخه‌های ناموفق احزاب اپورتونیست و بظاهر کارگری را که علیه شعار ملی شدن نفت ساز کرده بودند خاموش ساخت و تحت فشار و خواست ملی و طبقاتی همین اقشار کارگری، احزاب مزبور بناچار به شعار ملی شدن نفت تن دادند.

صفوف یکپارچه و عزم راسخ توده‌ی تحت‌ستم‌ها امپریالیسم انگلیس را بزانو درآورد و حکومت ملی دکتر صدق در اولین فرصت دست استعمارگران انگلیسی را از ذخایر نفتی و کلبه‌ی دستگاهها و تاسیسات نفتی کوتاه نمود.

کارشناسان انگلیسی که از ترس انتقام کارگران هیچ نوع تاحین جانی برای خود نمیدیدند در اسرع وقت خاک مسجد سلیمان را ترک کردند. بیجم انگلیس از فراز ساختمان اداره‌ی مرکزی شرکت نفت ایران و انگلیس در میان فریادهای شادی انبوه کارگران شهر بزرگ آباد و بیجم ایران و شرکت ملی نفت ایران برای اولین بار سر در اداره‌ی مرکزی شرکت به اهتزاز درآید.

در آن روزها خلق پید از شرکت غاصب نفت و برچیده شدن بساط امپریالیستهای انگلیسی مردم رنج‌دیده‌ی ایران بعد از سالها یکه تازی استعمار و امپریالیسم در ایران، برای اولین بار مرزهای آزادی و استقلال صلی را احساس می‌کردند.

از آن پس نوطئه‌های گوناگون استعمار و دربار و عناصر ارتجاعی علیه حکومت ملی دکتر صدق یکی پس از دیگری مرحله‌ی اجرا درآید و کارگران مسجد سلیمان هنگام با توده‌ی کارگری ایران در صف مقدم جنبش

علیه این توطئه های ارتجاع بهارزه برخاستند و حماسه ی جاویدان قیام شی ام نیرماه سال ۳۱ را بوجود آوردند .  
جنیش ملی و ضد امپریالیستی ایران به رهبری دکتر صدق عمیقاً در میان  
اقتدار کارگری نفوذ یافت از کارگاهها و تاسیسات نفتی گرفته تا دکان  
نانوایی و قصابی ، همه جا صحبت از نفت و غارتگرهای گذشته و امید  
های آینده بود .

حملت عدم فزوانی را در آن زمان برگرد هر را دیو شنیدن  
اخبار جنیش و پیروزیهای جدید ، دهها نفر اجتماع میکردند ، روزنامه ها  
و مجلات با تیتر های درشت در مورد جنایات امپریالیسم و فساد شاه  
و دربار و توطئه های ارتجاع در میان مردم دست به دست میگشت .  
روزنامه هایی نظیر باختر امروز در مسجد سلیمان بسرعت نایاب میشد و  
گاه با چندین برابر قیمت اصلی بفروش میرسید .

اما امپریالیسم جهانی و نفتخواران بین الطلی که منافع عظیمی را در  
ایران از دست داده بودند ، باین سادگی حاضر بحقب نشینی نبود  
و پیوسته با توطئه های ضد ملی ، توسط خاندان کشف پهلوی و مهره های  
خائن ارتش و ارتجاع در مدد سقوط حکومت ملی و ضد استعماری دکتر  
صدق برآمدند . بسیاری از این توطئه ها خنثی گردید ، اما سر  
انجام توطئه ی کودتای نظامی ۲۸ مرداد ۳۲ به پشتیبانی مستقیم  
امپریالیسم امریکا و انگلیس ، حکومت ملی دکتر صدق را ساقط و مقاومت  
مردم را در هم شکست .

با بازگشت حکومت دست نشاندگی شاه به ایران بکشتار آزاد پخواهان و  
توده ی مردم در سراسر کشور آغاز گردید .

دو شهر مسجد سلیمان و آبادان و سایر مناطق نفت خیز بسبب موقعیت  
خاص و موضع ضد امپریالیستی کارگران شرکت نفت مورد هجوم بیرحمانه ی  
نیروهای کودتا قرار گرفت ، بسیاری کشته و جمع کثیری دستگیر گردیدند .

در زیر سایه‌ی تریور و وحشت قرار داد نفت با کنسرسیومی مرکب از کما-  
 نیهای غارتگر امریکایی، انگلیسی، فرانسوی و هلندی منعقد گردید.  
 در زیر حکومت سر نیزه، کارشناسان بیگانه با ایران مراجعت و به سره  
 برداری مجدد از چاههای نفت آغاز گردید.

قدرتهای غارتگر نفت، زخم خورده از گذشته و با کینه‌های عمیقی که از  
 مبارزات نیروهای کارگری در دل داشتند در پی انتقام جویی اصولی بر  
 آمدند. در طی این عملیات انتقامی، مبارزین فعال زندانی و یا اخراج  
 گردیدند. با ایجاد محیط رعب و وحشت، امکان هرگونه اعتراض و اعتما  
 بی را مانع گردیدند و از آنجا که مبارزات وسیع ضد امپریالیستی کارگران  
 را ناشی از تجمع و همبستگی آنان میدانستند، برنامه‌ی وسیعی برای  
 از بین بردن این تجمع کارگری و اخراج کارگران صجد سلیمان و سایر  
 مناطق نفت خیز مهیا ساختند.

ما ذیلا کلیات این برنامه‌ی ضد کارگری کنسرسیوم غارتگر نفت را در صجد  
 سلیمان بررسی مینماییم. ضمنا لازم به تذکر است که مشابه همین اقدامات  
 نسبت به کارگران پالایشگاه آبادان و کارگران سایر مناطق نفت خیز نیز  
 اعمال گردید.

برنامه‌ی ضد کارگری کنسرسیوم نفت

### ۱ - اتوماتیک کردن تاسیسات نفتی :

کارشناسان بیگانه برای فراهم ساختن زمینه‌ی اخراج کارگران و بالا بردن  
 تولید و غارت بیشتر منابع نفتی، دستگاههایی را که بر روی چاههای نفت  
 قرار داشت با وسایل پیشرفته و خودکار تعویض کردند. لذا برخلاف  
 گذشته که بر روی هر چاه و در هر نوبت کاره‌حد اقل دو تا سه کارگر  
 مشغول کار بودند، با نصب دستگاههای فوق، نفت بدون دخالت کارگر

استقیما از چاه در خط لوله روزانه ی پالایشگاه یا بندر صادراتی آبادان میگردید .

کنترل خط لوله که تا آن موقع بوسیله ی اکیپ های کارگری بعمل میآمد به وسایل الکترونیکی سپرده شد ، بر اساس این سیاست تاسیسات پالایشگاه آبادان مدرنیزه گردید . با این اقدامات ، تعداد بسیار زیادی از کارگران ، اضافی و زاید بر احتیاج تشخیص داده شدند که میبایست بتدریج و در آینده ی دور و نزدیک اخراج گردند .

۲- تعطیل کارگاهها و بعضی از تاسیسات نفتی

در زمان تسلط شرکت سابق نفت ایران و انگلیس ، این شرکت برای تعمیر تجهیزات و دستگاها و ساختن لوازم یدکی ، کارگاههای بزرگ و تجهیزی نظیر کارگاه تراشکاری ، آهنگری ، ریخته گری ، الکتریکی ، نجاری ( که در مجموع معروف به " ورک شاپ " بود ) تاسیس نمود . این کارگاهها که بنا به ادعای مسئولین امر در آن زمان بزرگترین کارگاه در نوع خود و در خاور میانه بود ، چون در مجاورت یکدیگر ساخته شده بود ، خرید کانون اجتماع کارگری عظیمی را تشکیل میداد و لذا از همان آغاز کار کسرسیموم نفت تصمیم به محدود کردن و برچیده شدن آنها گرفته شد . علاوه بر سه ساله ی اخراج کارگران ، یکی دیگر از نقطه نظر های کارشناسان امریکایی و انگلیسی در برچیدن این کارگاههای مجهز این بود که ساخت قطعه یک دستگاه از قیمت خرید همان قطعه ی یدکی از امریکا یا انگلیس گران تر و بصره ی اقتصادی شرکت نمیشد . این نقطه نظر و استدلال از لحاظ منافع اقتصادی غارتگران امریکایی و انگلیسی صحیح و منطقی بنظر میرسید اما از لحاظ منافع ملی مردم ایران خصوصا قشر محروم کارگری ، این اقدام در حد یک فاجعه و مصیبت بود . ماهیت استدلال آنها این بود ، پولی را که بصورت مزد کارگر ایرانی برای ساختن فلان قطعه ماشین میدهیم

چرا همان پول را بکارخانه دار امریکایی و انگلیسی ندهیم؟ چرا برای جلوگیری از بیکاری کارگران امریکایی و انگلیسی این قطعات را از خارج وارد نکنیم؟ چرا حالا که ما تصمیم گیرنده و صاحب اختیار و خریدار لوازم فنی هستیم، آنها را از کشور خودمان خریداری نکنیم؟ چرا کارگر ایرانی را برای این کارها حقوق بدیم که فردا علیه ما اعتصاب راه انداخته و با فریادهای ضد امپریالیستی مشت خود را علیه ما و تسلط ما بر نفت ایران کوبد. این همان کارگریست که از ملی شدن نفت پشتیبانی نموده و بخون ما تشنه بود و شبها از ترس دشمنان های آنسان در مسجد سلیمان و آبادان خواب راحت نداشتیم. چرا حالا که فرصت انتقام فرا رسیده است با بیکار کردن و کمرسنگ نهادن خود و خانواده اش او را تنبیه و مجازات و مورد عبرت سایرین نسازیم؟

بهر حال در اجرای این تصمیم تعدادی از ماشین آلات این کارگاهها به تعمیر مرکزی اهواز منتقل و بقیه ی آن تعطیل و کارگران آن اخراج گردیدند.

در دنبالای همین سیاست، کارخانه ی کچ سازی بزرگ و مجهزی که در زمان شرکت سابق ایجاد شده بود در دوران کمرسیموم تعطیل و بر چیده شد.

کارخانه ی گوگرد سازی "بی بیان" و سایر تاسیسات شیمیایی این ناحیه از مسجد سلیمان معدوم و در این اواخر تعطیل و کارگران آن اخراج گردیدند.

### ۳- سیاست مقاطعه دادن عملیات و خدمات فنی

بر اساس سیاست کاهش تعداد کارکنان و تقلیل مخارج عملیات استخراج نفت و افزایش سود کپانیهای غارتگر نفت، کارگردانان کمرسیموم، کلیه ی قسمتهایی را که برای انجام بسیاری از احتیاجات شرکت توسط شرکت،



سابق نفت ایجاد شده بود ضحل و وظیفه‌ی آنها را به مقاطعه کاران داخلی و خارجی محول نمودند .

برای نمونه امور حفاری چاههای جدید به پیمانکاران امریکایی و بعضی از امور جاده سازی و کارهای اجرایی ساختمان‌ها به پیمانکاران داخلی و تاکسیرانی شرکت به یک نفر سرمایه دار مسجد سلیمان واگذار گردید و کلمه‌ی تاکسی‌هایی که متعلق به شرکت بودند از رده خارج گردید و چون تعمیرات و سرویس تاکسی‌های جدید به عهده‌ی سرمایه دار مزبور بود، لذا قسمت کاراز و تعمیرات اتوموبیل‌های شرکت ضحل گردید . البته از نظر خرید کالای خارجی در این مورد ضایع سرمایه داران انگلیسی متوسط و محفوظ گردید، زیرا بجای ماشینهای سواری انگلیسی که قبلاً بوسیله‌ی شرکت و بحساب هزینه‌ی تولید نفت وارد میشد این بار از اتوموبیل بیگان و در واقع همان ماشین انگلیسی که در ایران خریده شده بود، استفاده میکردید و باین ترتیب بروج بازار صنایع اتوموبیل سازی انگلیس خدمت میشد .

این سیاست تا چیزی ترین امور شرکت به مرحله‌ی اجرا در آمد، تا جائیکه لباس کارگران که قبلاً در کارگاههای خیاطی شرکت تهیه میشد بصورت مقاطعه به خیاطی‌های خصوصی واگذار گردید و خیاطخانه‌های شرکت تعطیل گردید .

البته این سیاست مقاطعه داران علاوه بر آنکه موجب تعطیلی کارگاهها و قسمتهای مختلف شرکت و بیکاری کارگران آنها گردید، درجه‌ی استثمار کارگران را در سطح کلی افزایش داد، زیرا شرکتها و موسسات مقاطعه کاری برای انجام همان کارها نصف تعداد کارگرانی را که شرکت به خدمت میگرفت آنهم با حقوقی به مراتب کمتر از حقوق شرکت نفت استخدام و بکار میگرفتند و تا هر موقع آنها را احتیاج داشتند نگهداشته و بیه محض کم شدن کار یا اتمام کار آنها را اخراج میکردند .

آنچه که زمینه‌ی سو استفاده‌های پیمانکاران و استثمار شدیدی در کارگران را فراهم میساخت این موضوع بود که با انصراف کارگران از طرف شرکت و زیاد شدن تعداد کارگران بیکار در بازار کار موجب پایین آمدن سطح دستمزدها گردید و این بهترین وسیله‌ی تامین منافع سرمایه‌داران کاران خارجی و داخلی شرکت بود که با دریافت حق حساب و رشوه از طرف پیمانکاران داخلی و محلی ثروتهای هنگفتی بدست آوردند .

۴- استفاده از شرکت ملی نفت برای انجام خدمات پرهزینه و دشوار

اساساً شرکت ملی نفت ایران - بدنبال خلع ید از شرکت سابق نفت و در زمان حکومت ملی - کثیره‌ی برای اداره‌ی تأسیسات ملی شده‌ی نفت و بهره‌برداری از چاههای نفت بدست ایرانی و برای خلق ایران تشکیل گردید . بعد از کودتای ۲۸ مرداد و در شرایطی که تمام عطایات تولید و اکتشاف و پالایش نفت بوسیله‌ی کنسرسیوم کمپانیهای نفتی بیگانه اداره و انجام میشد، برای فریب افکار عمومی و عدم مخالفت آشکار رژیم نسبت به ملی شدن نفت شرکت ملی نفت ایران را انحصاراً باقی گذاشتند و برای این که ظاهراً موجودیتی به آن داده باشند توزیع و فروش نفت و بنزین در داخل کشور را به آن واگذار نمودند .

علت واگذاری توزیع و فروش نفت به شرکت ملی نفت تنها بدلیل حفظ موجودیت شرکت با اصطلاح ملی نفت نبود بلکه دلیل عمده‌ی دیگری این بود که کنسرسیوم نفت حاضر به قبول این وظیفه‌ی پر درد سر و کم درآمد نبود . زیرا توزیع نفت در داخل ایران با نبودن راه آهن مجادله‌ی اضافی و حتی جاده‌ی خاکی برای بسیاری از شهرها و دهات در بر افزاید و توزیع و بنزین و سبک‌ی نقلیه نظیر قطار و کامیون به تعداد کافی امری بسیار شاق و دشوار بود که به سرمایه‌گذاری هنگفت و استخدام و اداره‌ی کارگران و کارمندان زیادی نیاز داشت و تازه این همان چیزی بود که کنسرسیوم نفت

در اداره‌ی تأسیسات نفتی بشدت با آن مخالف و از آن بیزار بود .  
 بنا بر این بعد از کودتای ۲۸ مرداد، شرکت با اصطلاح ملی نفت بصورت  
 آلت دست کسرسیوم و ارگانی در خدمت ضافع‌خارتگران نفت تهدید گردید .  
 از این تاریخ در مسجد سلیمان و سایر مناطق نفت‌خیز، کلیه‌ی خدمات  
 همیونی که مضمّن درد سر و صرف مخارج هنگفتی بود به شرکت ملی نفت  
 واگذار گردید . این امور عبارتند از : اداره‌ی امور بیمارستانها و  
 درمانگاهها ، اداره‌ی باشگاهها ، سینماها ، استخرها ، هتل ها و مهمان  
 سراهای ( در اصطلاح شرکت و نواحی نفت‌خیز "گست هاوس" و  
 هاوس " ) متعلق به شرکت ، نظافت شهره ، امور باغبانی و فضای سبز و  
 بسیاری امور دیگر از این قبیل که رسیدگی و اداره‌ی آنها به شرکت به  
 اصطلاح ملی نفت واگذار شده است .

خلاصه‌ی کلام اینکه شرکت با اصطلاح ملی نفت در حکم گماشته‌ی کسرسیوم  
 مناطق نفت‌خیز درآمد .

کبیر سیوم نفت با این خط مشی ضد خلقی ، هم تعداد زیادی از کار-  
 گران و کارکنان خود را اخراج نمود و باین ترتیب درد سرهای اداری  
 خود را کاهش داد . و هم اینکه انجام این خدمات و پرداخت حقوق افزو-  
 ادی را که برای این منظور کار میکردند به بودجه‌ی شرکت با اصطلاح ملی  
 نفت تحمیل نمود .

بعد ها با تأسیس پالایشگاه نفت تهران تنها کار رفتی شرکت عرض و  
 طول و با اصطلاح ملی نفت به اداره‌ی این پالایشگاه بسیار کوچک  
 منحصر گردید .

هـ - انتقال وظیفه و حفاظت به نیروهای پلیس و ژاندارمری

همانطوریکه گتیم تفنگچی اولین عنوانی است که به نگهبانان جاهها و  
 تأسیسات نفتی اطلاق گردید . و برای اولین بار افراد آن از عشایر  
 بختیاری و با انتخاب خوانین آن معرفی و توسط شرکت استخدام گردیدند

بمد ها و در زمان تسلط شرکت سابق نفت این افراد بصورت کارکنان و پرسنل اداره ی حفاظت شرکت سابق نفت درآمدند . بعد از کودتای ۲۸ مرداد و حاکمیت دیکتاتوری نظامی محمدرضاشاهی در ایران ، کنسرسیوم نفت با استفاده از شرایط حاکم و بظهور تقلیل حقوق بگیران خود و تحمیل قسمت دیگری از هزینه ی اداری به ارتش حکومت کودتاسا اداره ی حفاظت را منحل و حفاظت چاهها و تاسیسات نفتی و پست های کنترل و بازرسی دروازه های شهر مسجد سلیمان که تا آنوقت از وظایف اداره ی حفاظت شرکت بود به نیروهای پلیس و ژاندارمری واگذار گردید

۶- تعطیل نیروگاه برق تعسی

با انتقال شبکه ی برق سد دز به مسجد سلیمان ، نیروگاه عظیم برق تعسی تعطیل و کارکنان آن بیکار و زاید بر احتیاج تشخیص داده شدند . انتقال برق سد دز به مسجد سلیمان از آن قبیل کارهای بیسنت که مخا رجش برعهده ی ملت محروم ایران و استفاده اش به جیب کمپانی غارتگر نفت میرود .

زیرا اولاً-نیروگاه برق تعسی که خود سالیان دراز احتیاجات برقی شهر را در اوج بهره برداری از چاههای نفت و مصارف صنعتی شرکت تامین میکرد قادر بود در آینده نیز با اتمام چاهها و کاهش مصارف صنعتی ، احتیاجات برقی شهر را همچنان تامین نماید .

ثانیاً- انتقال شبکه برق از سد دز به مسجد سلیمان آنهم با وضعیت کوهستانی مسیر ، متضمن مخارج هنگفتی بود که به هزینه ی سازمان آبرو برق خوزستان یعنی از بودجه ی مردم ایران به سود کمپانی نفت اجرا گردید .

ثالثاً- تعطیل و از کار انداختن نیروگاه برق تعسی که منجر به از بین رفتن صلا استفاده ماندن آنها شده است خود صالغ هنگفتی به ثروت و دارایی عمومی مردم زیان و خسارت وارد ساخته است .

در این نظر اینکه در هیچ کشور صنعتی با تاسیس نیروگاه جدید برای  
نیروگاه نیروگاه برق قلی را تعطیل نمیکنند بلکه نیروگاه جدید برای  
صرف و استفاده های جدید است. اما در کشور استعمار زده ی  
ایران صد روز کارخانه های برق آن را نه به خاطر احتیاج بآب و برق  
بلکه به خاطر ریختن پولهای نفت به جیب شرکتهای ساختنی و  
کارخانجات الکتریکی امریکایی ایتالیایی و ژاپنی میازند.  
البته آنچه بر سر نیروگاه برق مسجد سلیمان آمد بر سر کلبه ی نیروگاهها  
شهر نفت خیز و غیر نفت خیز خوزستان نیز آمده است مثلا نیروگاههای  
عظیم برق بالا شگاه آبادان را به خاطر اینکه برق سد دز به صرف مانده  
به تعطیل کردند و مردم را مجبور ساختند که از برق سد دز استفاده  
نمایند.

و اینها - اخراج کارگران و کارکنان تاسیسات برق تصی که بدنیال تعطیل  
نیروگاه مزبور و استفاده از برق سد دز عطا گردید. ضمنا کسرسوموم  
نفت موفق گردید علاوه بر اخراج کارکنان و صرفه جویی در مخارج خود  
از برق سد دز نیز به بهای ناچیزی استفاده نماید.  
اعمال و اجرای پنج مورد کلی فوق در طی مدت کوتاهی و کسرسوموم نفت  
را قادر ساخت که تعداد کارکنان صنعت نفت مسجد سلیمان از ۱۷۰۰۰  
نفر به دو هزار نفر کاهش دهد. از مابقی ۱۵۰۰۰ نفر کارگران زاید بر  
احتیاج هزینه نین و بر قدرت ترین آنها را به مناطق جدیدی نظیر  
خارک - کج - ساران - اهواز - منتقل و انبوه کثیری از آنها را با باز خرید  
نمود.

تصمیم شرکت به اخراج کارگران از همان ابتدای امر به اعتراض شدیدی  
کارگران و کارمندان مواجه گردید بطوریکه بطور دسته جمعی بمقاطات  
وزارت کار اعتراض و نمایندگان آنها به مراجع مختلف نامه نگاری و تلگراف  
و ملاقات حظوری نمودند اما کلیه ی این فعالیتها سودی نبخشید

و تنها نتیجه اش این شد که سابقه ی کار کارگران از طرف کنسرسیوم نفت  
بر خلاف قوانین کار بجای سالی سه ماه بر اساس سالی دو ماه حقوق باز  
خرید گردید و باز خرید گردید . و باز برخلاف همان قوانین کار که کار  
فرما در صورت عدم احتیاج به کارگر باید رضایت او را فراهم سازد چون  
در این مورد کارفرما در برابر واریان آنها بوده گنیه ی مواز و بند های  
قانون کار در این مورد پیشتر ابراز شده است .

از آن بیحد مهر " سالی دو ماه " بر پیشانی غالب کارگران زده شد و  
اصطلاح " سالی دو ماه " در تمام شئون زندگی ، فرهنگ و بحث های  
روزانه ی مردم بعنوان نشانه ی بد بختی و سیاه روزی کارگران وارد  
گردید .

بسیاری از کارگران سالی دو ماه در عرض مدت ی که در جستجوی کار بودند  
و قبل از آنکه شغل جدیدی پیدا نمایند بملت مافله ی زیاد و اجاره ی  
سنگین و بالا بودن سطح زندگی در مسجد سلیمان پولهایی را که به  
عنوان باز خرید از شرکت گرفته بودند تمام کردند . تعدادی از همین  
کارگران حتی از درد ناچاری و احتیاج به دوره گردی و دستفروشی  
پرهیز کردند . بعضی از کارگران سالی دو ماه که قبلا در شرکت دارای شغل  
فنی بودند با پول شرکت ناچارا به باز کردن قهوه خانه و کافه در داخل  
شهر و یا در فاصله ی بین مسجد سلیمان و اهواز و سایر شهرها اقدام  
کردند " کافه ی سالی دو ماه " " قهوه خانه ی سالی دو ماه " و نظایر  
آن نشان دهنده ی سرنویشت کارگر ایرانی تحت ستم امپریالیستهای غارت  
گراست .

چون تعدادی از کارگران در صد خرید خانه برآوردند قیمت خانه  
آنچنان بالا رفت که بقول کارگران با این پول شرکت حتی قادر به خرید  
یک آلتونک نبودند و باز بنا به گفته ی همین کارگران اگر دولت لاقط یک  
قطعه زمینی به هر کارگر اخراجی بطور رایگان واگذار میکرد آنها میتوانند

بهر وسیله بی که شده با این پول شرکت در داخل آن یک اطاقکسی  
 بسازند که خود و خانواده شان از ناراحتیهای اجاره نشینی و  
 اجاره‌ی سنگین خلاصی پیدا نمایند. اما چه خیال واهی! حکومت  
 پیکانوری محض رضا شاهی! که پایه‌های آن بر مکتب شیرازی جان  
 کارگر و پر اجساد گلوه باران شده‌ی مردم محروم خلق ما استوار شده  
 است چگونه میتواند توجهی به خواستههای کارگران پیدا نماید.  
 در چند سال اخیر که شهرت ارس است این خصوصاً دبیرستانها به  
 مقدار زیاد افزایش یافت بسیاری از همین کارگران سالی دو ماه کسه  
 دارای چند تن فرزند دبستانی و دبیرستانی بودند تمام تلاش و خواست  
 آنها در دبیرستان و اداره‌ی آموزش و پرورش این بود که حالا که ما را  
 اخراج و از کار بیکار کرده اند و دولت هم فکری به حال ما نکرده لاف  
 از بچه‌های ما شهره نگیرد! بهتر حال آنچه در مسجد سلیمان میگردد  
 بعنوان نمونه خود نشان دهند. ی این است که امروز کشور ما بهشت  
 جنایتکاران و غارتگران امریکایی، انگلیسی، اسرائیلی، و جهنم کارگران،  
 دهقانان و سایر اقشار محروم و آزاده‌ی ایرانست.  
 نتیجه: مسجد سلیمان امروز، قرار خانه‌ی رژیم

طی مطالب گفته شده تا حدودی نشان داده شد که شرکت‌های غارتگر نفتی  
 چگونه از گسترش و توسعه‌ی شهر مسجد سلیمان بمنتها کوشش خود جلو  
 گیری بعمل می‌آورند و احتیاجات زندگی و تاسیسات شهری آن را در  
 سطح حد اقل ایجاد میکنند تا با اتمام چاههای نفت آثار وجودی  
 این شهر را که صرفاً بخاطر غارت ثروت‌های نفتی آن ایجاد شده بود به  
 سهولت از میان بردارند. بهمین دلیل در چند سال اخیر بد شمال اخراج  
 کارگران و کم شدن تولید نفت و افزایش میزان بیکاری و فقر بتدریج شیرازه  
 اقتصادی این شهر در آستانه‌ی درهم پاشیدگی و نابودی قرار گرفته

اما در زمانی که شرکت های عامل نفت ایران ( کنسرسیوم نفت ) تاسیسات خود را بخاطر تمام شدن نفت مسجد سلیمان از این شهر جمع میکرد ، عامل جدیدی بنام ارتش در سر نوشت زندگی این شهر وارد گردید . به مذاق ضرب الصل عامیانه " میراث گرگ برمی گفتار " ارتش در نقش وارث تاسیسات و ساختمانهای باقیمانده از شرکت غارتگر نفت ظاهر گردید . حال بیهنیم چه عواطفی موجب گردید که ارتش استعماری شاهنشاهی به عنوان میراث خوار شرکت های غارتگر نفت در مسجد سلیمان وارد گردد ؟

الف- موقعیت خاص استراتژیکی مسجد سلیمان

مطابق نقشه های استعماری و غارتگرانه ی امپریالیستهای امریکایی و انگلیسی بر طبقه ی سرکشی جنبش های آزاد بخواهانه ی کشورهای مجاور خلیج فارس و حفظ منابع و کشفیهای نفتی غارتگران امریکایی و انگلیسی به شاه ایران واگذار و بدینال آن پایگاههای متعدد نظامی در جنوب کشور و در مجاورت خلیج ایجاد و مرکز نیروهای زرهی به اهواز منتقل شد بحالت وجود ذخایر نفتی و هم مرزی استان خوزستان با کشورهای عربی و ناحیه ی خلیج تعداد سرسام آوری تانک و سلاحهای تهاجمی در اهواز و سایر نقاط مرزی و مناطق حساس متمرکز گردید . بر اساس نقشه های نظامی مستشاران و کارشناسان نظامی امریکایی خوزستان و مناطق مجاور خلیج در آینده صحنه ی جنگ و بیکار احتمالی ارتش دست نشانده ایران با یکی از کشورهای عربی ناحیه ی خلیج واقع خواهد گردید . در یک چنین جنگ احتمالی وجود یک پایگاه و منطقه ی تدارکاتی پشت جبهه ضروری و حیاتی خواهد بود . اما این منطقه ی تدارکاتی باید از یک طرف و به حد کافی از صحنه ی عملیات دور بوده تا از برد هواپیماهای تهاجمی دشمن محفوظ ماند و از طرف دیگر در مقابل دید هواپیماهای دشمن پوشش و حفاظت طبیعی لازم را دارا باشد هر دو شرط مزبور یعنی دور بودن نسبتا کافی مسجد سلیمان از خلیج و مرزهای کشورها



برون اطراف آن موجب گردید که مسجد سلیمان مشا-  
 رت نظامی و استراتژیکی را بعنوان يك مركز تدارکاتی پشت  
 طرح اصلی نظامی امپریالیستهای امریکایی پیدا نماید . از  
 مسجد سلیمان بعنوان مركز صنایع نظامی و زرادخانه ی تولید  
 سلاح های زمینی انتخاب و مورد استفاده قرار گرفت .

در مرحله ی اول اجرای این طرح ، کارگاه تعمیرات و مونتاژ تانک در  
 محله ی تلخ آب و در نزدیکی کوی کارشناسان خارجی شرکت نفت ایجاد  
 گردید . این کارخانه در محلی ساخته شده که دور تا دور آن بوسیله ی  
 گنجه ها و تپه ها احاطه شده و نحوه ی ساختمان کارخانه به شکلی است که  
 دشمن در بدو هوایی را برای هواپیماهای دشمن داشته باشد .

تعمیر و کار کارخانه ی تانک سازی تعمیر تانک های ام ۴۰ امریکایی و  
 تبدیل آنها به تانک های بدل ام ۶۰ امریکایی است . باین ترتیب که  
 موتور و موتور تانک ام ۴۰ را با زنجیر و موتور تانک ام ۶۰ تعویض می  
 نمایند . همچنین برخی از دستگاههای نشانه گیری و سیستم مخابراتی  
 تانکهای ام ۴۰ را با وسایلی که در تانکهای ام ۶۰ امریکایی بکار رفته  
 تعویض نمودند . بنابراین ، تانکهای ام ۴۰ بوسیله ی خط آهن از آباد-  
 گنجه و مرکز و پایگاههای نظامی نقاط مختلف کشور به اهواز و از آنجا  
 بوسیله ی تریلی های مخصوص و غل بیکر به مسجد سلیمان حمل و در  
 انبار بزرگی که در جوار کاخانه است نگهداری و بتدریج تحت تعمیر و  
 تعویض قسمتها قرار میگیرد .

زنجیر و موتور و سایر قسمتهای مورد نظر تانک ام ۶۰ بوسیله ی کشتی  
 تا خرمشهر و از آنجا بوسیله ی راه آهن به اهواز و از اهواز بوسیله ی  
 تریلی و کامیونتهای باری به کارخانه ی تانک سازی مسجد سلیمان حمل  
 میگردد . برای اینکه جاده ی اهواز به مسجد سلیمان برای عبور تریلی  
 های مذکور و حمل و نقل تانکها مناسب گردد ، کارهای زیادی بر روی

این جاده مخصوصاً در ناحیه ی کوهستانی بعمل آمده است و بیچ و خمهای زیاد این جاده را در مناطق کوهستانی که متجاوز از ۶۰ سال موجب تصادفات وحشتناک و کشتارهای فراوان بود بخاطر سلاستناکها اکنون از بین برده و بر عرض این جاده باریک به مقدار زیاد افزوده اند . در اینجا بعینه مشاهده میکنیم که بسیاری از اصلاحات ظاهری که در این مملکت صورت میگردد تماما هنگامی عملی میشود که با برنامه ها و منافع بیگانگان و نقشه های نظامی آنان مناسبت و مطابقت پیدا نماید و تنها چیزی که برای رژیم خائن ایران بی ارزش است جان و رفاه و راحتی مردم است .

همین جاده ی مسجد سلیمان به اهواز هر سال خصوصاً در ایام نوروز و بخاطر تنگی و بیچ های تند جاده و نبودن علائم راهنمایی جان بسیاری از اهالی و مسافری را میکشد اما کوچکترین اقدامی از طرف شرکت نفت یا وزارت راه بعمل نیامد . در سالهای اخیر همیشه بین وزارت راه و شرکتهای عامل نفت بر سر تعمیر این جاده اختلاف بود . شرکت نفت میگفت تعمیر و اصلاح جاده از وظایف وزارت راه است . وزارت راه میگفت چون این جاده مورد استفاده ی شرکت عامل نفت و در خدمت منافع آنست لذا تعمیر آن باید بوسیله ی شرکتهای خارجی نفتی ( کسرسیوم نفت ) صورت گیرد .

اما همینکه کارخانه ی تانک سازی وسیله ی حمل و نقل تانکها بوسیله ی تریلی و منافع استعمارگران امریکایی و انگلیسی و ارتش آلت دست آنها بحیان آمده دیگر هیچگونه اختلاف نظر و بهانه ی کمی پول و نبودن بودجه مطرح نشد .

نمونه ی دیگری از این قبیل کارهای ظاهراً عمرانی و در اصل اقدام نظامی ، ساختن پل شوشتر به دزفول بر روی رودخانه ی کارون میباشد . بستن این پل که شوشتر را به دزفول و راهات و بخشهای متعدد و

بزرگ کشاورزی نظیر "گوند" و "عقیلی" و صدها آبادی دیگر متصل  
 میشوند، سالیان دراز آرزوی مردم بود، بطوریکه در هر دوره‌ی نمایندگی  
 مجلس تمام وعده و وعید و فریبه‌های هر کاندیدا در مورد ساختن این پل  
 بود. در عرض این سالیان دراز روستاییانی که با احتشام و بارهای خود  
 بشهر می‌آمدند ناچار بودند بوسیله‌ی قایق از رودخانه عبور نمایند.  
 به این لحاظ هر سال خصوصا در مواقع سیلابی شدن و طغیان رودخانه  
 کارین بسیاری از روستاییان بعلت غرق شدن قایق‌ها در رودخانه جان  
 خود را از دست می‌دادند. شدت تلفات از یکطرف و تاثیر ساختمان  
 این پل در بهبود وضعیت اقتصادی شهر اهالی را و اداریه ساختن در  
 هر فرصتی از مقامات و رعایای که برای بازدید از شهر می‌آمدند ساختن  
 این پل را مهرانه درخواست نمایند، اما عملا کمترین اقدامی بعمل  
 نیامد تا اینکه پایگاه هوایی جدیدی در نزدیکی دژنول طبق نقشه‌های  
 تجار و کارانه‌ی امپریالیستهای امریکایی تاسیس گردید. چون این پایگاه  
 علاوه بر هدفهای تهاجی به کشورهای عربی و چینش‌های خلیج فارس  
 بخاطر برقراری امنیت حوزه‌های نفتی در برابر شورشیها و مبارزات مردم  
 محروم بوجود آمده بود و میبایست این پایگاه بمناطق نفتی مسجد سلیمان  
 "لالی" "امیر" و هفتنگ متصل باشد لذا پل مزبور خود بخود در مسیر  
 این جاده قرار گرفت و اهمیت نظامی و استراتژیکی پیدا نمود و بنا به  
 خواست و دستور مستشاران نظامی امریکایی ساختمان این پل عملی گردید  
 و مردم که دیگر از ساختمان این پل ناامید و از سالها پیش در این مورد  
 سکوت کرده بودند با کمال تعجب مشاهده نمودند که ساختمان این پل  
 با صرف بودجه‌های کلان و بدون اینکه از طرف مردم تقاضا و اضزاری  
 صورت گیرد خود بخود از طرف دولت آغاز گردید. غافل از آنکه این بار  
 چون قصد ساختن این پل خیانت ب مردم و سرکشی احتمالی آنان بوده به  
 سرعت انجام گردید و در گذشته باین دلیل دولت و دربار خائن از ساختن

این پل ظفره میروفتند و یا صرف نظر میکردند که فکر میکردند این پل تنها به سود روستاییان و مردم شهر است .

بهر صورت امروز کارخانه تانک سازی مسجد سلیمان در سه شیفت بالغ بر ۱۰۰۰ نفر کارگر دارد و مستقیماً زیر نظر مستشاران و کارشناسان نظامی امریکایی اداره میشود . کوی تلخ آب که پس از رفتن کارشناسان خارجی شرکت نفت تخلیه شده بود اکنون محل سکونت کلیه ی کارشناسان و مستشاران نظامی امریکایی اداره کننده کارخانه تانک سازی است . هم اکنون علاوه بر تانک در صدد ساختن جیبهای نظامی امریکایی نیز هستند باین معنی که ابتدا جیبهای تراکز نظامی و پادگانهای مختلف را جمع کرده با تعمیر اسلکت و تعمیر موتور آنها با موتورهای ترو که از امریکا وارد میشود آنها را مورد استفاده قرار داده تا در مرحله ی بعد به مونتاژ جیب نظامی امریکایی و ساختن بعضی از قسمتهای آن در مسجد سلیمان بپردازند .

بطوریکه جسته و گریخته شنیده میشود برنامه ی ساختن صدمات گوناگون و سلاحهای سنگین نیز برای آینده پیشبینی و تدوین شده است .  
ب- استفاده از تاسیسات باقیمانده ی شرکت غازتگر نفت

یکی دیگر از هدفهای تاسیس کارخانه جات نظامی در مسجد سلیمان بهره گیری از کارگاه ها و ساختمانهای باقیمانده از شرکت نفت برای برنامه های نظامی است .

هم اکنون " روك شاپ " شرکشی که قبلاً صحبت آنرا نمودیم و فاصله ی خیلی زیادی با کارخانه ی تانک سازی ندارد تماماً با اضافه ی ساختمانهای اداری و تاسیسات ککلی آن به کارخانه ی تانک سازی واگذار شده است . علاوه بر آن خانه های شرکشی ناحیه ی چشمه علی تماماً از ساکنین قبلی تخلیه و به کارکنان کارخانه ی تانک سازی واگذار شده است و قرار است

تمام منازل، کارگاهها و انبارها و باشگاههای ناحیه ی "بوك شاپ" و چشمه علی که با کارخانه ی تانك سازی بیش از ۱۰ کیلومتر فاصله ندارند تماما منطقه ی نظامی اعلام شود و جاده ی ورود بشهر که از وسط این منطقه عبور مینماید تغییر جهت داده و از طریق دیگر به مرکز شهر مسجد سلیمان مربوط گردد .

ج - استفاده از نیروی کار و تخصص فنی کارگران اخراجی برای مقاصد نظامی

سومین هدف ایجاد کارخانجات نظامی در مسجد سلیمان در ظاهر ایجاد کار برای عده ی قلیلی از انبوه کارگران اخراجی و بیکار شرکت غارتگر نفت و جلوگیری از سقوط کامل شهر مسجد سلیمان است اما در اصل این برنامه بخاطر استفاده از نیروی کار و تخصص فنی کارگران سابق شرکت نفت با کمترین دستمزد و در جهت امور نظامی و برنامه های ضد انسانی و استعماری امپریالیستهای امریکایی است . امروز عده ی قلیلی از کارگران ورزیده و متخصص شرکت نفت در این کارخانه مشغول کارند و اکثریت کارکنان آن از طریق گرفتن رشوه های گلاز بین سه هزار تا پنج هزار تومان بوسیله ی دلان مخصوصی که با گردانندگان ارتشی کارخانه مربوط هستند استخدام میشوند . به افراد دبیله در بعضی استخدام و عده ی سه تا شش ماه کار آموزی در امریکا داده شده و حقوق آنها در بدو استخدام ۸۰۰ تومان است .

بطور کلی سطح دستمزدها و حقوقها از سطح دستمزدها و حقوق های کسرسیموم نفت پایین تر است و این خود نشان میدهد که بهره کشی و جتم در مورد کارگران کارخانه ی تانك سازی زیاد تر از شرکت غارتگر نفت است .

د - استفاده از امکانات طبیعی مسجد سلیمان برای مقاصد نظامی

طی حقارت‌های اخیر معلوم گردید که چاه‌های مسجد سلیمان که اکنون نفت آن‌ها به پایان رسیده دارای ذخایر عظیم گاز طبیعی است. علاوه بر این زودخانه‌ی کارون یعنی پر آب‌ترین رود ایران در فاصله‌ی ۴۰ کیلومتری این کارخانه جریان دارد و این منبع آب کافی خود یکی دیگر از ماده‌های اولیه و احتیاجات صنایع مختلف بشمار میرود. برق آرزو شده در عاقل مهم و امکان مساعدی برای صنعتی شدن ناحیه است. اما اکنون همه‌ی این امکانات طبیعی و ثروتهای ملی بجای تهیه‌ی آنها برای برهنگان غذا برای گرسنگان و کاغذ و کتاب برای مردم بیسواد، همگی صرف ساختن سلاحهای مرکب‌ار نظامی میگردد تا نظامیان خونخوار امریکایی و اسرائیلی و ارتش دست‌نشانده‌ی شاه خائن آنها را علیه خلق‌های محروم ایران فلسطین، قطار و سایر مردم گرسنه و استثمار‌زده‌ی دنیا بگمارند.

هـ - سیاست ملیت‌اریزه کردن کلیه‌ی مناطق کشور

بدنهال رخنه و تسلط جهان‌خواران امریکایی در ارتش ایران و بهر سرامر شئون حیاتی وطن ما برنامه‌ی ایجاد پادگان‌ها و پایگاه‌های نظامی در کلیه‌ی مراکز و نقاط حساس ایران بسرعت د نهال گردید، تا جاییکه در هر گوشه و کنار تا دور افتاده‌ترین نقاط مراکز و پایگاه‌ها و پادگان‌های نظامی فراوانی تاسیس شده و خواهد شد و هم اکنون کشور ما بصورت یک سربازخانه و پادگان نظامی بزرگ درآمده است.

بر اساس همین سیاست میبایست در مسجد سلیمان که در ناحیه‌ی هماییر نشین بختیاری و در یک منطقه‌ی کوهستانی سوق الجمعی واقع است، به خاطر سرکشی جنبش‌های رومانی در دهات و مبارزات مردم رنج‌دیده و استثمار‌شده‌ی شهرها دارای تاسیسات نظامی باشد. کما اینکه در هفتگل که چاه‌های نفت آن حتی قبل از چاه‌های نفت مسجد سلیمان به

پایان رسیده است از مدت‌ها قبل واحد‌های زرهی در حد يك پادگان در آن ایجاد شده است و تمام ساختمانهای اداری و منازلی که در گذشته بوسیله ی شرکت ساخته شده به نظامیان واگذار گردیده . کلمه ی انبارهای ریزش شرکت بصورت انبار و محل توقف تعداد سرسام آوری از تانک و توپ و نفر بر در آمده و هفتگنک کاملاً بصورت يك منطقه ی نظامی در آمده است .

بهر حال پروژه ی سد رضاشاه خائن بر روی رودخانه ی کارون و در ۴۰ کیلومتری مسجد سلیمان و باز پد های مکرر غلامرضا از عطیات ساختن این سد و زمینهای اطراف آن نشان میدهد که امپریالیستهای امریکایی و انگلیسی و دربار دست نشانده ی آنها نقشه ها و طرحهای ضد ملی و خائنانه ی وسیعی برای این ناحیه تدارک میکنند .

تمام این طرحها بر این اساس پایه ریزی میشود که از آب، برق، گاز، زمین و نیروی کار ارزان مردم زحمتکش این ناحیه برای فقر و بدبختی بیشتر و کشتار خلقهای ایران و سایر کشورهای منطقه حد اکثر استفاده را بنمایند و تمام این ثروت‌های ملی که باید روز بروز وسیله ی رفاه و سعادت خلق ما را فراهم سازد بالعکس موجب بدبختی و سیاه ریزی بیشتر مردم وطن ما و ثروت اندوزی کشورهای بیگانه و دربار دست نشانده ی آنها گردیده است .

"پایان"

املاى برخى از محلها

ANDEKA	اندکا
ANBAR	انبار
LALI	لالی
GODARLANDAN	گدارلندن
DAR KHAZINEH	در خزینه
TEMBI	تیمی
AFRANBI	افرنبی
BIBIAN	بیجان
CALGEH	کله
MEIDCOON	میدون
TOLBOZCOON	تل بزون
DARAH KHERSOON	دره خرسون
BANGALEH	بنگله
BRAIM	بریم
MALMIR	مالمیر
GOTEVAND	گوتوند
AGHEILI	عقیلی



www.iran-archive.com

تعمیرات  
مستدر ایسوجی نے مصلحتوں کو پیش نظر کر کے  
وہاں رہا ہے ایران